

روایت زنی یزدی که هنر فراموش شده پارچه «دارایی» را دوباره به زندگی و مد بازگرداند

دارایی؛ گنجی از کویر یزد

برتن مدل‌های بین‌المللی

صفحه ۵

گزارش هفت صبح از روستایی که زادگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی است

پاژ، روستای فراموش شده خالق شاهنامه

- زادگاه فردوسی، برخلاف جایگاه جهانی‌اش از ابتدایی‌ترین امکانات گردشگری بی‌بهره است
- قلعه تاریخی روستا اکنون ویران شده و تنها اتاقی از آن باقی مانده است

صفحه ۶



گزارش هفت صبح از سرگرمی جالب ایرانیان باستان که به دست جوان ایرانی بر نامه‌نویس متولد انگلیس احیا شد

راز بازی ۴۷۰۰ ساله شهر سوخته

- نشنال جئوگرافی، بازی شهر سوخته را به عنوان کامل‌ترین بازی باستانی مکشوفه جهان معرفی کرد
- درآمد حاصل از فروش تخته بازی شهر سوخته به بچه‌های سیستان و بلوچستان می‌رسد

صفحه ۹

قهوه داغ و رژ لب قرمز؛ روایت خوشی‌های کوچک در دل رکود

پیام رژ لب به بازار

- خوشی‌های کوچک احساس کنترل، امید و هویت را به افراد بازمی‌گرداند
- اثر لیبستیک، رفتار مصرفی امیدبخش در دوران رکود است که روان‌شناسی انسان را فراتر از منطق اقتصادی نشان می‌دهد

صفحه ۸

نسل Z با استفاده از پلتفرم‌های بازی به اعتراضات سیاسی شکل تازه‌ای داده است

انقلاب از پشت مانیتور

- پژوهشی درباره شکل‌گیری اعتراض‌های سیاسی در متاورس نقش نسل Z و چالش‌های دموکراسی در دنیای مجازی آینده
- کاربران با هویت‌های مجازی، راحت‌تر عقاید سیاسی خود را بیان می‌کنند

صفحه ۲



یادداشت

کوچ بهاره عشایر، آیینی که میان تشنگی و بی‌علوفگی گرفتار شده

روای ییلاق در بحران خشکسالی



سقف‌هایی بی‌برق شب‌هایی با فانوس

یکی از مضللات مهم دیگر، نبود برق در سیاه‌چادرهای عشایری است. گرچه مدیر کل امور عشایر چهارمحال و بختیاری، محمد محمودی از توزیع ۱۶۰۰ پنل خورشیدی خبر می‌دهد، اما نوید غریب‌شاهی، پژوهشگر حوزه عشایری و از بزرگان ایل بختیاری هفت‌لنگ، از ادامه خاموشی در بسیاری از مناطق عشایری می‌گوید: «هنوز شب‌های خیلی‌ها با فانوس روشن می‌شود. برق، دیگر یک تجمّل نیست، نیاز است. پنل‌های خورشیدی می‌توانند حداقل روشنائی، شارژ گوشی و امنیت ما را تامین کنند.»

نهاده‌هایی که دیر می‌رسند

یکی دیگر از بحران‌های جدی، تاخیر در توزیع نهاده‌های دامی است. غریب‌شاهی هشدار می‌دهد: «سال گذشته نهاده‌ها در بهمن و اسفند رسید، خیلی دیر. در حالی که چک ما برای خرید آن‌ها سر رسید ۲۸ اردیبهشت دارد. این یعنی باید دام را با قیمت پایین بفروشیم تا پول چک را جور کنیم. اگر نهاده‌ها را در مرداد و شهریور تحویل بدهند، هم دام چاقی‌تر می‌شود، هم فروش بهتر.»

تامین آب با تانکر و تراکتور

مدیر کل امور عشایر استان، محمد محمودی به ایرنا می‌گوید: «در حال حاضر هفت تانکر آبرسان سیار در اختیار ماست و سه تانکر دیگر هم از خوزستان به کمک می‌آیند. برای مناطق صعب‌العبور، تامین آب از طریق تراکتور و پیمانکاران محلی در دستور کار قرار گرفته. همچنین مناقصه خرید ۴۰۰ تانکر پلی‌اتیلن ۵۰۰ لیتری در حال برگزاری است.» ایل‌راه‌ها و مسیرهای سنتی کوچ، که به‌عنوان شاهرگ حیاتی زندگی عشایر شناخته می‌شوند، در بسیاری از نقاط تخریب یا تصرف شده‌اند. این مسیرها نیازمند بازسازی، نشانه‌گذاری و حفاظت هستند. غریب‌شاهی با اشاره به این موضوع می‌گوید: «اگر راه‌ها مناسب باشد، بسیاری از خطرات، از تصادف گرفته تا بروز تنش‌های محلی، کاهش می‌یابد. اما فعلاً خیلی از مسیرها نه تاب عبور ماشین دارند، نه امنیت دارند.» کوچ بهاره عشایر فقط جای‌جایی دام و انسان نیست؛ روایتی از تلاش، امید و پایداری در دل طبیعت است. پشت لبخند کودکی در دامنه‌ز آگرس، غبار خستگی زانای است که هم‌زمان مادر، دامدار و نگهبان سنت هستند. در زنگوله‌های گوسفندان، صدای هشدار است: اگر عشایر فراموش شوند، بخشی از حافظه تاریخی ایران خاموش خواهد شد. این کوچ، فقط یک رسم نیست؛ استمرار ریشه‌های زندگی بر خاک سخت است.

گزارش

گیلان، بهشت پرندگان مهاجر و ایستگاه زمستانی پرهای خسته

کنسرت پرهای آبی در تالاب انزلی

در صدر ایستاده است. سپس سلک‌ه با حدود ۳۳

هزار، بوجاق با بیش از ۵۱ هزار، بارکوسرا و امیرکلایه به‌ترتیب با ۱۰ و ۸ هزار پرنده، رده‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند.

این اعداد تنها آمار نیستند. هر عدد، نماینده پرنده‌ای‌ست که راهی طولانی را پشت سر گذاشته تا اینجا بیاساید.

حرکت جهانی برای نجات پرندگان

از سال ۲۰۰۶، دوروز از سال –در ماه‌های مه و اکتبر– به‌نام روز جهانی پرندگان مهاجر نام‌گذاری شده است. هدف، افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت پرندگان مهاجر و خطراتی‌ست که آن‌ها را تهدید می‌کند. چرا که این پرندگان، مسافران چندملیتی‌اند. مرز نمی‌شناسند و چرخه زندگی‌شان در قاره‌های مختلف جریان دارد. از همین رو، حفاظت از آنها نیازمند مشارکتی جهانی است.

گرچه گیلان تنها ۹ دهم در صد از مساحت ایران را تشکیل می‌دهد، اما با داشتن پنج منطقه حفاظت‌شده، پنج پناهگاه حیات وحش، یک پارک ملی، شش منطقه شکار ممنوع و چهار اثر طبیعی ملی در مجموع نزدیک به ۱۵ درصد از مساحت استان را به مناطق حفاظت‌شده اختصاص داده است. این آمار، قدرت اکولوژیکی گیلان را نشان می‌دهد؛ استانی کوچک اما با قلبی بزرگ برای زیست‌بوم‌ها و ساکنان پربالش.

پرندگان مهاجر، سفیران آسمان‌اند. نشانه‌هایی از سلامت یا بحران در طبیعت. گیلان با آغوشی باز پذیرای آن‌هاست. وظیفه ما اما تنها تماشا نیست. بلکه درک، حفاظت و تبدیل این میراث زنده به فرصتی برای توسعه پایدار است. چرا که هر بار که پرنده‌ای در آسمان گیلان بال می‌گشاید، نوید زنده بودن طبیعت را فریاد می‌زند.



وقتی نسیم پاییزی از راه می‌رسد، آسمان گیلان میزبان نمایشی است شگفت‌انگیز. هزاران پرنده مهاجر از دور دست‌های سرد سیبری و اروپا، بال‌گشوده به سمت تالاب‌های گرم‌تر این خطه حرکت می‌کنند. این کوچ بزرگ، نه تنها از عجایب طبیعت است، بلکه گیلان را به یکی از مهم‌ترین ایستگاه‌های زمستان‌گردانی پرندگان مهاجر در ایران بدل کرده است.

در آستانه روز جهانی پرندگان مهاجر، آمارها بار دیگر پرده از عظمت این کوچ می‌گشایند. زمستان پارسال در ۳۵ زیستگاه مهم گیلان بیش از ۲۱۱ هزار پرنده مهاجر از ۷۹ گونه مختلف سرشماری شدند. گونه‌هایی همچون خوتکا، اردک سرسبز، باکلان بزرگ، اردک ارده‌ای، کاکابی سرسیاه و خروس کولی، در تالاب‌هایی چون انزلی، سلک‌ه، بوجاق، بارکوسرا و امیرکلایه سکونت گزیده‌اند.

گیلان، سرزمین پربالان

استان گیلان با مساحت تقریبی ۱۴ هزار و ۷۱۱ کیلومتر مربع حدود ۳۰ هزار هکتار تالاب و ۲۷۶ کیلومتر خط ساحلی و دارا بودن اکوسیستم‌های متنوع دریایی، تالابی، رودخانه‌ای، جنگلی و مرئی از تنوع زیستی بالایی برخوردار است. این استان به دلیل اقلیم معتدل، فراوانی آب‌بندان‌های طبیعی و تولیدات فراوان مواد غذایی، بخش مهمی از کریدور مهاجرت پرندگان محسوب می‌شود.

اما این فقط زیست‌شناسان و کارشناسان نیستند که محو این شکوه می‌شوند. پرندنگری امروز به یکی از ظرفیت‌های جذاب گردشگری در گیلان بدل شده است. حسین علی‌نژاد، رئیس اداره نظارت بر حیات‌وحش محیط زیست گیلان می‌گوید: «هم‌زمان با کاهش دما در عرض‌های شمالی، پرندگان از مناطق سردسیری به گیلان مهاجرت می‌کنند و تا فروردین، بسته به دمای هوا، در تالاب‌ها می‌مانند و تغذیه می‌کنند.»

او تأکید می‌کند که این ظرفیت بی‌ظنیر می‌تواند بستر پژوهش‌های علمی، گردشگری پایدار و حتی توسعه اقتصادی باشد. البته برای پرندنگری در تالاب‌های حساس گیلان، دریافت مجوز از اداره کل محیط زیست الزامی‌ست. این اقدام برای حفاظت از امنیت زیستگاه‌ها و کنترل ورود گردشگران انجام می‌شود. در میان تالاب‌ها، انزلی با بیش از ۸۵ هزار پرنده

مصطفی رحماندوست، شاعر محبوب کودکان ایران درگفت‌وگو با هفت صبح از تأثیر ادبیات بر پرورش خیال و روح کودکان می‌گوید

«پرورش» را آزاد کنید

«آموزش» را کنار بگذارید

کودک نیاز به آموزش ندارد

درک و خیال‌پردازی می‌خواهد

باید نام این وزارت آموزش و پرورش را به وزارت پرورش تغییر داد و واژه آموزش را از آن حذف کرد

صفحه ۴

پلیس آگاهی تهران ۲۵ جیب‌بر را در مترو و اتوبوس‌ها دستگیر کرد که برخی از متهمان: زنان، نوجوانان و سابقه‌داران بودند

اعترافات عجیب

جیب‌برهای پایتخت

داستان دزدی‌های قاتل بخشیده شده، عاشق شکست خورده، مادر یک کودک بیمار و نقره فروش مالباخته را در گزارش هفت صبح بخوانید

صفحه ۷

گفت‌وگو با ساعده سیمّا، سخنگوی باشگاه استقلال درباره چالش‌هایش در فضای مردانه فوتبال

چالش‌های رسانه‌ای و فوتبالی

خانم سخنگو

ساعده سیمّا، سخنگوی باشگاه استقلال در مواجهه با چالش‌های رسانه‌ای و انتقادات به حضور خود در فوتبال از پایداری و اراده برای موفقیت در این فضای مردانه سخن می‌گوید

صفحه ۱۱

بحران ناترازی انرژی در ایران با تمرکز بر آب، برق و گاز و نقش مسئولان و مردم در آن

مردم متهم می‌شوند

وسایست‌گذاران خاموش

- خورشید می‌تابد اما پنل نمی‌سازیم، باد می‌وزد اما توربین نداریم
- بخش عمده انرژی در صنعت، کشاورزی و حمل‌ونقل مصرف می‌شود

صفحه ۳

الماس خلیج فارس در چنگ معامله‌گر

دونالد ترامپ در سفری پرهیاهو به خلیج فارس با قراردادهای کلان و همراهی غول‌های فناوری، دیپلماسی منطقه را به میدان معاملات اقتصادی بدل کرد

صفحه ۱۰



پایان راه‌مردی

که دنیا را ساده‌تر می‌خواست

خوزه موخیکار، رئیس‌جمهور ساده‌زیست اروگوئه

در ۸۹ سالگی درگذشت صفحه ۱۲

درباره جلسه‌های مکرر و بی‌نتیجه که تبدیل به عاملی برای تاخیر در تصمیم‌گیری‌های مهم کشور شده است

باتلاق جلسات

جلسات بی‌نتیجه و طولانی در سیستم حکمرانی ایران باعث کاهش اعتماد عمومی و بی‌اعتباری دولت شده‌اند صفحه ۲

قطع برق، صنعت سیمان و بتن را زمینگیر کرد

خاموشی کارخانه‌ها

انتفجار قیمت‌ها و فرار مسئولان از پاسخگویی

صفحه ۳

گزارش تحلیلی

درباره جلسه‌های مکرر و بی‌نتیجه که تبدیل به عاملی برای تأخیر در تصمیم‌گیری‌های مهم کشور شده‌است

باتلاق جلسات

جلسات بی‌نتیجه، عامل‌کندی تصمیم‌گیری و کاهش اعتماد عمومی در ایران هستند

محمد حاجی مومنی
هفت صبح

در ایران، هر بحرانی که سر برمی‌آورد، پشت در اتاق‌های پر ازدحام جلسات متوقف می‌شود. نشست‌های پیاپی با عنوان‌های هر طعمطراق پر گزار می‌شوند، صور جلسه‌ها انباشته می‌شوند، اما آنچه تغییر نمی‌کند، کیفیت زندگی مردم است. جلسه‌ها به جای آنکه موتور محرک تصمیم‌سازی باشند، به ایستگاه تعویق و تعلل تبدیل شده‌اند؛ پدیده‌ای که بیش از هر چیز، فرسایش سرمایه اجتماعی و تحلیل اعتماد عمومی را به دنبال داشته‌است. این گزارش، سفری است به درون ساختار حکمرانی دولتی که در حلقه بی‌پایان نشست‌ها گرفتار مانده‌است.

جلسه به عنوان نشانه کار نه حل مسئله

در بسیاری از موارد، جلسه از جایگاه اصلی خود به عنوان ابزار حل تعارض و تسریع تصمیم‌گیری خارج شده و به خودی خود به هدف تبدیل شده‌است. فرهنگ حاکم بر بسیاری از نهادهای دولتی و سیاستی، بر این باور استوار شده که تشکیل جلسه، حتی بدون نتیجه، معادل با «فعال بودن» و «پیگیری امور» تلقی می‌شود. این نگاه، به تدریج فضای سیاست‌گذاری را از تمرکز بر نتیجه و کارآمدی به سمت تشریفات و ظاهر گرایی سوق داده‌است. گزارش‌های متعدد خبری از جلسات مقابله با آلودگی هوا، خشکسالی، بحران‌های انرژی یا ساماندهی بازارهای اقتصادی، حاکی از چرخه تکراری بحث و بررسی بدون تغییر معنادر است.

در جریان بحران‌های زیست‌محیطی مانند وضعیت دریاچه ارومیه، سال‌ها نشست‌های متعدد در سطح ملی و استانی بر گزار شده؛ همین دیروز هم معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفت: در حال حاضر دبیرخانه ستاد احیای دریاچه ارومیه به استان آذربایجان غربی محول شده‌است و پروژه‌های احیای دریاچه ارومیه را استاندارد دنبال می‌کند، در حالی که پیشرفت طرح‌های احیایی همچنان کند و بعضاً متوقف ماند. در حوزه‌های اقتصادی نیز، سیاست‌هایی چون مدیریت بازار ارز با قیمت‌گذاری کالاهای اساسی، قربانی تأخیرهای بی‌پایان در تصمیم‌گیری شدند.

پارادوکس تصمیم‌گیری گروهی؛ وقتی اجماع، عامل‌کندی می‌شود
در تبیین عللی این پدیده، نظریه «تفکر گروهی» (Groupthink) که توسط ایروینگ جانیس در دهه ۷۰ میلادی مطرح شد، راهگشاست. بر اساس این نظریه، گروه‌هایی که در تلاش برای حفظ انسجام و همگرایی درونی خود هستند، به تصمیم‌هایی سطحی و محافظه‌کارانه تن می‌دهند. این نوع تصمیم‌گیری، ریسک‌گریز است و به تأخیر در انتخاب‌های سخت یا چنجتالی منتهی می‌شود. در بسیاری از جلسات سیاستی ایران، همین پدیده مشهود است؛ جلساتی که به جای مواجهه صریح با اختلافات یا اتخاذ تصمیم‌های قاطع، در گزارش دهی کلی و تکرار دستور کارهای گذشته متوقف می‌شود. نتیجه آن است که تصمیم‌های نهایی با سیسار دیر اتخاذ می‌شوند یا چنان مبهم هستند که زمینه اجرایی پیدا نمی‌کنند و نتیجه آن گزارش‌هایی می‌شود که رهبر انقلاب آنها را مهمل می‌خواند.

به طور مثال اتفاق دلایل ناگوار بندر شهید رجایی همچنان نامشخص است و در پیچ و تاب جلسات متعدد گویا کم شده‌است.

همزمان، فرهنگ سلسله‌مراتبی و هرپیز از پذیرش مسئولیت، به گسترش «مسئله‌گرایی» در جلسات دامن زده‌است. مسئولان ترجیح می‌دهند تصمیم‌های حساس را به کمیته‌های بعدی، کارگروه‌های تازه یا بررسی‌های بیشتر موکول کنند. این مدل از اداره امور، در بحران‌هایی چون شیوع کرونا در ماه‌های نخست سال ۱۳۹۹ به‌وضوح دیده شد؛ جایی که تصمیم‌گیری‌های قاطع برای قرنطینه یا مدیریت سفرهای نوروزی بارها به تأخیر افتاد و زمینه شیوع گسترده‌تر بیماری را فراهم کرد.

نمونه نزدیک دیگر تغییر ساعت شروع مدارس است که پس از برگزاری جلسات متعدد و اخذ تصمیم، سخنگوی دولت درباره تغییر ساعت کاری مدارس، اظهار کرد: این تصمیم اخذ شده و در جامعه با برخی انتقادات مواجه شد چون خانواده‌ها معتقد بودند چرا در روزهای پایانی سال تحصیلی این کار باید صورت بگیرد، لذا به هر حال این تصمیم گرفته شده و با این روال پیش خواهد رفت.

هزینه‌های پنهان جلسه‌زدگی بر پیکره سرمایه اجتماعی

یکی از پیامدهای جدی این فرهنگ، فرسایش تدریجی اعتماد عمومی است. شهروندانی که بارها شاهد برگزاری جلسه‌های هرطعمطراق درباره مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا محیط‌زیستی شده‌اند، اما تغییری در کیفیت زندگی خود مشاهده نکرده‌اند، دچار نوعی بی‌اعتمادی ساختاری می‌شوند.

تحقیقات Governance Lab در دانشگاه نیویورک نشان می‌دهد که تأخیرهای مکرر در تصمیم‌سازی، بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری احساس ناآرامدی دولت‌ها دارد. این تأخیرها، نوعی بی‌حسی جمعی نسبت به تغییرات واقعی ایجاد می‌کند و مشارکت اجتماعی را به تدریج تضعیف می‌کند.

در فضای سیاسی ایران، تکرار خبرهایی چون «تشکیل کارگروه ویژه»، «بررسی کارشناسی در کمیسیون‌های تخصصی» یا «تصویب در جلسات متعدد» بدون ارائه گزارش اجرایی روشن، به گسترش شکاف میان دولت و ملت دامن زده‌است. این شکاف، چنانچه ترمیم نشود، خطر نهادینه شدن بدبینی سیاسی را در پی خواهد داشت؛ پدیده‌ای که مشارکت در انتخابات یا حمایت عمومی از سیاست‌های اصلاحی را دشوارتر می‌کند.

از سوی دیگر، هزینه‌های اقتصادی جلسه‌زدگی نیز قابل اغماض نیست. تعویق در تصمیمات مهم اقتصادی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، رشد تولید و افزایش اشتغال را از بین می‌برد. در فضای کسب‌وکار، هر تأخیر در تصمیمات کلیدی معادل با افزایش ریسک، کاهش انگیزه و فرار سرمایه‌های خرد و کلان است.

تجربه جهان؛ از جلسات فشرده به مدیریت چابک

بررسی تجربه کشورهای چون نیوزیلند، فنلاند و آلمان نشان می‌دهد که کارآمدترین دولت‌ها، جلسات کوتاه، هدفمند و شفاف برگزار می‌کنند. در این کشورها، هر جلسه الزاماً با دستورکار روشن، تقسیم مسئولیت مشخص و مهلت زمانی برای اجرای تصمیمات همراه است.

دولت نیوزیلند در مدیریت بحران کرونا، با برگزاری جلسات کابینه کوتاه اما موثر، توانست در کوتاه‌ترین زمان، تصمیم‌های قرنطینه‌ای سختگیرانه و بسته‌های حمایتی را تصویب و اجرایی کند. این مدل نشان می‌دهد که چابکی در تصمیم‌سازی، عامل مهمی در افزایش مشروعیت حکومت و اعتماد عمومی است. الگوی موفق کشورهای پیشرو، بر اهمیت جایگزینی فرهنگ «جلسه برای جلسه» با فرهنگ «تصمیم برای اقدام» تأکید دارد. در این مدل، هر جلسه به منزله آغاز یک اقدام مشخص تعریف می‌شود، نه ابزاری برای تعویق بحران‌ها یا حفظ ظاهر فعالیت.

عبور از جلسه‌زدگی با تصمیم‌سازی شجاعانه

سیاست ایران برای عبور از این چرخه فرساینده نیازمند یک بازنگری جدی در سازوکار جلسات مدیریتی است. جلسه باید به ابزار تصمیم‌سازی تبدیل شود، نه به هدف خودرپسند حکمرانی. ضروری است که جلسات با دستورکار محدود، زمان‌بندی مشخص، تعیین خروجی روشن و الزام به گزارش‌دهی به افکار عمومی برگزار شوند. سیاستمداران و مدیران باید جسارت تصمیم‌گیری قاطع، مسئولیت‌پذیری در برابر نتایج و شفافیت در عملکرد را سرلوحه کار خود قرار دهند. بازسازی سرمایه اجتماعی، افزایش اعتماد عمومی و بهبود کیفیت حکمرانی در گرو عبور از فرهنگ جلسه‌زدگی و حرکت به سوی سیاست‌ورزی نتیجه‌محور است. آینده سیاسی کشور، نیازمند سیاستمدارانی است که بیشتر عمل کنند تا وعده دهند؛ بیشتر تصمیم بگیرند تا جلسه برگزار کنند.

سیاست

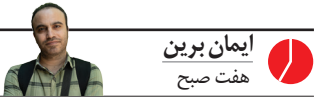
روزنامه صبح ایران | سال یازدهم | شماره ۲۰۵۱ | پنجشنبه | ۲۵ اردیبهشت | ۱۴۰۴

نسل Z با استفاده از پلتفرم‌های بازی به اعتراضات سیاسی شکل تازه‌ای داده‌است

انقلاب از پشت مانیتور

- بژوهشی درباره شکل‌گیری اعتراض‌های سیاسی در متاورس، نقش نسل Z**

و چالش‌های دموکراسی در دنیای مجازی آینده



ایمان برین
هفت صبح

جهانی تازه در حال شکل‌گیری است؛ جایی میان واقعیت و خیال که در آن شهروندان بدون ترک خانه، بدون فرسداد و حتی بدون بدن، گرد هم می‌آیند. در دنیای متاورس، اعتراض‌ها شکل دیگری یافته‌اند: راهپیمایی با آواتار، پارک‌دادهایی از جنس پیکسل و میدان‌هایی که نه در قلب شهر که در قلب سرورها پنا شده‌اند. آیا سیاست در این فضای نو، چهره تازه‌ای پیدا می‌کند؟ و مهم‌تر از آن، آیا آینده اعتراض، دیجیتال خواهد بود؟

متاورس؛ یک سیاره دوم

تصور کنید جهانی موازی و دیجیتال که در آن میلیون‌ها انسان با آواتارهای خود زندگی می‌کنند، کار می‌کنند و تعامل دارند؛ جهانی که برای بسیاری حکم یک «سیاره دوم» را پیدا کرده‌است. در روزگار پر تنش و چندپاره امروز، نیاز به واقعیتی جایگزین که بتوان در آن معادلات را از نو تعریف کرد، بیش از پیش احساس می‌شود. همین نیاز است که به متاورس جذابیت بخشیده؛ جایی که ساختار قدرت می‌تواند بازتعریف شود و فردی که در دنیای واقعی در حاشیه است، در جهان مجازی مرکزیت پیدا کند. شرکت‌های بزرگ فناوری همچون متا (فیس‌بوک سابق)، مایکروسافت و اپیک گیمز میلیاردها دلار رویی ساخت چنین فضاهایی را دنبال می‌کنند و پلتفرم‌هایی نظیر فورتنایت، رولاکس و ماینکرفت امروز خانه مجازی میلیون‌ها انسان از نسل جدید هستند. متاورس دیگر یک واژه علمی-تخیلی نیست؛ زیست‌بومی موازی است که کنش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در آن به شکلی تازه معنا پیدا می‌کند.

شورش‌های بی‌خشونت، بی‌رهبر، بی‌پایان

اعتراض‌های متاورسی ساختاری متفاوت با پلتفرم‌هایی نظیر فورتنایت، رولاکس و ماینکرفت امروز خانه مجازی میلیون‌ها انسان از نسل جدید هستند. متاورس دیگر یک واژه علمی-تخیلی نیست؛ زیست‌بومی موازی است که کنش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در آن به شکلی تازه معنا پیدا می‌کند. گروهی از نوجوانان پس از پیروزی دونالد ترامپ، در بازی کودکان Club Penguin تجمع اعتراضی به راه‌انداختن چندسال‌بعد، در بچیوجه اعتراضات جهانی علیه



سایت نگار سیاسی

سفرهای استانی، به سبک پزشکیان



به نقل از ایرنا، حبیب عباسی، مدیرکل روابط عمومی دفتر رئیس‌جمهور، در آستانه سفر دکتر پزشکیان به کرمانشاه، از چهره متفاوت سفرهای استانی دولت چهاردهم پرده برداشت: «آن چه برای رئیس‌جمهور اهمیت دارد، کرامت مردم است، نه آداب و آیین تشریفات». از حصف صف مسئولان با کت‌وشلوار اتو کشیده تا پرهیز از فرش قرمز و برتهای رنگارنگ، سفرهای پزشکیان بیشتر شبیه قرار کاری‌اند تا نمایش. عباسی گفت: «رویکرد وی به وضوح «دیدن و شنیدن» قبل از «گفتن» است.»

رئیس‌جمهور، به‌جای سخنرانی پشت تریبون، ترجیح می‌دهد بی‌واسطه وارد میدان شود، پروژه‌ها را از نزدیک ببیند و مستقیماً با مردم گفت‌وگو کند. هر وزیر، فقط اگر مأموریتی مرتبط داشته باشد، همراه می‌شود. در پایان سفر هم به جای یک گزارش برزق‌وبرق، جمع‌بندی میدانی و شفاف منتشر می‌شود.

به گفته عباسی، رسانه‌ها در این روند نه ابزار، که شریک دولت‌اند؛ قرار است بشنوند، نقد کنند و بازتاب دهند. دولت وفاق آمده تا نه فقط شنیده شود، که بشنود.

نژادپرستی، کاربران در بازی‌های مختلف از Animal Crossing تا فورتنایت، جمععاتی نمادین بر گزار کردند؛ از زانو زدن آواتارها گرفته تا برگزاری راهپیمایی و استفاده از بیلوردهای مجازی برای پیام‌رسانی. در اکتبر ۲۰۲۳، یک کاربر مالزیایی در Roblox نظهراتی در حمایت از فلسطین بر گزار کرد که هزاران آواتار از سراسر جهان در آن شرکت کردند. اینها شورش‌هایی هستند که مرز نمی‌شناسند، زبان مشترک‌شان همبستگی است و خشونت در آنها جایی ندارد؛ اما صدا دارند، تصویر دارند و تأثیر دارند.

در متاورس، انسان‌ها از بدن فیزیکی خود عبور کرده‌اند و با هویتی مجازی، در قالب آواتار ظاهر می‌شوند. همین ویژگی به آنان این امکان را می‌دهد تا فارغ از محدودیت‌های مکان، جنسیت، نژاد و حتی امنیت جانی، در فضاهایی مشارکت کنند که در دنیای واقعی ممکن یا امن نیست.

ظهور نسل Z به عنوان شهروند دیجیتال

در پس بسیاری از این کنش‌های جدید در متاورس، نسل Z قرار دارد؛ برای این نسل، مرز میان زندگی آنلاین و آفلاین کمرنگ است و طبیعتاً سیاست‌ورزی نیز از خیابان‌و صندوق‌رای به فضای مجازی کشیده شده‌است. دکتر «کیتی ساین تکین‌یاش»، استاد دانشگاه کالیفرنیا، براین، توضیح می‌دهد که کاربران جوان هرآنچه در دنیای واقعی می‌بینند و برایشان معنادار

است، به دنیای مجازی می‌آورند؛ بازی برای آنها راهی است برای آزمون کارهای جدی یا پیامدهای محدود. هرچه نسل جدید در دنیای واقعی سیاسی‌تر می‌شود(نمونه‌اش موج فعالان نوجوان محیط‌زیستی در سال‌های اخیر) انگکساش را در شیوه بازی کردن‌شان هم می‌بینیم. به بیان دیگر، متاورس به میدان تمرین شهروندی نسل Z تبدیل شده‌است.

این نسل به‌خوبی از پتانسیل فضای مجازی برای دور زدن محدودیت‌ها آگاه است. در جریان اعتراضات دموکراسی‌خواهی هنگ‌کنگ در سال ۲۰۲۰، زمانی که خیابان‌های واقعی تحت تدابیر شدید امنیتی بود، فعالان جوان هنگ‌کنگی به بازی Animal Crossing روی آوردند و با طراحی پوسترهای دیجیتال حاوی تصویر رئیس‌جمهور چین و شعارهای اعتراضی، صدای خود را به گوش جهان رساندند. واکنش حکومت چین ممنوعیت فروش آن بازی در چین و هنگ‌کنگ بود؛ اما پیام روشن بود: نسل جدید برای بیان خواسته‌های سیاسی خود از هر روزنه فناوری بهره می‌گیرد. مثال دیگر، جنبش‌های اعتراضی در رولاکس، هابسو و تون‌تان طی قرنطینه‌های کروناست که جوانان را با وجود ماندن در خانه، در صنفو اعتراضات مجازی متحد کرد. یک گزارش نشان می‌دهد ماه گذشته توجه زیادی به تظاهرات مجازی در رولاکس جلب شد، پلتفرمی که ۶۰ درصد کاربرانش زیر ۱۶ سال هستند. دختر ۱۴ ساله‌ای به نام امبر از ایالات متحده می‌گوید به‌خاطر آنکه به عنوان یک نوجوان نمی‌توانست کاری برای توقف جنگ غزه بکند، تصمیم گرفت در رولاکس تظاهرات کند؛ می‌گوید: «دیدن فجایع فلسطین قلم‌راشکست می‌شود» و به دنبال راهی گشتم تا کاری انجام هم… این راهی بود که عقایدم را بیان کنم». همچنین پسری ۱۶ ساله به نام چارلی که خانواده‌اش با حضور او در راهپیمایی حقیقی مخالفت داشتند، در رولاکس به اعتراض پیوست. او حس خود را اینگونه بیان کرده‌است: «نمی‌دانستم تأثیری خواهم داشت یا نه، اما احساس خوبی بود که دیدم خیلی‌های دیگر هم می‌خواهند اعتراض کنند». رولاکس را انتخاب کردم چون سایت بزرگی پر از بازی‌های مختلف است و می‌توانی هر کاری را که در دنیای واقعی می‌خواهی، آنجا شبیه‌سازی کنی.»

نسل Z حتی ابتکار عمل اعتراض در متاورس را نیز در دست گرفته‌است. دختر نوجوانی به نام یارا که در ۲۰۱۶ از نتایج انتخابات امریکا ناامید شده بود، در Club Penguin دست به کاری خلاقانه زد. او وارد یک اتاق مجازی در بازی شد و بی‌درنگ شعار «هرگ بر ترامپ!» رادر چت نوشت. طولی نکشید که سایر کاربران نیز هم‌اوا شدند و یک اعتراض جمعی شکل گرفت.

چالش‌های دموکراسی در دنیای متاورس

اگر خیابان و میدان شهر در دنیای واقعی نماد عرصه عمومی و مشارکت دموکراتیک‌اند، متاورس بیشتر به فضای خصوصی شرکت‌های فناوری شباهت دارد. پلتفرم‌هایی چون Horizon Worlds، Roblox یا تحت مالکیت شرکت‌هایی هستند که قواعد آنها را تعیین می‌کنند و در صورت لزوم می‌توانند هر اعتراضی را محدود یا حذف کنند. اگر مالک زمین دیجیتال نخواهد، جمعی بر گزار نمی‌شود؛ حتی اگر آن زمین، تنها میدان عمومی هزاران کاربر باشد. تلاش‌هایی برای دموکراتیزه کردن متاورس نیز آغاز شده. پروژه‌هایی چون دیسنترالند با استفاده از سیستم‌های خودگردان غیرمتمرکز (DAO) سعی دارند مدیریت پلتفرم را به کاربران واگذار

کنند؛ اما چالش اصلی اینجا است که رأی هر کاربر به اندازه دارایی او ارزش دارد. این ساختارها بیشتر به الگوی «پول‌سالاری دیجیتال» شباهت دارند تا دموکراسی کلاسیک. در کنار آن، اقدامات تازه‌ای مثل «مجمع جهانی کاربران متا» نیز دیده‌می‌شود که در آن شرکت متا از هزاران کاربر درباره آینده متاورس نظر خواسته‌است. این تلاش‌ها آغاز رانند اما مسیر درازی تا تحقق دموکراسی دیجیتال واقعی باقی مانده‌است.

پلتفرم‌ها؛ داور یا باز یگر؟

پلتفرم‌های متاورسی، بر خلاف ادعای بی‌طرفی، گاه خود به بازیگر سیاسی تبدیل می‌شوند. در سال ۲۰۲۰، فورتنایت برنامه‌ای با محوریت تبعیض نژادی پخش کرد که باهدف آگاهی‌رسانی ترتیب داده شده بود. اما رفتار کاربران از پرتاب گوجه‌فرنگی مجازی گرفته تا تشییرین کاری در میانه برنامه نشان داد که این فضاها الزماً برای سیاست جدی طراحی نشده‌اند. در سوی دیگر ماجرا، گاه اعتراض‌ها مستقیماً متوجه خود پلتفرم‌هاست. در Horizon Worlds، تعدادی از کاربران به سیاست‌های متا در اولویت‌دهی به برنامه‌های رسمی اعتراض کردند و تظاهراتی با نام «ProtestLand» را راه‌اناختند. اینجا پلتفرم‌ها میزبان اندیشه‌ها هم‌سو؛ اعتراض پرسش‌کنندگی این است که آیا چنین شرکت‌هایی صدای کاربران را می‌شنوند؟ تجربه‌ها نشان داده‌اند گاهی مجبور به واکنش و بازنگری می‌شوند اما همچنان داور نهایی باقی می‌ماند. این تقابل میان مالکیت خصوصی و متاورس عمومی، یکی از چالش‌های مهم پیش روی متاورس است.

اعتراض، سرمایه‌گذاری یا نمایش؟

شکی نیست که بسیاری از اعتراض‌های متاورسی جنبه نمادین دارند. حضور آواتارها در فضایی کار توتی شاید در نگاه نخست بیشتر به نمایش شباهت داشته باشد تا یک جنبش واقعی. اما اگر اعتراض مجازی با سازماندهی درست همراه باشد، می‌تواند مؤثر باشد. تجربه اعتصاب مجازی کارگران IBM در سال ۲۰۰۷ نشان داد که فشار رسانه‌ای حاصل از تجمع آواتارها در Second Life در کنار اعتراض واقعی، باعث تسریع پیروزی کارگران شد. این نمونه‌ها ثابت می‌کنند که متاورس فقط فضای نمایش نیست و می‌تواند ابزار چانه‌زنی باشد. البته همچنان مرز میان نمایش، اعتراض، تبلیغات و حتی سرگرمی در این فضا باریک است. برخی برنده‌ها با برگزاری اعتراض‌های هنری نمادین، سعی دارند خود را مترقی و آگاه‌نشان دهند؛ بی‌آنکه در عمل تغییری ایجاد کنند. این خطر هست که متاورس به صحنه «کشنگری تزیینی» بدل شود، مگر آنکه کاربران با هوشمندی و خلاقیت آن را به ابزاری واقعی برای فشار اجتماعی و سیاسی بدل کنند.

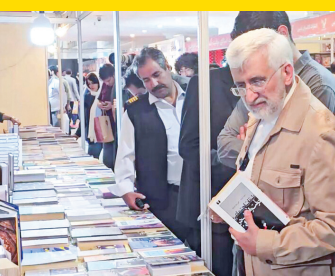
آینده؛ اعتراض یا هدست یا خیابان؟

آیا روزی فرا خواهد رسید که اعتراضات مردمی به جای خیابان، در متاورس و از پشت هدست‌های واقعیت مجازی شکل بگیرد؟ شاید اما شواهد نشان می‌دهد که این دو، مکمل یکدیگر خواهند بود. بسیاری از معترضان دیجیتال، همزمان در تظاهرات واقعی نیز حضور پیدا کرده‌اند. متاورس فرصت آموزش، تمرین، بسج و همبستگی جهانی را فراهم می‌کند اما خیابان همچنان نماد فشار مستقیم است. شاید در آینده نه‌چندان دور، اعتراضاتی را ببینیم که با ترکیب واقعیت مجازی و افزوده، مرز میان جهان دیجیتال و فیزیکی را از بین ببرند ممکن است خیابان‌ها همچنان باقی بمانند، صندوق‌ها همچنان باز بمانند، اما میدان تازه‌ای شکل گرفته که نمی‌شود نادیده‌اش گرفت.

می‌گیرد و ایران را تهدید می‌نامد؛ در حالی که غزه در محاصره است و اشغالگری در سوره به از کل مساحت غزه بیشتر شده.»

وزیر خار جه همچنین از اریزنی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، از جمله با عربستان، قطر، روسیه و چین، برای ایجاد تفاهم منطقه‌ای در حمایت از یک توافق احتمالی خبر داد.

نمایشگاه کتاب یا لوکیشن مستند سیاسی؟



سعید جلیلی به نمایشگاه کتاب آمده بود، اما نه آن‌طور که خیلی‌ها می‌آیند؛ با لیست خرید یا شور کتاب‌خوانی. حضورش بیشتر شبیه جحنه‌ای از یک مستند پر از نور و دوربین بود تا یک گشت‌وگذار ساده فرهنگی.

میکروفن یقه‌ای بسته بود، پشت سرش تیمی با دوربین‌های حرفه‌ای حرکت می‌کردند؛ صحنه‌هایی دقیق، برداشت‌هایی حساب‌شده، انگار که نمایشگاه، لوکیشن تازه‌ای شده باشد برای ساخت فصل بعدی از زندگی سیاسی‌اش. میان غرفه‌ها راه می‌رفت، گفت‌وگو می‌کرد، نگاهش را گاهی به دوربین می‌دوخت. نمایشگاه کتاب برای او شاید همان‌قدر اهمیت داشت که نحوه دیده‌شدن در آن. برای بعضی‌ها کتاب، فصل تازه‌ای باز می‌کند؛ برای بعضی دیگر، روایت تازه‌ای می‌سازد.

زاکنای همچنین از برنامه‌ای گسترده برای نوسازی و گسترش ناوگان حمل‌ونقل عمومی خبر داد: «قرار است حدود ۵۰۰۰ اتوبوس در سطح شهر فعال شود و به همین تعداد راننده نیاز داریم.» حالا باید دید تهران، در مسیر عدالت جنسیتی و توسعه ناوگان، چقدر سریع‌تر حرکت خواهد کرد.

عراقچی: منتظر اعلام زمان دور بعدی مذاکرات از سوی عمان هستیم



به نقل از ایسنا، عباس عراقچی، وزیر امور خار جه، در حاشیه جلسه هیأت دولت از ادامه مسیر مذاکرات خبر داد و گفت: «منتظر هستیم کشور عمان زمان و محل دور بعدی مذاکرات را اعلام کند. بنای ما تاکنون ادامه مذاکرات است.»

او مذاکرات گذشته را «بسیار سخت» توصیف کرد و بار دیگر بر اصل بنیادین غنی‌سازی در مواضع ایران تأکید کرد. عراقچی همچنین در واکنش به سخنان اخیر ترامپ در عربستان گفت: «دیدگاه فریبکارانه‌ای از سوی ترامپ مطرح شد.

عراقچی در بیان همسان‌مسیری را برای پیشرفت انتخاب کرده‌اند که او ادعای حمایت از آن را دارد، اما آمریکا با تحریم و تهدید مانع همین مسیر شده‌است.»

وی افزود: «ترامپ همه جنایات اسرائیل را نادیده

حوزه‌ای باشد که سال‌ها در انحصار مردان بوده است.

یادداشت
بحران ناترازی انرژی در ایران با تمرکز بر آب، برق و گاز و نقش مسئولان و مردم در آن مردم متهم می‌شوند و سیاست‌گذاران خاموش - خورشیدی می‌تابد اما پنل نمی‌سازیم، بادمی وزداما توربین نداریم - بخش عمده انرژی کشور در صنعت، کشاورزی و حمل‌ونقل مصرف می‌شود - دولت‌ها یکی پس از دیگری از سرمایه‌گذاری در انرژی شانه خالی کردند و حالا مردم را به پر مصرفی متهم می‌کنند - آمارها می‌گویند مصرف خانگی ایران زیر متوسط جهانی است
حمید رحبی روزنامه‌نگار



ناترازی انرژی در ایران موضوع تازه ای نیست و دولت‌های مختلف با این موضوع چالش‌های مختلفی داشته‌اند، اما به نظر می‌رسد این ناترازی، حداقل در چند سال اخیر تبدیل به یک بحران عمومی پیچیده شده است. به این ترتیب ما در ایران درگیر مشکل تولید برق و گاز هستیم و در مورد آب نیز خشکسالی‌های پی‌درپی امان مردم و حاکمیت را بریده است.

به دلیل همین ناترازی‌ها که البته دلایل و ریشه‌های متعددی دارد، مسئولان به شیوه‌های مختلف از مردم می‌خواهند که در مصرف انرژی صرفه جویی کنند. اما گاه مسئله از این‌هم فراتر می‌رود و برخی از همین مسئولان مردم ایران را متهم می‌کنند که در دسته پرمصرف و یا بدمصرف‌ترین مردم جهان هستند!

به‌عنوان مثال ابوالفضل ابوترابی نماینده نجف‌آباد در مجلس اخیرا گفته مردم در ایران سه برابر سرانه مردم در دیگر نقاط دنیا برق مصرف می‌کنند! و یا یکی دیگر از همین مسئولان چند روز پیش گفته مصرف گاز ایرانی‌ها برابر با کشورهای سردسیر است! اما آیا این دست صحبت‌ها پشتوانه علمی و منطقی دارند و یا صرفا برای پاک کردن صورت مسئله و شانه خالی کردن از مسئولیت بیان می‌شوند؟

با توجه به شرایط موجود، در خصوص وضعیت بحران انرژی در ایران می‌توان گفت که بحران آب تحت‌تاثیر عوامل بلندمدتی مانند تغییرات اقلیمی (افزایش گرما و خشکسالی) و رشد سریع جمعیت تشدید شده است. اما حقیقت این است که ما دچار ورشکستگی آبی هستیم و این موضوعی است که مسئولان نمی‌خواهند آن را ببینند. به دلیل همین ورشکستگی است که دولت‌ها در طول سال‌های اخیر به سمت برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی رفته و زمینه فرونشست زمین و دیگر بحران‌های زیست محیطی را فراهم آورده‌اند. در مورد برق و گاز نیز باید گفت اصولا در طول سال‌ها دهه‌های اخیر، سرمایه‌گذاری برای ایجاد زیر ساخت انجام نشده که حالا بخواهیم بابت این سرمایه‌گذاری‌ها شرایط ناترازی انرژی را بهبود بخشیم.

مردم ایران بد مصرف نیستند

اما اگر بخواهیم به صورت منطقی به این بحران عظیم در ایران نگاه کنیم باید گفت که بله مصرف انرژی در ایران بالاست اما مردم ایران به صورت کلی بد مصرف نیستند و این دو موضوع تفاوت‌های زیادی با هم دارند. به‌عنوان مثال طبق آمارهای اداره اطلاعات انرژی آمریکا که در سال ۲۰۲۳ به‌عنوان پرمصرف‌ترین کشورها در بحث انرژی برق منتشر شده بود، ایران در رتبه ۷۳ جهان قرار داشت.

رتبه‌بندی‌های مصرف انرژی در ایران نیز حاکی از آن است که بیشترین مصرف انرژی در بخش صنعت (برق، گاز و آب)، بخش کشاورزی (آب)، حمل و نقل (بنزین و گازوئیل) و در نهایت بخش خانگی (برق، گاز و آب) قرار دارد.

در این بین طبق گفته‌های آژانس بین‌المللی انرژی و برخی کارشناسان داخلی، سهم «بخش خانگی» (شامل روشنایی، سرمایش، گرمایش و غیره) از کل تقاضای انرژی، ۲۹ درصد است. باید توجه داشت که در بخش برق، یکی از مشکلات و چالش‌های بزرگ در ایران، میزان بالای تلفات برق به دلیل سیستم فرسوده پوشش شبکه‌برق است.

برخلاف گاز که به دلیل استفاده بیشتر از آن در کشورمان بالاتر از متوسط جهانی است، برق در کشور ما طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، تقریبا نصف متوسط مردم دنیااست. این یعنی برخلاف آن‌چه در کشور مطرح است ایران از اکثر کشورهای توسعه یافته دنیا سرانه برق کمتری مصرف می‌کند. دلیل این موضوع هم این است که در بیشتر کشورهای برق به عنوان انرژی اصلی در خانه‌ها استفاده و برای گرمایش و پخت و پز از برق استفاده می‌شود. همین موضوع متوسط جهانی مصرف برق را بالا برده است.

البته در این میان شرایط اقلیمی ایران را هم باید در نظر گرفت چرا که ما در کشوری گرم و خشک زندگی می‌کنیم اما کشورهای اروپایی و برخی از کشورهای آسیایی که در این زمینه با ایران مقایسه می‌شوند در شرایط جغرافیایی با دمای هوای متناسب‌تر زندگی می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که تغییرات اقلیمی و قرار گرفتن ایران در منطقه آب و هوایی گرم نیز در مصرف انرژی بی‌تاثیر نبوده است.

سرمایه‌گذاری بهتر از غافلگیری

به هر بخشی که از مصرف انرژی در ایران وجود دارد دقت بیشتری شود به این نتیجه خواهیم رسید که هر چند میزان مصرف بالاست اما مردم مقصر اصلی این ماجرا نیستند و بهتر است دولتی‌ها قبل از متهم کردن مردم، به فکر ایجاد، توسعه و یا بهینه‌سازی زیر ساخت‌ها در کشور باشند.

به این ترتیب بهتر است از قبل به فکر شرایط ایجاد و یا توسعه زیر ساخت انرژی باشیم تا اینکه در زمان ایجاد بحران، به دنبال راه‌حل‌های دیگری برای بارش باران برویم! در این خصوص باید از سیاستگذار پرسید شما در طول دهه‌ها که فرصت داشتید چقدر برای جمع‌آوری و یا هدایت آب‌های سطحی به سمت سدها مطالعه و کار عملی و اجرایی داشتید؟ و یا در مورد بحران و ناترازی برق باید این سوال را پرسید که مسئولان تا چه اندازه به فکر سرمایه‌گذاری برای تامین برق از مسیرهایی مانند خورشید و یا باد بوده‌اند؟

ترکیه هم بیش از ۸۵درصد از انرژی مورد نیاز خود را از سوخت‌های فسیلی تامین می‌کند اما در سال‌های اخیر به دنبال افزایش سهم انرژی تجدیدپذیر همانند خورشیدی، بادی و سوخت‌های زیستی بوده تا جایی که در سال ۲۰۲۰ پیشرفت چشمگیر ۳۲ درصدی در این زمینه داشته که بسیار قابل توجه‌اند؟

چالش	توضیح
مقایسه با قطعی برق در سال‌های گذشته	بحران برق در تابستان‌های قبل نیز رخ داده، اما امسال پیش از شروع گرما، واحدهای سیمان تعطیل شده‌اند؛ این موضوع ضعف در پیش‌بینی و برنامه‌ریزی وزارت نیرو را نشان می‌دهد.
اولویت صادراتی کارخانه‌های سیمان	به دلیل جذابیت بازار صادراتی (دلار آزاد)، برخی کارخانه‌ها ترجیح می‌دهند سهم بیشتری از محصول خود را صادر کنند. این رفتار سودآور برای تولید کننده، عرضه داخلی را دچار کمبود کرده است.
ناکارآمدی قیمت‌گذاری دستوری	تجربه ثابت کرده که قیمت‌گذاری دستوری، به‌ویژه در شرایط کمبود، به دلالتی از احتکار و بازار سیاه دامن می‌زند؛ در عمل، قیمت واقعی از کنترل دولت خارج می‌شود.
مشکلات عرضه سیمان در بورس کالا	نبود مکانیزم مشخص برای تشخیص مصرف‌کننده واقعی، اعطای کدهای صوری، عدم رعایت مهلت خروج کالا و ضعف نظارت باعث شده بورس به جای شفاف‌سازی، بستری برای دلالتی شود.
سکوت انجمن‌های صنفی	انجمن بتن به دنبال فضا سازی رسانه‌ای برای دریافت رانت است و در مقابل، انجمن سیمان نیز با قرار گرفتن در پاشنگویی (مانند خاموش کردن تلفن توسط دبیر انجمن) بر ابهامات می‌افزاید.
پیامدهای اجتماعی و عمرانی بحران	تعطیلی پروژه‌های عمرانی، افزایش بیکاری در حوزه ساخت‌وساز و اختلال در پروژه‌هایی مانند نهفت ملی مسکن، از تبعات فوری این بحران هستند که در لایه اجتماعی آشکار می‌شوند.
ناپایداری قیمت فعلی سیمان	قیمت کیلویی ۳ هزار تومان (معادل ۳ میلیون تومان در هر تن) جذابیتی برای سرمایه‌گذاری و نگهداری کارخانه ندارد، بلکه باعث عقب‌افتادگی تکنولوژیک، فرسودگی خطوط تولید و کاهش کیفیت محصول می‌شود. ادامه این سرکوب، بازار را در میان‌مدت با کمبود شدیدتر مواجه خواهد کرد.

جزئیات ماجرا، تلفن همراه خود را خاموش کرد و از پاسخگویی خودداری کرد.

ضرورت بازنگری در سیاست‌ها
بحران کنونی در صنعت سیمان و بتن کشور نتیجه ترکیبی از عوامل مختلف از جمله قطع برق، کاهش تولید، افزایش قیمت‌ها، سیاست‌های نادرست عرضه در بورس کالا، جذابیت بازار صادرات و عدم شفافیت در انجمن‌های صنفی است. برای حل این بحران، نیاز به بازنگری در سیاست‌های مربوط به تولید، توزیع و قیمت‌گذاری سیمان و بتن، افزایش نظارت بر بورس کالا و شفاف‌سازی عملکرد انجمن‌های صنفی وجود دارد.



در شبلی، دولت با تمرکز بر صادرات‌محوری و تقویت بخش کشاورزی نرخ بیکاری را کاهش داد. شبلی با صادرات محصولات معدنی و کشاورزی، به ویژه در زمینه میوه‌ها و نوشیدنی‌ها، موفقیت اقتصادی خود را بهبود بخشید. همچنین، اصلاحات نهادی و کاهش بوروکراسی، شرایط سرمایه‌گذاری در این کشور را بهبود داد. به این ترتیب، شبلی از ظرفیت‌های داخلی خود برای ایجاد شغل استفاده کرد. در این کشور، حمایت از تولیدکنندگان و تقویت زنجیره‌های تامین و تولید باعث شد که نیازهای داخلی تامین شود و حتی این کشور به یکی از صادرکنندگان عمده مواد خام و کشاورزی تبدیل شود.

برای ایران که به دلیل شرایط تحریمی محدودیت‌هایی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی دارد، باید بر تقویت بخش‌های کشاورزی و صنایع معدنی تأکید شود. ایجاد زنجیره‌های ارزش در این بخش‌ها علاوه بر تامین نیازهای داخلی، فرصت‌های اشتغال‌زایی در مناطق روستایی را فراهم میکند. همچنین، با بهبود زیرساخت‌ها و ارتقای فناوری‌های موجود، صادرات این محصولات گسترش مییابد.

لهستان پس از پیوستن به اتحادیه اروپا، از طریق جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و اصلاح محیط کسب‌وکار، بر بحران ناترازی بازار کار غلبه کرد. این کشور با ایجاد پارک‌های صنعتی و فناوری و تقویت صنایع کوچک و متوسط توانست اشتغال‌زایی چشمگیری را تجربه کند. در سال‌های اخیر، لهستان با جذب سرمایه‌های خارجی از طریق سیاست‌های تشویقی، به یکی از قطب‌های اقتصادی منطقه تبدیل شده‌است.

بر ایران با توجه به شرایط تحریمی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی دشوار است. با این حال، سیاست‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به رونق صنایع کوچک و متوسط کمک میکند. همچنین ایران باید بر ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و توسعه فناوری‌ها در صنایع مختلف تمرکز کند.

کشورهایی که توانسته‌اند بر بحران ناترازی بازار کار غلبه کنند، به‌طور کلی از ترکیب سیاست‌های کلان اقتصادی، توجه به آموزش مهارتی، تقویت صنایع کوچک و متوسط و توسعه زیرساخت‌های دیجیتال استفاده کرده‌اند.

قطع برق، صنعت سیمان و بتن را زمینگیر کرد

خاموشی کارخانه‌ها، انفجار قیمت‌ها و فرار مسئولان از پاسخگویی

صنعت سیمان زیر آوار بی‌برقی و بی‌برنامگی



حمید بهشتی

هفت صبح

در شکل‌گیری بحران اخیر در صنعت سیمان و بتن کشور، عوامل متعددی از جمله قطع برق، کاهش تولید، افزایش قیمت‌ها و سیاست‌های عرضه دستوری در بورس کالا نقش داشته‌اند. در این گزارش، به بررسی این عوامل و تاثیرات آنها بر بازار ساخت و ساز می‌پردازیم.

قطع برق و کاهش تولید کارخانه‌های سیمان

عامل اصلی بحران، قطع گسترده برق و سهمیه‌بندی آن برای صنایع است. محمدحسین رئیس، دبیر انجمن تولیدکنندگان بتن آماده، در نشست خبری روز گذشته خود اظهار کرد: سهمیه برق صنایع کاهش یافته و این مسئله تولید سیمان را با اختلال جدی مواجه کرده است.

وی با اشاره به کاهشش تولید در برخی کارخانه‌های بزرگ سیمان گفت: تولید سیمان شاهرود در فروردین ماه ۲۰ هزار تن بود که اکنون به ۸ هزار تن کاهش یافته است. سیمان ساوه از ۲۵ هزار تن به ۹ هزار تن رسیده، فیروزکوه از ۱۵ هزار تن به ۷۵۰۰ تن و سیمان شمال از ۱۵ هزار تن به ۷ هزار تن کاهش یافته‌اند.

افزایش قیمت سیمان در بورس کالا و بازار آزاد

کاهش تولید منجر به افزایش قابل توجه قیمت سیمان در بورس کالا و بازار آزاد شده است. رئیس با ارائه آمار دقیق قیمت‌ها گفت: قیمت هر تن سیمان فله‌ای هگمتان در ۱۸ فروردین یک میلیون و ۵۱۷ هزار تومان بود، اما در ۲۲ اردیبهشت به ۲ میلیون و ۹۱۸ هزار تومان رسید؛ یعنی تنها در یک ماه، قیمت آن تقریبا دو برابر شده است. قیمت سیمان شمال نیز از یک میلیون و ۶۷۹ هزار تومان در فروردین به ۳ میلیون و ۱۸۳ هزار تومان در اردیبهشت افزایش یافته است.

وی ادامه داد: در بازار آزاد، هر تن سیمان تا ۵ میلیون تومان نیز به فروش می‌رسد.

نقد دستورالعمل‌های عرضه سیمان در بورس کالا

رئیس با انتقاد از نحوه عرضه سیمان در بورس کالا اظهار کرد: در حال حاضر، نسبت ورود و خروج برای کدهای بورسی رعایت نمی‌شود. برخی افراد سیمان را چند ماه پیش با قیمت پایین خریداری کرده‌اند، اما آن را از کارخانه خارج نکرده‌اند. اکنون قصد دارند همان محموله را با قیمت چندبرابری وارد بازار کنند.

وی افزود: طبق قانون، باید ۸۰

بازار کار

اقتصاد دیجیتال در هند، مشاغل پاره‌وقت در آلمان، صنایع پوشاک در بنگلادش و کشاورزی در شبلی؛ هر کشور به فراخور ظرفیت‌هایش برای اشتغال‌زایی نسخه‌ای نوشته است. ایران کدام مسیر را انتخاب خواهد کرد؟

در دهه اخیر برخی کشورها توانسته‌اند با موفقیت بر بحران ناترازی بازار کار غلبه کنند و این تجربیات، آموزه‌های مفیدی برای سیاست‌گذاران ایرانی دارد. از آنجا که ایران در شرایط تحریمی قرار دارد و جذب سرمایه‌گذاری و تکنولوژی خارجی با محدودیت‌های جدی مواجه است، الگوهای موفق کشورهای دیگری می‌تواند کمک کننده باشد، اما در عین حال باید با توجه به واقعیت‌های اقتصادی داخلی و تحریم‌ها تطبیق داده شود.

آلمان یکی از کشورهایی است که در دهه اخیر بر بحران ناترازی بازار کار خود غلبه کرده است. اصلاحات ساختاری آنچندا ۲۰۱۰ که در این کشور به اجرا در آمد، به کاهش نرخ بیکاری و انعطاف‌پذیری بیشتر بازار کار کمک کرد. در این برنامه، ایجاد مشاغل پاره‌وقت (mini jobs) یکی از ارکان اساسی بود. این مشاغل به ویژه برای زنان و جوانان جذابیت داشتند، زیرا ساعات کاری محدود و مالیات کمتری داشتند. این سیاست در کاهش بیکاری به ویژه در بین جوانان موثر واقع شد. بر اساس گزارشات، نرخ بیکاری آلمان در طول ۲۰ سال گذشته از ۱۱ به ۴ درصد کاهش یافته است. این کاهش چشمگیر نشان دهنده موفقیت آلمان در مدیریت بازار کار است. علاوه بر این، آلمان با برنامه‌های آموزشی گسترده در راستای افزایش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای جوانان، توانست تقاضای بالای نیروی کار ماهر را تامین کند.

درس مهمی که ایران می‌تواند از آلمان بگیرد، توجه به انعطاف‌پذیری در قراردادهای کاری و توسعه مشاغل پاره‌وقت است. با توجه به نرخ بالای بیکاری جوانان و زنان در ایران، ایجاد چنین مشاغلی به کاهش فشارهای اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود. همچنین، تقویت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و هماهنگی آن با نیازهای بازار کار، به کاهش شکاف مهارتی کمک خواهد کرد.

در بنگلادش، کشور دیگری که موفق به کاهش ناترازی بازار کار شده‌است، صنعت پوشاک به عنوان محرک اصلی اشتغال‌زایی شناخته می‌شود. این کشور از طریق تقویت صنایع کوچک و

بازار کار

درس‌هایی که باید از هند، آلمان، بنگلادش و شبلی گرفت

راه‌دیگران





مصطفی رحماندوست، شاعر محبوب کودکان ایران

از تاثیر ادبیات بر پرورش خیال و روح کودکان می گوید

«پرورش» را آزاد کنید «آموزش» را کنار بگذارید

● کودک نیاز به آموزش ندارد، درک و خیال پردازی می خواهد

● باید آموزش را از وزارت آموزش و پرورش حذف و نامش را

به پرورش تغییر داد

سمیه خاتونی

روزنامه نگار



در حاشیه روزی گرم و پر شور از نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، فرصتی فراهم شد تا به گفت و گو با مردی بنشینیم که نامش برای نسل های متوالی، به ویژه دهه شصتی ها، مترادف با شعر و داستان های کودکانه است. مصطفی رحماندوست، شاعر، نویسنده و مترجم نام آشنای کودک و نوجوان ایران. نویسنده ای که واژه ها را نه برای یاد دادن، بلکه برای پروردن روح و خیال کودکان برمی گزیند و همچنان با تمام وجود در مسیر فرهنگ سازی برای نسل های آینده گام برمی دارد. این گفت و گو بیش از پاسخ در خود دغدغه داشت. دغدغه ای برای کودکی که باید زنده و روشن بماند و لبخند بزند.

انار

همه ذات با قوت
با نظم در ترتیب
مردمانی است
قلب مدین
یا قوتها را
در پیش نرم
نرخه است و زینا
هم ترش و شیرین
رسته به رسته
کیهان نشسته
خوش رنگ و رخشان
در سینه تن
پیشینه با هم
پرورده اند
پاش لاله است
هم آهنگ است



بازی با انگشتها

شاعر: مصطفی رحماندوست

تصویرگر: هاله لادن

شعرهایی برای بازی کودکان

در جهان امروز، کتاب های

تعاملی و دیجیتالی منتشر

می شوند که شکل جدیدی از کتاب را ارائه

داده اند. ساختار این کتاب ها کاملاً پرورشی است و

بر مبنای تعامل، ارتباط زنده و تاثیر گذاری بر کودک

است. وقتی در میان غرقه های ناشران قدم می زدم،

متوجه شدم که خوشیخانه ناشران ایرانی نیز کم کم به

این مسیر روی آورده اند.

کتاب هایی که به تالیف شما در

نمایشگاه امسال وجود دارند، در همین

ساختار هستند؟

بله، چندتایی از کتاب های من نیز با این ساختار

منتشر شده اند.

در این نمایشگاه چه تعداد از

کتاب های شما حضور دارند و با چه

ناشرانی همکاری داشته اید؟

حدود ۲۰ عنوان از آثارم در نمایشگاه امسال عرضه

شده اند. انتشارات هایی چون پیدایش، دوستی و کانون

پرورش فکری کودکان و نوجوانان آن ها را منتشر

کرده اند.

بسیاری از مخاطبان، شما را با

صدای گرم و قصه گویی تصویری تان

می شناسند. آیا برنامه ای برای بازگشت

به رسانه های تصویری دارید؟ مثلاً

شبکه های نمایش خانگی یا تلویزیون؟

مصطفی رحماندوست، چهره ای آشنا و

محبوب در دنیای ادبیات کودک و نوجوان

ایران است. او با خلق آثاری چون «صد

دانه یاقوت» و «بازی با انگشت ها»، نه تنها

خاطراتی شیرین برای نسل های مختلف

رقم زده بلکه با بهره گیری از زبان ساده و

تصویرسازی های ملموس، دنیایی رنگارنگ و

پر از تخیل برای کودکان ترسیم کرده است.

رحماندوست در طول زندگی حرفه ای خود،

بیش از ۱۴ اثر در قالب شعر، داستان،

ترجمه و کتاب های آموزشی منتشر کرده

است که برخی از آن ها به چندین زبان زنده

دنیا ترجمه شده اند. تیراژ آثار او به بیش

از ۶.۵ میلیون نسخه می رسد، که نشان از

تاثیر عمیق و گسترده او در فرهنگ و ادبیات

کودک دارد.

وی علاوه بر نویسندگی، در سمت هایی چون

مدیر برنامه کودک سیما، سردبیر نشریات

مختلف و مشاور ادبی فعالیت داشته و

همواره تلاش کرده است تا ادبیات کودک

را به زبان های دیگر معرفی کند. او همچنین

با تاسیس پایگاه اینترنتی «کتابخانه

ملی کودک و نوجوان ایران»، گامی موثر

در دسترسی پژوهشگران به منابع ادبیات

کودک برداشته است. مصطفی رحماندوست

با بیش از سه دهه فعالیت مستمر، دنیایی از

واژه ها را به دنیای کودکان هدیه داده است.

دنیایی که در آن، تخیل، آموزش و احساس

در هم تنیده اند و خاطراتی ماندگار برای

نسل های آینده رقم زده اند.

« برای بسیاری از ما به ویژه متولدین

دهه شصت، نام شما با شعر و داستان

کودکانه گره خورده است. امروز حال

و هوای شما چگونه است و مشغول چه

کاری هستید؟

همچنان می نویسم و در حال نگارش مجموعه هایی

هستم که به نوعی بلندمدت محسوب می شوند. یکی از

تازه ترین آثارم که در این دوره نمایشگاه رونمایی شد،

شامل ۲۲ جلد کتاب شعر برای دانش آموزان کلاس

اول دبستان است.

محتوای این مجموعه با رویکرد

آموزشی است؟

خیر، یک مجموعه شعر است. اما با صداها و حروفی

سروده شده که برای کودکان در این مقطع آشنا و قابل

درک است.

« خوشیخانه ادبیات کودک ایران، به

همت ناشران و مولفانی چون شما، آثار

خوبی را چه از حیث ترجمه و چه تالیف

در بازار نشر ارائه کرده است. پرسش

اینجاست که وزارت آموزش و پرورش

برای معرفی این آثار در مدارس چقدر از

این ظرفیت غنی، بهره برده است؟

دانستنی ها از کن که حالا هفتاد و هشت ساله شد

از سایه جنگ تا جوایزی که سهم ایران شد

۱ | تولد کن در سایه جنگ



جشنواره فیلم کن در سال ۱۹۳۹ پایه گذاری شد اما جنگ جهانی دوم با حمله آلمان به لهستان، رویای شروع آن را به تاخیر انداخت. سرانجام در سپتامبر ۱۹۴۶،

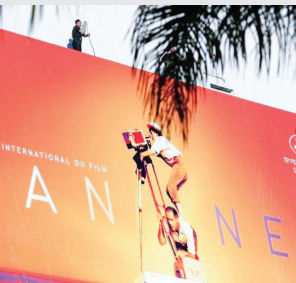
کن باشکوه آغاز شد و به صحنه ای جهانی برای سینما تبدیل شد. این تاخیر داستان عزم کن برای درخشیدن را جذاب تر می کند!

۲ | نخل طلا، برگ طلایی و کروزت



پیروزی سینمایی است. امروز برنده هایی مثل Chopard به آن درخششی مدرن داده اند.

۳ | دعوت نامه ای برای ستارگان سینما



می کنند. این روش خاص، کن را به باشگاهی انحصاری برای بهترین های سینما تبدیل کرده است.

۴ | غول های سینما در کن



نخل های «یادی که کشتار را می لرزاند» و «من، دنیل بلیک» از ستارگان کن هستند که بارها کروزت را تسخیر کردند.

۵ | عباس، جعفر، اصغر، سعید در کن



ایرانی ها هم حضور پررنگی در کن داشته اند. عباس کیارستمی با «طعم گلاس» در سال ۱۹۹۷ برنده نخل طلا شد. جعفر پناهی، اصغر فرهادی، شهاب حسینی، لیلا حاتمی و سعید روستایی در کن ۲۰۲۲ حضور داشتند. جعفر پناهی، اصغر فرهادی با فروشنده (۲۰۱۶) و سعید روستایی جز کیارستمی برندگان ایرانی فستیوال کن تاکنون بوده اند.



جشنواره کن دو روز پیش رسماً کار خود را آغاز کرد. هفتاد و هشتمین

جشنواره کن در ساحل سنتی کوت دازور با تصویری شگفت آور از بهن

کردن فرش قرمز افتتاحیه رسمی خود را اعلام کرد. این طور چشم جهان به

یکی از مهم ترین فستیوال های جهان دوخته شد تا از دور، نظرات منتقدان

و اهالی رسانه که به تماشای فیلم ها می نشینند را بخوانند و بشنوند. از

صدای تشویق ها و تحسین ها تا نقدهایی که گاه فراتر از حد نقد سینمایی

می رود را دنبال کنند. در نهایت با اعلام جوایزی که نه تنها جهان سینما که

جهان سینمادوستان را نیز تغییر می دهد، فستیوال کن به پایان می رسد.

در حاشیه این فستیوال، اتفاقات بزرگ و در عین حال عجیبی رخ می دهد

که گاهی از اصل، اهمیت بیشتری پیدا می کند. شبیه این اصطلاح که

حاشیه از متن پررنگ تر است. آنقدر پررنگ تر که برای یادآوری جوازی

اعطایی در دوره های مختلف جشنواره، علی الخصوص جوایزی که در

دوره های بسیار قدیمی تر اهدا شده است باید دست به دامان اینترنت شد

تا پیدا کنیم مثلاً در پنجاهمین دوره این فستیوال چه فیلم هایی در چه

رشته هایی، چه جوایزی دریافت کرده اند. گرچه اکثر حاشیه ها در ذهن

دنبال کنندگان جشنواره کن مانده است، اما برخی اطلاعات شگفت انگیز

بعد از هفتاد و هشت سال در ذهن افراد رنگ و روی خود را از دست

می دهند. آنچه می خوانید تنها شش عنوان از دانستنی هایی است که از

فستیوال کن اینجا آمده است. این تنها بهانه کوچکی است برای یادآوری

فستیوالی که این روزها در فرانسه جاری است.



روایت زن هنرمندی که طراحی با پارچه فراموش شده کویر را زنده کرد

تنیدگی نخ و رنگ بر تن مردم

مهدیه زبردی، زنی از دیار کویر است. حالا پنج سالی است که برندی با نام «داراپوش» را راه‌اندازی کرده تا بخشی از تاریخ یزد را نگاه دارد. او اولین‌بار در صندوق مادر بزرگش پارچه‌ای رنگی دید که با تمام پارچه‌های رنگی که تا آن روز دیده بود تفاوت داشت. پارچه‌ای که بعدها فهمید قدمتی بیشتر از صندوقچه مادر بزرگ و به بلندای تاریخ دارد. پارچه «دارایی». این اولین مواجهه بود، اما سال‌ها طول کشید تا زندگی او به تار و پود دارایی گره بخورد. او رشته ریاضی خوانده بود و در دانشگاه رشته فیزیک خواند اما فقط تا کاردانی توانست ادامه دهد و دانشگاه را ترک کرد. روزی به وقت عبور از خیابانی در شهر زادگاهش آگهی پذیرش دانشجوی طراحی و دوخت دانشگاه علمی و کاربردی را دید؛ این نخستین قدم بود. او در خانواده هنرمند بزرگ شده بود. مادرش قالیبافی می‌کرد، مادر بزرگش گلدوزی، منجوق دوزی و قلاب‌بافی هنرمندانه انجام می‌داد و او را از کودکی با این هنرهای دستی آشنا کرده بود. مهدیه خیاطی هم می‌دانست و مجموع این علاقه‌مندی‌ها و هنرهایی که می‌دانست او را در دانشگاه موفق‌تر از بقیه کرد. همین شد که تصمیم گرفت زندگی تازه‌اش را به پارچه صندوقچه مادر بزرگ گره بزند و سراغ یکی از قدیمی‌ترین پارچه‌های یزد رفت. او حالا برند خودش را دارد و لباس‌هایی با پارچه دارایی طراحی می‌کند تا علاوه بر هنر طراحی و دوخت بخشی از تاریخ یزد را که اکنون رو به فراموشی است زنده نگاه دارد.

رنگی که از میان خاک بر پارچه نشست

مهدیه زبردی در توضیح پارچه دارایی می‌گوید: «قدمت دارایی به ۸۰۰ سال پیش می‌رسد. پارچه‌ای پر از رنگ که در شهر کویری یزد با ساختمان‌های کاهگلی بدون رنگ برای روح‌بخشی به فضا استفاده می‌شده است. از دوران قدیم، مردم یزد برای رنگ بخشیدن به فضای زندگی‌شان عموماً از پنجره‌های رنگی استفاده می‌کردند یا پارچه دارایی را تبدیل به پرده و بر پنجره‌هایشان می‌آویختند. مردم اعتقاد داشتند این پارچه حتی حشرات را از آن‌ها دور می‌کند.»

چرا دارایی؟

او که پایان‌نامه دانشگاهش را نیز درباره تاریخچه این پارچه نوشته است، در مورد دلیل این نام می‌گوید: «این از یک سنت قدیمی در یزد می‌آید. دارایی به خاطر نوع رنگ‌رزی و بافت، پارچه گرانی به حساب می‌آمده است. به هر دختری که در جهیزیه خود برای خانه شوهر، این پارچه را یا برای دوخت پرده یا لحاف داشته می‌گفتند دختر دارایی است. از همین‌جا نام این پارچه را دارایی گذاشتند که به معنای دارا بودن صاحب آن است.»

نقشی که بر تار می‌نشیند نه بافت

صاحب برند «داراپوش» از چرایی تفاوت پارچه دارایی می‌گوید: «این پارچه نوع رنگ‌رزی و بافت متفاوتی دارد که مختص شهر یزد است. نخ‌ها قبل از بافت، وقتی خام‌اند پیچیده می‌شوند و به صورت دستی و با رنگ‌های طبیعی رنگ‌رزی می‌شوند. بعد از خشک شدن این نخ‌ها روی دار قالی قرار می‌گیرند و بافته می‌شوند. ویژگی دیگر این است که نخ‌ها به وقت بستن به دار یا بافت، براساس طرح یا نظم کنار هم قرار نمی‌گیرند؛ درواقع همه طراحی در زمان رنگ‌آمیزی نخ و با پیچیدن و تاب دادن نخ اتفاق می‌افتد.» او تاریخچه استفاده از این پارچه در یزد را این‌طور بیان می‌کند: «دارایی هیچ‌گاه برای لباس استفاده نمی‌شد. از اولین کسانی که از این پارچه برای لباس استفاده کرد، من بودم. البته وقتی کارم را شروع کردم تعداد کمی از افراد این پارچه را حتی می‌شناختند. هنوز هم تعداد معدودی آن را می‌شناسند و از آن برای پرده، کوسن یا لحاف استفاده می‌کنند.»

جنگ علیه فراموشی دنیای رنگ‌ها

مهدیه که حالا که در پیچ اینستاگرامش طراحی و دوخت لباس‌هایش را با پارچه دارایی برای سفارش و فروش می‌گذارد، ناشناخته بودن این پارچه را دلیلی خاص پسند بدنش هم می‌داند: «این پارچه مشتری‌های خاص خودش را دارد. شاید کمتر از ۲۰ درصد مردم جامعه دوست‌دار این پارچه باشند، بقیه همه به دنبال پارچه‌های ساده تک‌رنگ شبیه آنچه در بازار پیدا می‌شود، هستند. همین ناشناخته بودن باعث فراموشی دارایی میان مردم می‌شود. دیگر حتی یزدی‌ها هم آن را نمی‌شناسند. دارایی دارد به فراموشی می‌رود. من تلاش کردم که در کارم بار دیگر این پارچه را به مردم یادآوری کنم. اولین هدفم همیشه این بوده که زنان را به پوشیدن لباس‌های رنگ‌دار دعوت کنم. وقتی زنان لباس رنگی بپوشند شادترند؛ وقتی زنان شاد باشند جامعه شادتری خواهیم داشت. البته کارم فقط لباس نیست، هنوز پذیرش این میزان رنگ در لباس برای همه قابل قبول نیست. پس به سنت قدیم از دارایی برای دوخت پرده هم استفاده می‌کنیم. البته کارهای جدیدتری هم انجام می‌دهیم مثل طراحی و دوخت کوسن با این پارچه برای مردم می‌تواند جذاب باشد.»

چین رقیب صنعتی دارایی

زبردی می‌گوید هنوز هم سنت بافت این پارچه گران هنوز در یزد وجود دارد. «تسویه رنگ‌رزی این پارچه و فرآیند بافت آن با دست انجام می‌شود. به همین دلیل است که دارایی قیمت بالایی دارد. چند کارگاه در یزد باقی مانده‌اند که همچنان به شکل سنتی دارایی می‌بافند. البته چین پارچه‌هایی شبیه دارایی تولید کرده و به بازار عرضه کرده است. بخشی از پارچه‌های چین با قیمت ارزان‌تر به ایران می‌رسد، اما نوع پارچه چینی تفاوت فاحشی با دارایی دارد؛ پارچه‌های چین در فرآیندی کاملاً صنعتی و با دستگاه بافته و پرداخت می‌شوند.»

کت‌واک‌های اروپا، دارایی یا ایکات؟

او از حضور این پارچه در مد تابستان برندهای مشهور جهان اطلاع دارد اما از اینکه پارچه‌ها همان دارایی یزدی باشد که مورد استفاده طراحان مطرح جهان قرار گرفته، مطمئن نیست. «بعید می‌دانم این پارچه دارایی باشد؛ به احتمال زیاد آنچه می‌بینیم «ایکات» است. ایکات پارچه‌ای بسیار شبیه به دارایی است که در کشورهای جنوب شرق آسیا بافته می‌شود؛ و البته تفاوت‌هایی با پارچه‌های ما دارد. ایکات و دارایی نحوه رنگ‌رزی شبیه یکدیگر دارند اما دستگاه‌ها در یزد روی پایه قرار می‌گیرند. برای بافت دارایی از دست برای رد کردن پود واز یا برای فشردن پدال برای جابه‌جایی تارها استفاده می‌شود اما دستگاه ایکات روی زمین قرار می‌گیرد و همه بافت با دست انجام می‌شود. علاوه بر اینکه تنوع رنگی پارچه‌ای ما مخصوصاً از رنگ‌های طبیعی برای رنگ‌رزی استفاده می‌شود بسیار گسترده‌تر از تنوع رنگی پارچه ایکات است. آن پارچه فقط با دو سه رنگ بافته می‌شود به همین خاطر اگر به رنگ‌های انتخابی پارچه‌ای مد اروپا نگاه کنیم از تنوع رنگی هم می‌توانیم متوجه اصالت دارایی بودن آن بشویم.»



پارچه دارایی ایرانی؛ در میان تابستانه‌های مد جهان و بر تن مدل‌های بین‌المللی درخشید



این جا ببینید



«دارایی» گنجی از کویر یزد بر تن مدل‌های جهانی



عسل آذربور
دبیر فرهنگ و هنر

هفته‌های بین‌المللی تابستان امسال پر از رنگ و تنوع پارچه و طراحی است.

تنوعی که از ذهن‌های خلاق و دنیای

شگفت آور خالقان مد بیرون می‌آید. امسال فارغ از طراحی‌هایی که همگی سبک رها را

دنیا می‌کنند، تابستانه‌ترین طراحی مد سال‌های اخیر را ساختند. آنچه در میان

لباس‌های طراحی شده مد تابستان جهان دیده می‌شود استفاده از الیاف طبیعی و

بازگشت به نقش‌های سنتی است. اما در این میان اتفاق شگرف دیگر قابل توجهی رخ

داده که شاید برای جهان معنا نداشته باشد؛ حتی ممکن است برای بسیاری از ایرانیان نیز

ناآشنا باشد. میان لباس‌های طراحی شده بر تن مدل‌های مشهور جهان پارچه‌ای رنگی با

ساختاری متفاوت دیده می‌شود که از دل ایران به جهان رسیده است. «دارایی» پارچه‌ای

به قدمت تاریخ که از فرهنگ و سنت ایرانی حالا در دل هفته‌های مد جهان راه یافته

است. آنچه ناگوار است اینکه، بسیاری از ایرانیانی که با مد و لباس سر و کار ندارند نه تنها

نامی از این پارچه که نمادی از هنر و فرهنگ باستانی ماست ندارند؛ چه بسا بسیاری از

افراد که امروز دستی بر طراحی و مد نیز دارند از آن مطلع نیستند. پرونده پیش‌رو

نگاهی است به پارچه تاریخی «دارایی» که از دل کویر تا هفته‌های مد جهان پیش رفت.

گرچه در بسیاری از نقاط جهان این پارچه با نام ایکات شناخته می‌شود که ره‌آورد آسیای

جنوب شرقی است؛ اما آنچه امروز در کت‌واک‌ها دیده می‌شود نمایی از پارچه یزدی

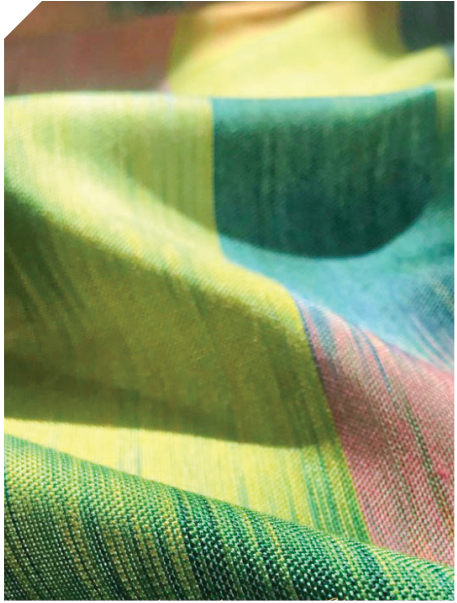
ایرانی است که با دست و در فرآیندی پیچیده ساخت و پرداخت می‌شود.



مرد یزدی در حال بافت پارچه دارایی سنتی

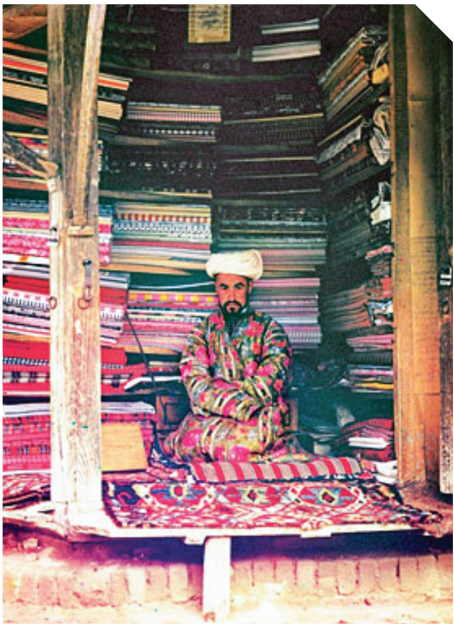
دارایی، تابیده‌ای رنگی از ۸۰۰ سال پیش

پارچه دارایی، تنها پارچه‌ای است که قبل از بافت، نخ‌هایش به صورت دستی رنگ‌آمیزی می‌شود. رنگ‌آمیزی این پارچه چیزی شبیه همان تکنیکی است که امروز در فضای مجازی برای رنگ کردن تی‌شرت یا لباس‌هایتان می‌بینید. وقتی به شما توصیه می‌شود که پیش از رنگ کردن لباس را تاب دهید، بخشی از آن را رنگ کنید و بخشی را به رنگ اصلی باقی بگذارید؛ نتیجه اینکه وقتی لباس خشک می‌شود تصویر نامنظم و بهم‌ریخته رنگی یک تصویر جذاب برای شما ساخته است. دارایی، واقعیت این نوع رنگ‌رزی است که تکنیک‌اش به جای پارچه روی نخ خام اتفاق می‌افتد. نخ تابیده می‌شود، رنگ می‌شود و بعد از خشک شدن تبدیل به نخ‌هایی با طیف رنگی متنوع داریم که در عین بی‌نظمی، نظم جالب را خلق کرده است. به همین دلیل است که هیچ دو قطعه پارچه دارایی با یکدیگر شباهت ندارند. این نوع رنگ‌رزی که بعد تبدیل به پارچه‌های طراحی شده می‌شوند مختص شهر یزد ایران هستند و قدمتی ۸۰۰ ساله دارند.



ایکات، دارایی آسیایی با تفاوت‌هایش

نمونه مشابه دارایی در کشورهای جنوب شرق آسیا نیز وجود دارد، اما نام متفاوتی دارد. «ایکات» یا ریشه مالایی به معنای بستن یا گره زدن یا پیچاندن است. نام آشنای این پارچه خاص است که در جهان نیز شناخته شده است. البته ایکات تفاوت‌هایی با دارایی ایرانی دارد. نخ تابیده رنگ شده در دارایی بر تار قالی می‌نشیند، نخ رنگ شده ایکات بر پود. دستگاه دارایی باقی‌نشسته بر پایه، در هماهنگی دست و پا بافته می‌شود، دستگاه ایکات باقی‌خواهیده بر زمین و فقط از دست برای بافت کمک می‌گیرد. تارهای رنگی دارایی را پود سفید به نقش و نگار می‌رساند. چنان که بافته پارچه نه برای نتیجه کار طراحی دارد و نه می‌داند سرانجام پارچه‌ای که از دستگاهش بیرون می‌آید چه می‌شود. ایکات اما با رنگ کردن پود، در بخشی از طراحی بافت پارچه شخص بافنده را دخیل می‌کند.



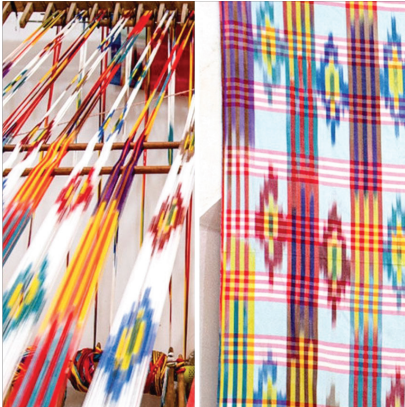
رنگی از دل کویر به رنگ خاکی

شهر یزد خاستگاه این پارچه است. دارایی تنها یک پارچه نیست بلکه تاریخچه‌ای در هم تنیده در فرهنگ این شهر کویری دارد. مردمان یزد از قدیم برای تنوع بخشیدن به زندگی در دل کویر که خالی از رنگ بود، به رنگ پناه می‌بردند. آنان این نوع رنگ‌رزی و پارچه‌بافی را ابداع کردند تا روح رنگی روزمره خود بخشند. دارایی پارچه اویخته بر پنجره‌های می‌شد تا تابش خورشید در رنگ بر زندگی مردم بیندازد. دارایی لحاف جهیزیه عروس‌های می‌شد تا رنگ را به خانه تازه‌بیرد.



دارایی از جهاز دختران وام گرفته شد

نام دارایی از رسمی دور دست در یزد می‌آید. در میان مردم یزد رسم بر آن بود که در میان جهاز دختران نوعروس لحاف و پرده از پارچه دارایی باشد. دارایی به دلیل نوع رنگ‌آمیزی و بافت پارچه‌ای خاص و اما گران محسوب می‌شد. حضور این پارچه گران در جهاز هر دختری نشان از دارایی زیاد آن دختر داشت؛ همین شد که نام پارچه را دارایی گذاشتند، صاحب مال و دارا.



دنیایی از رنگ خالق پارچه‌ای هنری

ایران سرزمین رنگ‌هاست. رنگ‌های متنوع که در ادوار تاریخ ما، چه در معماری، چه در نقاشی و حتی در میان پارچه‌هایمان وجود داشته است. تنوع رنگی مادر کمتر گوشه‌ای از جهان وجود دارد. پوشش طبیعی گسترده این سرزمین و دانش ایرانیان در استفاده‌های متنوع از پوشش‌های طبیعی، برای مصارف دارویی و رنگ‌رزی ما را در رشته‌های مختلف از جهاتیان متمایز کرده است. دارایی از دل دانش و هنر ایرانی خلق شده است و امروز هنوز در میان کوچه‌پس کوچه‌های شهر یزد، گرچه آرام و اندک اما هنوز حیات دارد.





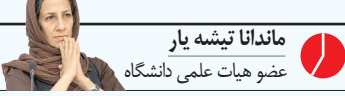
ایران زمین

| روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۴۰۵۱ | پنجشنبه | ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ |

نگاه

هویت ایران محور

گفت‌و‌گوی شهرها



در تاشکند، مصرعی از سروده سعدی بر فراز دروازه مدرسه‌ای قدیمی نشسته بود: غرض نقشی است کز ما باز ماند... در سمرقند، بنای آرامگاه امیر تیمور گور کانی، «عمل دست عبد ضعیف، احمد بن محمود اصفهانی» بود و در عمارت زیبای شاه زنده در بالای کوه‌های اطراف سمرقند، می شد اشعار دنلواز فارسی را خواند.

در سمرقند و بخارا حتی یکبار هم نیاز نشد که به انگلیسی یا روسی گفت‌و‌گو کنیم. همه جا فارسی و ترکی با هم به یاری می آمدند و زبان میانجی می شدند. خواندن نام فروشگاه‌ها به خط سیریلیک یا لاتین و کشف اینکه نوشته‌اند: داروخانه، چاپخانه، سرتراش خانه، مهمان خانه، دم خانه (کافه)، مکتب‌خانه، کتابخانه، قلمگیر (نویسنده)، هنروروز (هنرمند)، سازگیر (نوازنده) ما را مانند کودکان کلاس اول دبستان به وجد می آورد.

در ایستگاه قطار بخارا، با هنروروزی آشنا شدم که خوشنویسی می کرد. ازیک بود، فارسی را خوب می دانست، دو ممدار را کنار هم گذاشت و نام مرا به خطی خوش بر روی کاغذی نوشت و هدیه داد. با هم غزل نخست دیوان حافظ را تا پایان از بر خواندیم؛ یک مصرع او، یک مصرع من.

چند سالیست که هر شب دمای هوای شهرهای حوزه تمدنی مشترکمان را در پایان برخی خبرهای تلویزیونی نگاه می کنم. نمی‌دانم چرا، اما انگار به حال من فرقی دارد که فردا هوای هرات، استانبول، بغداد، دلهلی و دوشنبه چگونه باشد. در این سفر با شگفتی دانستم که دوستانی در این شهرها هستند که آنها هم هوای ما را دارند. آنها می دانستند که امسال هوا در تهران زود گرم شده و مشهد کم بارش داشته.

در سمرقند بودیم که خبرهای بندرعباس رسید و آندوه را به چانمان نشاناد. دوستان در تاشکند و آلمانی که ما را دیدند، هم جویای احوال شدند و هم همدردی کردند.

شبی در خیابان سرسبز دوستی در آلمانی با یکی از دوستان قزاق قدم می زدیم که گفت «دوست مشترکمان دکتر نژاکت ممدلی عضو هیات علمی فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان به تازگی در باکو در گذشته است.» باور کردنی نبود؛ به هتل که آمدم به دوستی در تبریز خبر دادم و او با افسوس گفت که چندی پیش باهم برای یک نشست آنلاین برنامه‌ریزی کرده بودند، اما انگار دیر شده بود.

در طول سفر، به برخی از دوستان اهل دیگر شهرهای منطقه گفتم که راهی شیراز هستم. هر بار که نام شیراز می آمد، آه از نهاد می کشیدند و در چهره‌شان لیخنه و در نگاهشان حسرت می‌نشست. اما آنان چگونه حسرت جایی را داشتند که ندیده بودند؟ به گمانم، شهرهای تمدنی ما در خاطره تاریخی مان ثبت شده‌اند. نیاز نیست به سفر قندهار رفته باشیم یا کابل را دیده باشیم. همین که نام بخارا می آید، در درون ما انگار نوای رودکی بر می خیزد و خاطره‌مان پا به پای امیر سامانی بی کفش و کلاه از هرات جان به سوی بخارا می تازد. نیازی نیست که سمرقندیان تا مشهد و خجندی‌ها و هراتی‌ها تا تبریز بروند، آنها مسجد گوهرشاد و آرامگاه دو کمال را (کمال خجندی و کمال‌الدین بهزاد) در دلشان جا داده‌اند و انگار که اهالی ایران و تفلیس بی آنکه تا جلفا و فریدن اصفهان بیایند؛ پل الله وردیخان گرجی تبار را در خاطرات چند صد ساله‌شان بارها خواب دیده‌اند.

ما اگر چه امروزه اسیر مفاهیم مدرن شده‌ایم و هویت منطقه‌ای‌مان را کوشش کرده‌ایم که به فراموشی بسپاریم؛ اما خطه‌های فرهنگ پروری که هویت دیرینه ما را ساخته‌اند، هنوز نیز جایگاه ویژه خود را در پیوند دادن سرزمین‌ها و مردمان ما به یکدیگر دارند. به نام‌های بزرگانمان نگاه کنیم؛ هر کدام پسوند شهری را به دنبال دارند.

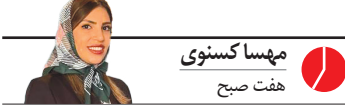
از باستان تا همین صد سال پیش، شهرهای ما همواره هویت‌بخش بوده‌اند.

یکی از دستاوردهای سفر استادان و پژوهشگران از شهرهای دور و نزدیک برای شرکت در همایش «نسبت علوم انسانی و هویت ایرانیان»، اندیشیدن درباره خویشن انسان امروزی در این حوزه فرهنگی و تمدنی در دو ساحت ملی و منطقه‌ای بود. اگر این گفت‌و‌گوها ادامه یابد، اگر گسترش یابد و اندیشمندانی از دیگر شهرهای تمدن ساز ما را گرد هم آورد، آنگاه می توان انتظار داشت که گفتمان نوینی در سطح منطقه میان شهرها و شهروندان ما شکل گیرد و هویت ایرانیان را جلا و باز احان و اجرا کنندگان این همایش گفت به طراحان و اجرا کنندگان این همایش پربار که به شایستگی شیراز، این کهن شهر تمدنی ما را، کانسون گفت‌و‌گوها درباره هویت ایرانیان در دوران نوین کرده‌اند و باید به یاری‌شان آمد تا این گفت‌و‌گوها تداوم یابند.

گزارش هفت صبح از روستایی که زادگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی است

پاژ، روستای فراموش شده خالق شاهنامه

- زادگاه فردوسی، برخلاف جایگاه جهانی اش، از ابتدایی ترین امکانات گردشگری بی‌بهره‌است**
- قلعه تاریخی روستا اکنون ویران شده و تنها اتاقی از آن باقی مانده است**



همه ما نام استاد بزرگ زبان فارسی، «حکیم ابوالقاسم فردوسی» را شنیده‌ایم. شاعری که ۲۰ سال از عمر خود را وقف احیای زبان

فارسی، هویت و فرهنگ ایرانیان کرد و در تاریخ فارسی‌زبانان جهان جاودانه شد اما کمتر کسی می‌داند این شاعر بزرگ، زاده کجاست و در کدام نقطه از ایران، حماسه‌سرایی کرده است.

فردوسی بزرگ در روستایی به نام «پاژ» از توابع توس چشم به جهان کشود.

روستای پاژ در ۳۰ کیلومتری شمال شرقی مشهد است و اگر از علاقه‌مندان به فردوسی باشید، دیدن زادگاه این شاعر بزرگ در گوشه نه‌چندان دور از شهر مشهد، خالی از لطف نیست.

افسانه باج تا پاژ

مردم محلی، روستای خود را «پاز» می‌نامند اما فامیل تمام اهالی این روستا در شناسنامه، با فاز یا فـَـزازی، خاتمه می‌یابد. در ورودی این روستا، چیز دیگری نوشته شده‌است: «به پاژ، زادگاه حماسه‌سرای بزرگ، حکیم ابوالقاسم فردوسی خوش آمدید.» مگر می‌شود روستای حماسه‌سرای بزرگ فردوسی، خود افسانه‌ای برای نمایش نداشته باشد. مردم محلی، افسانه اسم روستا را اینگونه تعریف می‌کنند: «در دوران فردوسی، از تمام شهرها و روستاها خراج و باج می‌گرفتند اما وقتی به اینجا رسیدند مردم شهر به جای دادن باج، تصمیم گرفتند پهلوان خود را بفرستند تا با پهلوان سرزمین باج‌گیرنده کشتی بگیرد به این شرط که اگر در مسابقه پیروز شود، باج و خراجی ندهند.»

طبق روایت افسانه‌ها، «پهلوان فارس‌ها، با یک دست، جگر پهلوان سرزمین باج‌دهنده را در می‌آورد و او در ج‌می‌میرد. از آن روز به بعد به رسم افتخار اسم این سرزمین را باج می‌نامند که در سال‌های متمادی به فاز، پاژ و در آخر پاژ تغییر نام داده است.»

هیچ چیز در پاژ، برارزنده نام فردوسی نیست
وقتی وارد پاژ شوید و کمی بعد که به قلعه زادگاه فردوسی برسید؛ نه عظمت برج و باروها و نه اشعار حماسه‌سرای بزرگ فردوسی روی دیوارها، بلکه بوی سرگین حیوانات، هوش از سرتان خواهد برد. جوی‌های آب در پاژ، جاری نیستند و آنها را لجن فراگرفته است. تلفن همراه نیز آنتن ندارد. تابلوی راهنمایی وجود ندارد تا شما را برای رسیدن به قلعه تاریخی، راهنمایی کند. اگر

جزیره‌ای که می‌خواهد الگویی برای توسعه پایدار در جزایر جنوبی کشور شود ماموریت؛ ثبت جهانی هرمز

ساحل نقره‌ای جزیره هرمز، یکی از بی‌نظیرترین جله‌های طبیعت در جنوب ایران است؛ سواحلی که با درخشش ذرات میکروسکوپی نقره‌ای در خاک، جلوه‌ای جادویی و رویایی پدید آورده‌اند. اما متأسفانه در سال‌های اخیر، برداشت غیرمجاز از خاک این ساحل به بهانه‌های تجاری، تهدیدی جدی برای زیست‌بوم منطقه و میراث طبیعی آن به شمار می‌رود، چنین اقداماتی نه‌تنها به تخریب مستقیم چهره طبیعی جزیره می‌انجامد، بلکه فرصت‌های توسعه گردشگری پایدار و علمی را نیز به خطر می‌اندازند.

در این میان، ثبت ملی و سپس جهانی ژئوپارک هرمز، گامی بلند در مسیر حفاظت از این منابع ارزشمند و توسعه گردشگری پایدار در استان هرمزگان است. این رویداد نه تنها افتخاری ملی محسوب می‌شود، بلکه بستری جهانی برای معرفی گنجینه‌های طبیعی، زمین‌شناسی و فرهنگی هرمز فراهم می‌سازد. جزیره هرمز، با خاک‌های رنگارنگ، ساختارهای منحصر‌به‌فرد زمین‌شناسی و فرهنگ بومی خود، اکنون به عنوان یکی از مقاصد رسمی در شبکه ژئوپارک‌های یونسکو شناخته می‌شود.

این ثبت جهانی، نگاه تازه‌ای به حفاظت از منابع طبیعی و میراث زمین‌شناختی می‌طلبد؛ از جمله جلوگیری از آسیب‌هایی چون برداشت خاک سواحل نقره‌ای. اگر حفاظت از این جواهرات طبیعی با مشارکت فعال جامعه محلی و سیاست‌گذاری هوشمندانه همراه شود، هرمز گام می‌تواند نه‌تنها به قطب گردشگری ژئوپارکی ایران، بلکه به الگویی موفق در توسعه پایدار در سطح جهانی بدل شود.

هرمز یکی از مقاصد برتر گردشگری در منطقه خلیج فارس است

محمد بنده، بخشدار جزیره هرمز، در گفت‌وگو با مهر با تأکید بر اهمیت مدیریت گردشگری در

بگویند؟» یکی دیگر از اهالی روستا، بقیه صحبت را با تعریف خاطره‌ای ادامه می‌دهد: «به‌خاطر دارم دو بار در اینجا چیزی پیدا کردند که حسایی سر و صدا به پا کرد. یک بار زمانی که مدرسه می‌رفتم در دهه ۵۰، یک جمجمه قدیمی انسان پیدا شد که خیلی قیمتی بود و گفتند می‌برند موزه. بار دیگر در دوران سربازی‌ام دور تا دور قلعه را فـنس کشیدند و گفتند چیزی پیدا شده ولی هیچ وقت نفهمیدیم، چی؟»

از تاجیکستان تا تور یست عاشق ایتالیایی
پاژ توریست هم دارد، توریست‌هایی که بیشترشان تاجیکی هستند و به نقل از مردم روستا به دلیل اهمیتی که در تاجیکستان به شاهنامه فردوسی می‌دهند، سر از پاژ در می‌آورند و دوست دارند زادگاه خالق شاهنامه را از نزدیک ببینند. اما هرازگاهی سروکله اروپایی‌ها هم در این روستا پیدا می‌شود. یکی از محلی‌ها با لاله‌چه شیرین خراسانی تعریف می‌کند: «چند سال پیش یک مرد بور با شلوارک و رکابی در روستا پیدایش شد که همه‌مان را متعجب کرد. با مترجمش که صحبت کردیم، فهمیدیم ایتالیایی است و عاشق فردوسی. او گفت برای دیدن مقبره و زادگاه فردوسی به ایران، مشهد و به پاژ آمده است.» او ادامه می‌دهد: «مرد ایتالیایی با دیدن قلعه پاژ ناراحت شد و گفت شما قدر فردوسی را نمی‌دانید.»

روایای گردشگری در پاژ

فامیلش را نمی‌گوید. خانه پدری‌اش روبه‌روی قلعه‌است و آرزویش این است که پاژ، توریست‌پذیر شود. به گفته خودش با همین روایا، کار کردن در شهر را رها کرده و به پاژ

به دنبال گنج

دیوارهای قلعه پر از سوراخ است. یکی از اهالی روستا در اینباره می‌گوید: «سوراخ‌ها را گنج‌یاب‌ها ایجاد کردند. شبانه می‌آیند اینجا و دنبال گنج می‌گردند.» می‌پرسم چیزی هم پیدا کرده‌اند؟ پاسخ می‌دهد: «دلت خوش است خانم. اگر پیدا کنند می‌آیند به من و شما



می‌خواهند پاژ را کسی نشناسد

زنان روستا زیاد اهل گفت‌وگو نیستند. به سختی به سوالم پاسخ می‌دهند. می‌پرسم تا به حال در روز بزرگداشت فردوسی در پاژ مراسمی گرفته شده است؟ یکی از زنان پاسخ می‌دهد: «بله چند سال پیش یک مراسم گرفته شد. صدلی آوردند. آواز خواندند، شاهنامه‌خوانی و نقالی کردند. فیلم گرفتند و حتی از تلویزیون هم پخش شد. اما آن فیلم را به فیلم‌های آرامگاه فردوسی وصل کردند و اصلا به زادگاه فردوسی، اشاره نشد.» زن ادامه می‌دهد: «نمی‌دانم چرا می‌خواهند روستای ما را کسی نشناسد.»



می‌کنند. اما هدف ما ارتقای استان و کشور است و در حوزه گردشگری به دنبال رقابت سالم هستیم.

رشد گردشگری خارجی و تغییر سبک سفر به هرمز

بخشدار هرمز گفت: سفر گردشگران از کشورهایی مانند امارات به هرمز افزایش چشم‌گیری داشته است و به دلیل هزینه‌های بالای سفر در کشورهای منطقه و کاهش ارزش ریال، بسیاری از گردشگران منطقه، هرمز را مقصد سفر نوروزی خود قرار دادند. این مسئله تأییدی بر ظرفیت‌های بین‌المللی جزیره است.

بنده با یادآوری شرایط سخت چهار سال پیش گفت: آن روزها حتی آب و نان مورد نیاز مردم از بندرعباس تأمین می‌شد، اما امروز، با همت مسئولان و مردم، جزیره به سطحی از خودکفایی رسیده است. با وجود کمبود امکانات، اهالی جزیره و پرسنل خدماتی عملکرد قابل‌تقدیری داشته‌اند. بخشدار گفت: برای رسیدن به توسعه گردشگری شایستگی کامل برای ثبت جهانی را دارد. این موضوع نه تنها افتخاری برای هرمز بلکه برای کل کشور خواهد بود.

وی افزود: در حال حاضر برخی رقبا در منطقه از رشد سریع گردشگری هرمز احساس نگرانی

جزیره را زباله‌های رها شده و کمپ‌های غیرمجاز

در دل کوه‌های رنگی دانست و گفت: دو مکان مشخص برای کمپ‌های شبانه گردشگران تعیین کرده‌ایم؛ همچنین گشت‌های شبیفتی در این مناطق انجام می‌شود؛ برای نوروز امسال با امکانات محدود انسانی، نیروهای شهرداری با نهایت تلاش توانستند چهره جزیره را مدیریت کنند.

وی با اشاره به اینکه شهرداری هرمز تنها با ۸ تا ۱۰ نیرو فعالیت می‌کند، گفت: با توجه به حجم بالای مسافران، طبیعتاً باید برنامه‌ریزی گسترده‌تری برای پاییز و زمستان آینده صورت گیرد، به‌ویژه در حوزه تفکیک زباله، تأمین سطل‌های زباله و استخدام نیروهای بیشتر.

پتانسیل جهانی شدن هرمز

بنده در ادامه درباره پیگیری ثبت جهانی جزیره هرمز نیز گفت: با مدیر کل میراث فرهنگی استان هرمزگان در این خصوص جلساتی داشته‌ایم؛ هرمز از نظر زمین‌شناسی، طبیعی، فرهنگی و گردشگری شایستگی کامل برای ثبت جهانی را دارد. این موضوع نه تنها افتخاری برای هرمز بلکه برای کل کشور خواهد بود.

وی افزود: در حال حاضر برخی رقبا در منطقه از رشد سریع گردشگری هرمز احساس نگرانی

تأثیر گذارند و باعث جابه‌جایی مواد آهنی موجود در خاک می‌شوند.

توقف برداشت خاک سرخ با دستور رهبری

بنده درباره ادعای برداشت هزاران تن خاک رنگی از جزیره هرمز طی سال‌های گذشته، گفت: این موضوع مربوط به پیش از سال ۱۳۹۵ است؛ پس از آن و با دستور مقام معظم رهبری، هرگونه برداشت خاک در جزیره متوقف شده است و امروز مردم بومی خاک جزیره را مانند ناموس خود می‌دانند؛ اگر حتی یک نفر بخواهد از روی غفلت یا فریب، خاکی را از جزیره خارج کند، با اطلاع‌رسانی ساکنان، بلافاصله توسط نیروهای انتظامی یا نیروهای منابع طبیعی متوقف می‌شود.

او افزود: با ایجاد گلوگاه‌های کنترل در مبادی ورودی و خروجی بنادر، هرگونه خروج خاک یا سنگ از جزیره تحت نظارت کامل است. حتی در موارد معدودی که خاک یا سنگی به‌اشتباه خارج شده، پس از پیگیری بازگردانده شده است.

ساماندهی کمپ‌ها وزباله‌ها گامی در جهت حفاظت محیطی

بخشدار هرمز یکی از مضلات اصلی گردشگری در

نخودسیاه وارد بازار اشراف زادگان شد

قیمت نخودسیاه به کیلویی ۳۸۰ هزار تومان رسیده و تبدیل به کالایی لوکس شده است

مهرنوش حیدری نجفی
هفت صبح



یک وقتی «بفرستش دنبال نخودسیاه» یعنی طرف را سر کار گذاشتن. یعنی ماموریتی بی سرانجام. یعنی کاری که فایده ندارد. حالا اما نخودسیاه کیلویی ۳۸۰ هزار تومان شده و دیگر کسی را نمی‌شود دنبال نخودسیاه فرستاد. چون ممکن است واقعاً برود، پیدایش کند، بفروشد و با پول آن خانه بخرد! بله، دیگر نخودسیاه هم شده نماد ارزش افزوده. نه به خاطر خاصیت دارویی‌اش، نه طعم و رنگش؛ فقط چون کم است و در بازار، ماه‌ها ریز کمبایی بالاخره روزی وارد باشگاه اشراف‌زادگان می‌شود. تا دیروز اگر کسی یک کیلو نخودسیاه در خانه داشت، به‌زور آن را لپه کرده و در گوشه‌ای از خورش قیمه مخفی می‌کرد. امروز به همان فرد باید به چشم یک طلافروش خانگی نگاه شود. اگر همین روند ادامه پیدا کند، احتمالاً در دهه آینده طلافروشان، آشپزهای سابق خواهند بود! ماجرای لوبیاچیته هم دست کمی ندارد. وقتی بسته‌بندی‌اش تا ۵۰۰ هزار تومان بالا رفت، عده‌ای گفتند این قیمت، حباب دارد. غافل از اینکه مشکل، فقط در حباب قیمتی نبوده؛ نخود و لوبیا ذاتاً حباب‌دارند، آن‌هم از نوعی که در دستگاه گوارش هم خودی نشان می‌دهند!

حالا وسط این شوخی و جدی، بازار حیوانات شده نماد بی‌نظمی ساختاری. از یک‌سو کشاورز داخلی با هزار بدبختی نخود و لوبیا می‌کارد و کیلویی زیر ۵۰ هزار تومان می‌فروشد و از سوی دیگر مصرف‌کننده نهایی در فروشگاه باید چند برابر این مبلغ را بپردازد. نه کسی مسئول مستقیم این فاصله قیمتی است، نه کسی پاسخگو. همه فقط می‌گویند: «بازار تعیین می‌کند». بله، بازاری که معلوم نیست دقیقاً کجاست و چه کسی دارد چر تکه می‌اندازد.

از این پس اگر کسی را دنبال نخودسیاه بفرستید، دارید او را وارد یک پروژه اقتصادی می‌کنید. باید اول مشاوره بگیرد، بعد مجوز بگیرد، بعد مالیات بدهد و اگر خیلی زنگ باشد، شاید یک گوشه از بورس کالا هم جایی برای نخودسیاهش پیدا کند.

پیشنهاد می‌شود ضرب‌المثل‌هایمان را به‌روزرسانی کنیم. مثلاً:

❶ «بفرستش دنبال سری سوم کالاب‌رگ الکترونیکی»

❷ «بفرستش دنبال تخم‌مرغ دوقلو»

❸ «بفرستش دنبال وعده‌های آرزو»

همه‌شان همان کارکرد قدیم را دارند؛ وعده‌های دور، سراب‌های خنده‌دار و جست‌وجوهایی که آخرش به هیچ‌جا نمی‌رسند.

خلاصه اینکه دیگر نمی‌شود کسی را دنبال نخودسیاه فرستاد. نخودسیاه حالا خودش کسی را دنبال خودش می‌فرستد. و اگر از ما بپرسید، باید بگوییم: دیگر هیچ نوع نخودی در چشم بازار امروز، سیاه نیست؛ همگی طلایی هستند و تعداد اندکی هم نفرهای.

وزیر جهاد کشاورزی: قیمت گذاری گوشت، توهین به شأن اجتماعی آن است

محمد میرزائی

هفت صبح



در نشست خبری پرحاشیه‌ای که بیشتر به یک جلسه عرفان عملی شبیه بود تا گزارش اقتصادی، وزیر جهاد کشاورزی با حالتی عارف‌مسلك، انگشت اشاره را بالا گرفت و گفت: «خواهش می‌کنم دیگر این اعداد عجیب‌وغریب را اعلام نکنید. گوشت یک میلیون؟ یک میلیون و دویست؟ نه خیر! این اعداد شان گوشت را پایین می‌آورند. گوشت، گوشت نیست. گوشت، نماد تلاش دامدار است. صهاره علف‌چرانی، نتیجه یک رابطه عمیق انسان و گاوا، گوشت یک مفهوم کیهانی‌ست، یک افق است، یک رویاست که نمی‌توان آن را در قالب صفر و یک فشرد!» وی در ادامه افزود: «اصلاً ما با گوشت به عنوان یک پدیده مادی طرف نیستیم؛ ما با گوشت به عنوان یک تجربه عرفانی روبه‌رو هستیم. همان‌طور که نمی‌توان قیمت دلتنگی را مشخص کرد، نمی‌شود برای گوشت، این ماده رازآلود، عدد گذاشت.»

ایشان با اشاره به اینکه رسانه‌ها باید نقش تربیتی خود را جدی بگیرند، افزودند: «ما نباید اجازه بدهیم گوشت، این کالای شریف، به‌به بازیچه شایعه‌سازان تبدیل شود. امروز یک عده می‌گویند قیمت گوشت یک میلیون است، فردا لابد می‌گویند از ابرها شیر می‌بارد» در ادامه خبرنگاری که به نظر می‌رسید ناهار نخورده باشد، با لحنی ملایم پرسید: «خب قربان، ما بالاخره گوشت بخیریم یا نخیریم؟ قیمت نهایی چقدره؟» وزیر با نگاهی عمیق و صدایی پر از آرامش پاسخ داد: «ببینید، قیمت گوشت مثل دمای بدن انسان است؛ متغیر، وابسته به شرایط، بستگی دارد به اینکه در کجا هستید، در چه زمانی خرید می‌کنید و چه کسی را می‌شناسید! نمی‌توان با یک دماسنج ساده واقعیت را سنجید.»

برخی خبرنگاران سعی کردند از بازار روز بعثت تا کوچه باغی در ولنجک قیمت بگیرند، ولی عده‌ها آن قدر متنوع بود که در نهایت تصمیم گرفتند به یک میانگین ذهنی بسنده کنند. در این میان، یکی از خبرنگاران با حالتی طنز گفت: «گوشت دیگر مثل یک سلبریتی شده؛ هر وقت خواستی ببینیش، با رفته شمال، با پشت در بسته جلسه‌ست.» در ادامه نشست، وزیر در پاسخ به اینکه مردم چه کنند، گفت: «مردم ما یاد گرفته‌اند با هر فنگ مصرفی جدید زندگی کنند. خیلی از خانواده‌ها به غذاهای گیاهی روی آورده‌اند، بعضی‌ها هم با نخود و سویا اخت شده‌اند. این نشان می‌دهد که ما در مسیر خودکفایی پروتئینی هستیم، نه گوشت‌محوری.» در پایان نشست، خبرنگاری گفت: «جناب وزیر، راستش ما دیگر گوشت نمی‌خریم. فقط درباراش حرف می‌زنیم.» وزیر در حالی که کیف چرم بزغاله‌اش را روی دوش می‌انداخت، پاسخ داد: «خب، پس شما در مسیر درستی هستید. حرف‌زدن درباره گوشت، کام اول در تحقق امنیت غذایی است.» کارشناسان اقتصادی معتقدند اگر شرایط به همین منوال ادامه یابد، گوشت از سفره‌ها حذف نمی‌شود، فقط به یک آتش تنم‌رغفانی بدل خواهد شد؛ چیزی شبیه قابلمه نذری روی یخچال؛ هست، ولی برای نگاه کردن.

بازار

قهوه داغ و رژ لب قرمز؛ روایت خوشی‌های کوچک در دل رکود

پیام رژ لب به بازار

- خوشی‌های کوچک احساس کنترل، امید و هویت را به افراد بازمی‌گرداند
- خرید یک رژ لب می‌تواند نقشی تسکینی برای مقابله با اضطراب مالی داشته باشد
- اثر لیبستیک، رفتار مصرفی امیدبخش در دوران رکود است که روان‌شناسی انسان را

فراتر از منطق اقتصادی نشان می‌دهد

مهدی خاکی فیروز
هفت صبح

شاید عجیب به‌نظر برسد که در میانه یک رکود اقتصادی شدید، فروش رژ لب یا قهوه بیرون‌بر افزایش پیدا کند. مگر نه این است که در روزگار تنگدستی، اولین چیزی که مردم از سید خرید خود حذف می‌کنند تجملات و خرج‌های غیرضروری است؟ یا این حال، واقعیت نشان می‌دهد که در دل تاریک‌ترین شب‌های اقتصاد، شعله کوچکی از مصرف‌گرایی لوکس همچنان زبانه می‌کشد. این پدیده کنجکاو ی رانگیز که با عنوان «اثر لیبستیک» شناخته می‌شود، روایت‌گر تمایل مردم به خرید خوشی‌های کوچک در سخت‌ترین دوران هاست.

اثر لیبستیک چیست؟

اثر لیبستیک در علم اقتصاد رفتاری به مشاهداتی اشاره دارد که طبق آن، مصرف‌کنندگان حتی در دوران رکود و فشار مالی نیز خرید کالاهای لوکس کوچک را کنار نمی‌گذارند. وقتی جیب‌ها آن قدر پر نیست که از پس خرید اقلام لوکس بزرگ مانند جواهرات یا لباس‌های طراحی‌دار برآیند، بسیاری از مردم باز هم برای خرید تجملات کم‌هزینه‌تر نظیر یک رژ لب یا قهوه بیرون‌بر پول پیدا می‌کنند. این کالاها حکم تسکینی برای فراموش کردن مشکلات مالی و حفظ ظاهر زندگی عادی را دارند.

نخستین‌بار لئونارد لودر، مدیر وقت شرکت استی لودر، پس از رکود اقتصادی سال ۲۰۰۱ در آمریکا این پدیده را مشاهده کرد. او متوجه شد که با وجود افت شاخص‌های اقتصادی، فروش رژ لب شرکتش رشد کرده است. لودر نام این پدیده را «شاخص رژ لب» گذاشت و گفت در شرایطی که توان خرید کالاهای گران نیست، مردم به سمت لوکس‌های ارزان‌قیمت می‌روند.

شواهد تاریخی از گذشته تا امروز

در رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ در آمریکا، در حالی که تولید صنعتی کشور به نصف کاهش یافته بود، فروش لوازم آرایشی رشد نشان داد. در آلمان نیز برندهایی مانند نیوا توانستند نیروهای خود را حفظ کنند. در رکودهای بعدی مانند بحران اوایل دهه ۹۰ یا پس از حادثه یازده سپتامبر، باز هم همین روند تکرار شد. فروش اقلامی مانند لوازم آرایشی، شکلات و حتی اکسسوری‌های مد بالا رفت، در حالی که خریدهای بزرگ‌تر سقوط کرده بود.

حتی در بحران مالی ۲۰۰۸، اگرچه فروش برخی کالاها کاهش یافت، اما این پدیده به شکل‌های دیگری ادامه داشت. در دوران کرونا، که استفاده از ماسک رایج شد، فروش رژ لب افت کرد اما فروش لوازم آرایش چشم رشد یافت. بعدها اصطلاح «شاخص ریمل» به جای شاخص رژ لب وارد ادبیات رسانه‌ای شد. این روند تنها به محصولات آرایشی محدود نبود. در چین، با افت رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۹، فروش لوازم آرایش به شکل چشمگیری افزایش یافت. در ژاپن، زمانی که مصرف پوشاک کاهش یافت، فروش اکسسوری رشد نشان داد. در همه این نمونه‌ها، یک الگوی رفتاری ثابت دیده می‌شود: مردم در سختی‌ها به کالاهایی پناه می‌برند که کوچک‌اند، اما حس تجمل و لذت را القا می‌کنند.

روان‌شناسی پشت این پدیده

در پس اثر لیبستیک، چندین لایه روانی قرار دارد. نخست، نقش امید و حفظ روحیه است. در روزگار سختی، خرید یک رژ لب یا یک شکلات می‌تواند مثل روشن کردن شمع‌ی در تاریکی باشد. مردم نیاز دارند احساس کنند زندگی هنوز ادامه دارد و خرید یک آیتم کوچک می‌تواند این حس را منتقل کند. دوم، مکانیزم جبران و کویپنگ روانی است. وقتی نمی‌توانیم بسر جنبه‌های کلان زندگی مثل شغل، مسکن یا آینده مالی تسلط داشته باشیم، با خرید چیزی کوچک احساس کنترل موقتی به مابازمی‌گردد. این رفتار نوعی مصرف جبرانی است. سوم، نقش عزت‌نفس و هویت شخصی است. بسیاری از افراد، هویت خود را با کالاهایی که می‌خرند تعریف می‌کنند. رژ لب، قهوه، عطر یا کیف کوچک ممکن است ظاهر ساده باشند، اما در ذهن فرد، نماد «هن شایسته» یا «هن قدرتمند» هستند. خرید این اقلام، بازسازی نمادین اعتماد به نفس و حفظ تصویر شخصی است.

چهارم، نقش خرده‌درمانی یا retail therapy است. تحقیقات نشان می‌دهد خرید کردن، مخصوصاً وقتی کنترل آن در اختیار فرد باشد، منجر به ترشح دوپامین می‌شود و خلق را بهتر می‌کند. فرایند انتخاب، خرید و حتی باز کردن بسته‌بندی، لحظاتی از تسلط و رضایت ایجاد می‌کند که در میانه بحران اقتصادی کمیاب‌اند.

ایران و لیبستیک‌هایش

در ایران نیز این پدیده به‌وضوح قابل مشاهده است. ایرانیان همواره در صدر مصرف‌کنندگان لوازم آرایش در خاورمیانه بوده‌اند. حتی در سال‌هایی که تورم افسار گسیخته، نرخ ارز متلاطم و قدرت خرید در سرانشیبی بود، فروشگاه‌های آرایشی و عطر فروشی‌ها همچنان رونق داشتند. به‌سختی می‌توان در خیابان‌های تهران یا شهرهای بزرگ قدم زد و با ویرترین‌های درخشان لوازم آرایشی مواجه نشد.

از سوی دیگر، فرهنگ کافه‌نشینی، با وجود بالا رفتن هزینه‌ها، همچنان در میان جوانان پابرجاست. یک فنجان قهوه، حتی اگر گران شده باشد، هنوز در نگاه بسیاری از مردم شهری، «لحظه‌ای از زندگی عادی» محسوب می‌شود؛ یک پناهگاه کوچک از فشار اقتصادی. در سال‌هایی که سفر خارجی و خرید کالای لوکس برای بسیاری غیرممکن شده بود، پرفروش‌ترین اقلام بازار چیزهایی بودند که نه ضروری‌اند، نه خیلی ارزان؛ شکلات خارجی، قهوه برند، عطر جیبی و لوازم تزئینی کوچک. در حقیقت، در ایران هم مانند بسیاری نقاط جهان، مصرف‌کننده ترجیح می‌دهد از رویاهای بزرگ بگذرد، اما در خوشی‌های کوچک خودش را سراپا نگه دارد.

خطرات و نقدها

اثر لیبستیک در کنار وجه مثبت روانی‌اش، ابعد نگران‌کننده‌ای هم دارد. یکی از آن‌ها این است که این نوع مصرف‌گرایی در صورت تکرار، می‌تواند اقتصاد خانوار را به‌تدریج دچار فرسایش کند. خریدهای کوچک اگر کنترل نشده باشند، به مرور تبدیل به هزینه‌های بزرگ می‌شوند. مفهومی به نام

«اثر لاتِه» در همین راستاست:

خرج‌های کوچک روزانه (مثل قهوه یا خوراکی‌های خاص) اگرچه بی‌ضرر به‌نظر می‌رسند، در بلندمدت بخش بزرگی از درآمد را می‌بلعند.

از سوی دیگر، این نوع رفتار مصرفی می‌تواند به نوعی فریب ذهنی منجر شود. فرد احساس می‌کند با یک رژ لب یا یک قهوه، زندگی‌اش همچنان بر روال است، در حالی که مشکلات اقتصادی او پابرجا هستند. این فاصله میان «حس خوب کاذب» و «واقعیت تلخ» در بلندمدت می‌تواند به خستگی روانی، بحران مالی و از بین رفتن هدف‌های بلندمدت منجر شود.

پیوند با سایر نظر یه‌ها

اثر لیبستیک با مفاهیم دیگری در اقتصاد رفتاری گره خورده است. مثلاً «حساداری ذهنی» که توضیح می‌دهد چرا ما برای خرج‌های کوچک بودجه جداگانه می‌سازیم و آن‌ها را بی‌خطر می‌پنداریم. یا «اثر هاله‌ای» که می‌گوید برندهای لوکس با درخشش خود، ما را ترغیب می‌کنند تا حتی نسخه ارزان آن‌ها را بخریم و حس تعلق به آن جهان پرزرق‌وبرقی را تجربه کنیم. همچنین «FOMO» یا ترس از عقب‌ماندن نیز به این پدیده دامن می‌زند. در شبکه‌های اجتماعی، همه در حال نمایش مصرف‌اند؛ از قهوه تا لوازم آرایش. ما هم می‌خواهیم از قافله جانمانیم، حتی اگر دخل‌مان با خرج‌مان جور نیست.

سخن پایانی

اثر لیبستیک نشان می‌دهد که اقتصاد فقط درباره پول نیست؛ درباره امید، عزت‌نفس و نیاز انسان به بقا در برابر بحران هم هست. این پدیده تلنگری است برای سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران که در کنار آمار، نبض احساس مردم را نیز بشنوند. دل خوشی‌های کوچک، گرچه به‌ظاهر بی‌اهمیت‌اند، اما می‌توانند انسان را در میانه سخت‌ترین توفان‌ها سراپا نگه دارند.

امامین دل خوشی‌ها نباید جای حقیقت را بگیرند. جامعه‌ای که برای بقا به خوشی‌های زودگذر پناه می‌برد، در بلندمدت از مسیر توسعه و رفاه واقعی بازمی‌ماند. ما به رژ لب نیاز داریم، اما به امنیت شغلی، آموزش مالی و چشم‌انداز اقتصادی هم.

همه ما حق داریم گاهی برای خردمان قهوه بخریم یا لبخندمان را با یک رژ لب تقویت کنیم. اما ای کاش آن قدر زندگی‌مان باثبات بود که این دل‌خوشی‌های کوچک، انتخاب باشند نه تنها پناهگاه.

این نوع مصرف‌گرایی در صورت

تکرار، می‌تواند اقتصاد خانوار

را به تدریج دچار فرسایش

کند. خریدهای کوچک اگر

کنترل نشده باشند، به مرور

تبدیل به هزینه‌های بزرگ

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

می‌شوند

شدید مثل جنوب اسپانیا یا ایتالیا، قوانین سختگیرانه‌ای برای استفاده از کولر وجود دارد. مثلاً اسپانیا برای ادار‌های دولتی، دمای محیط را در تابستان بالاتر از ۲۷ درجه و در زمستان پایین‌تر از ۱۹ درجه نگه می‌دارند. در ایتالیا تخطی از این قانون بین ۵۰۰ تا ۳۰۰۰ یورو جریمه دارد. حتی اگر هنگام استفاده از سیستم سرمایشی، پنجره‌ای باز بماند، در آلمان با جریمه مواجه می‌شوید! این در حالی است که در ایران چنین محدودیت‌هایی وجود ندارد و عملاً با تبلیغات غیرمستقیم در فروشگاه‌ها، مردم به خرید کولر‌های پر مصرف تشویق می‌شوند. مدنی با استناد به قوانین اتحادیه اروپا، یادآور می‌شود که از سال ۲۰۲۷ بسیاری از کولر‌های مبتنی بر گازهای F یا HFC که هم مصرف بالا

بی‌کیفیت و پر مصرف، به یکی از عوامل مهم ناترازی انرژی در کشور تبدیل شده است. او می‌گوید: «وقتی در پایتخت، فروشگاه‌های بزرگ با تبلیغات هدفمند و فروش اقساطی کولر‌های گازی بی‌نام و نشان، مردم را به خرید دستگاه‌هایی با مصرف برق بالا سوق می‌دهند، در واقع دارند آتش به ریشه شبکه برق کشور می‌زنند.»

به گفته او، در کشورهای اروپایی حتی در مناطقی با گر‌مای

بی‌کیفیت و پر مصرف، به یکی از عوامل مهم ناترازی انرژی در کشور تبدیل شده است. او می‌گوید: «وقتی در پایتخت، فروشگاه‌های بزرگ با تبلیغات هدفمند و فروش اقساطی کولر‌های گازی بی‌نام و نشان، مردم را به خرید دستگاه‌هایی با مصرف برق بالا سوق می‌دهند، در واقع دارند آتش به ریشه شبکه برق کشور می‌زنند.»

به گفته او، در کشورهای اروپایی حتی در مناطقی با گر‌مای

بی‌کیفیت و پر مصرف، به یکی از عوامل مهم ناترازی انرژی در کشور تبدیل شده است. او می‌گوید: «وقتی در پایتخت، فروشگاه‌های بزرگ با تبلیغات هدفمند و فروش اقساطی کولر‌های گازی بی‌نام و نشان، مردم را به خرید دستگاه‌هایی با مصرف برق بالا سوق می‌دهند، در واقع دارند آتش به ریشه شبکه برق کشور می‌زنند.»

به گفته او، در کشورهای اروپایی حتی در مناطقی با گر‌مای

کولر گازی یا

بحران پنهان؟

در روزهایی که مردم برای فرار از گرمای هوا چشم به کولر دارند، یک پرسش مهم کمتر شنیده می‌شود: چرا در مناطقی مانند تهران، استفاده از کولر گازی این قدر عادی شده، در حالی که اقلیم آن نیازی به چنین دستگاه‌هایی ندارد؟ سیدطه حسین مدنی، کارشناس لوازم برقی، درباره این موضوع حرف‌هایی دارد که باید جدی گرفته شود. مدنی هشدار می‌دهد که ترویج بی‌رویه کولر‌های گازی، آن هم از نوع



دارند و هم به لایه ازن آسیب می‌زنند، دیگر اجازه ورود به بازار اروپا را نخواهند داشت. او همچنین به سیستم برچسب گذاری انرژی در اروپا اشاره می‌کند که بسیار دقیق و با ضمانت قانونی است. در پر تفال و یونان، خرید کولر با برچسب پایین‌تر از استاندارد، شامل مالیات‌های سنگین می‌شود؛ اما در ایران برچسب‌ها گاهی صرفاً روی کاغذ هستند و راندمان واقعی دستگاه‌ها در مصرف خانگی بسیار پایین‌تر از چیزی است که اعلام می‌شود. مدنی تاکید می‌کند که استفاده از کولر گازی ۲۰ هزار BTU در تهران با شرایط اقلیمی این شهر همخوان نیست. در شرایطی که شبکه برق کشور با کمبود مواجه است، ترویج چنین دستگاه‌هایی به جای کاهش مصرف، بحران را عمیق‌تر می‌کند.



ایراندوست

تاریخ تبریز وامدار «آقای میراث»

فرشید باغشمال
هفت صبح



«تبریز دهه ۷۰» به‌بحوحه غائله‌های سیاسی، تنگناهای اقتصادی و ساخت‌وسازهای پس از جنگ، ملول از خطاها و خدمت‌های پرشمار است. در آن وضع آشفته، همه‌چیز اولویت داشت، جز میراث فرهنگی! این‌جا بود که مردی از خویش برون آمد و میراث فرهنگی شهر را به آغوش کشید، برای خانه‌های تاریخی تبریز «پدری» کرد؛ موزه‌ها را اسامان داد، بار و برگ برپشتی را به دوش کشید و از همه‌مهم‌تر، بازار تاریخی تبریز را جهانی کرد. سخن از استاد «اکبر تقی‌زاده» معمار، مترجم و مدیر دلسوز میراث فرهنگی آذربایجان شرقی در دهه ۷۰ است. مهندس تقی‌زاده، متولد ۱۳۲۷ در محله تاریخی نویر تبریز است. او نیز مانند بسیاری از بزرگان این شهر، درس خوانده «دبیرستان فردوسی» است و فوق‌لیسانس معماری را در دانشگاه ملی (شهید بهشتی امروز) گذرانده‌است. از او به‌عنوان نخستین مدیر میراث فرهنگی در آذربایجان شرقی یاد می‌شود. گرچه اداره میراث، پیش از تقی‌زاده در تبریز وجود داشت، اما صرفاً روی کاغذ بود! ضعف بودجه، کمبود نیروی انسانی و از همه‌مهم‌تر، ضعف بستر قانونی، اجازه نمی‌داد میراث فرهنگی به‌عنوان یک نهاد فعال و تاثیرگذار در استان دیده شود. مجموع اعتبارات میراث فرهنگی آذربایجان شرقی که اردیبهل امروز نیز جزوی از آن بود، کمتر از ۵میلیون تومان بود. تقی‌زاده در چنین شرایطی، سال ۱۳۷۴ وارد میراث فرهنگی تبریز شد و دوره تحول این مجموعه را رقم زد.

تبریز، دارالسلطنه قاجار، روزگاری گنجینه‌خانه‌های تاریخی بود؛ گنجینه‌ای که با توسعه بی‌رویه شهر، رو به زوال نهاد. امروز کمتر از یکصد خانه تاریخی در تبریز باقی است. اگر نبود همت و مدیریت مهندس تقی‌زاده، همین خانه‌ها نیز در دهه ۷۰ تخریب شده بود. استاندار آذربایجان شرقی در دهه ۷۰، در خطرات خود نقل می‌کند که «یک روز مهندس تقی‌زاده آمد و گفت آقا چه نهنسته‌ای که در محله مقصودیه، در حال تخریب یک خانه نفیس تاریخی‌اند. با اصرار آقای تقی‌زاده، قبل از خواندن نماز، به محله مقصودیه رفتم، ساختمان باارزش و نفیسی بود که هر ک‌رده بودند. سفکش ریخته بود و زیرزمین پر از خاک شده بود... آن خانه را ۳ میلیون تومان خریدیم. آقای تقی‌زاده شروع به مرمت خانه کرد و همزمان به من اطلاع داد که پشت آن ساختمان، سه بنای دیگر هم هست که ارزش تاریخی دارند؛ یکی از بناها متعلق به دوره زندیه، یکی دیگر متعلق به عصر صفویه و دیگری هم مربوط به دوران قاجار. هر سه خانه را هم خریدیم. هر چهار خانه را مرمت کردیم و دیوارهای آن‌ها را برداشتم و با یکدیگر ادغام کردیم و آنجا ساختمان دانشکده بین معماری و شهرسازی تبریز شد.» و امروز مجموعه خانه‌های تاریخی گنججای، قدکی، صدقیانی و شهنام، از زیباترین پردیس‌های دانشگاهی ایران است. از ایده‌های مردمی مهندس تقی‌زاده در دوران مدیریت میراث، مردمی‌سازی حوزه مرمت و احیا است، حتی با توصیه او، کارگاه‌های مرمت آثار، به سوی عموم باز می‌شوند تا مردم بتوانند از نزدیک طرح‌های مرمت را ببینند. او خانه‌های تاریخی را تجلی هویت و وحدت فرهنگی ایرانیان می‌داند. طرح ملی پردیسان، پروژه‌ای است که از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶ بر اساس همین باور ملی‌گرایانه شکل گرفت و منجی بخش اعظمی از خانه‌های تاریخی ایران شد.

تحول موزه‌ای تبریز توسط مهندس تقی‌زاده رقم خورده‌است. خانه‌موزه‌های مشروطه، قاجار، سنجش و سفال، با تدبیر استاد تقی‌زاده، حفظ و احیا شدند و امروزه به‌عنوان موزه‌های تخصصی و جذاب در تبریز شناخته می‌شوند. سامان‌دهی و مرمت اساسی «موزه آذربایجان» (از طرح‌های آن‌ده گدار) از دیگر اقدامات مهندس تقی‌زاده در این سال‌ها است. افسوس که با تغییر دولت در سال ۸۴، ایده‌های جذاب مهندس برای راه‌اندازی موزه‌های موضوعی نظیر موزه تئاتر عروسکی، موزه ادیان، موزه نجوم، موزه کودک، موزه محرم و موزه نگارگری، ره به جایی نبرد. باور اساسی مهندس تقی‌زاده در مدیریت، تکیه بر همراهی مردم است. همین باور باعث شد محتوای موزه‌های تبریز در دهه ۷۰ با همراهی خاندان‌های اصلی و قدیمی تبریز به خوبی تأمین شود. اقلام ارزشمندی که امروز در موزه مشروطه، موزه قاجار و موزه سنجش در معرض دید عموم است، مرسوم همین روحیه ایثان است. اوج مرددکاری مهندس تقی‌زاده، در مرمت، احیا و ثبت جهانی بازار تبریز به ثمر نشست. آن طور که خودشان نقل می‌کنند: «بازار، اهمیت خود را از دست داده‌بود. تفرش، راهی پاساژهای اطراف شده‌بودند و برخی محصولات تبدیل به انباری شده بود. این وضعیت را تنها با کمک بازاریاران می‌شد اصلاح کرد. وقتی اولین سراها و تیمچه‌ها، مرمت شد، بازاریان دیدند که «مرمت» چه تأثیری بر کار و کاسبی‌شان دارد. راسته‌ها، تیمچه‌ها، سراها و دالان‌ها، بسا مشارکت و مدیریت بازاریان، به سامان رسیدند.» چطور ممکن بود قشر سنتی بازار را متقاعد کرد که به دیوار حجره موخ میخ زنند، در معبر جلوی حجره، بساط نچیند، کف حجره را آب نکیرد و در مغازه اجاق روشن نکند؟ اما تک‌تک اصناف، با همراهی و تعصب ستودنی، میراث را در احیای بازار یاری کردند. نتیجه مرهمداری مهندس تقی‌زاده این شد که بازار تبریز به ثبت جهانی رسید و جایزه معماری آقاخان راز از آن خود کرد. نام مهندس تقی‌زاده، بیش از هر موضوعی با ماجرای غم‌انگیز ارگ، عجین است. امام جمعه وقت تبریز بر اجرای پروژه‌های احیای اصرار داشت. پیشنهاد دولت نیز این بود که بگذارد آن حفاری‌های محوطه ارگ آغاز شود، در عوض، مصلی با هزینه دولت در جایی دیگر احداث شود. پیشنهادی که فی‌المجلس، مورد پذیرش امام جمعه قرار گرفته بود. خود مهندس تقی‌زاده در مصاحبه‌ای گفته «خطای بزرگ ما این‌س بود که این توافق را صورت‌تجلسه نکردیم.» چند روز بعد، عساده‌ی برخلاف آن توافق شفاهی، لودرها را راه انداختند و شد آن‌چه نباید می‌شد. لایه‌های تاریخی محوطه ارگ، زیر و زبر شده بود و دیگر قابلیت حفاری نداشت. نقل است در میان

نخاله‌های ارگ، خشت‌های ایلخانی و کتیبه‌های کوفی دیده شده بود. در مستند «آقای میراث» که اخیراً توسط دوست مستندسازم علی خیرخواه تهیه شده، از مهندس پرسیدم، سخن تازه‌ای درباره ارگ دارید؟ به سحتی و با بغض‌های پیاپی پاسخ داد: «هفته قبل، یکی از دوستانم می‌گفت این بنا ظرفیت ثبت جهانی دارد. حیف‌است! شروع کنیم پرونده‌اش را کار کنیم. دوستم دیگری گفت میراث تبریز و چه نیست. ارگ غم‌انگیزترین فصل میراث تبریز و چه بسا ایران است.»

آن ساخته شده که تعداد کمی در ایران و هنگام رونمایی از آن در موزه ملی فروخته شد و بیشتر در خارج از کشور به فروش رفت. هر کسی هم علاقه تهیه آن را داشته باشد می‌تواند سفارش خود را به موزه ملی اعلام کند تا برایش تهیه شود. جلوه تأکید کرد که هدفش از تولید و احیای این بازی باستانی درآمزی نیست. او می‌گوید: بیشترین هدفم نشان دادن تمدن و فناوری ایرانیان باستان به جهانیان است و تاکنون هرچه در آمد از این بازی بوده اعم از فروش فیزیکی و برگزاری نشست و کنفرانس، توسط خیریه‌ای به بچه‌های سیستان و بلوچستان اختصاص داده شده است. او ادامه می‌دهد: نظر شخصی‌ام این است که موزه ملی باید تعدادی را بخرد و از طریق فروشگاه‌ای که دارد خودش به بازدیدکنندگان بفروشد. بالاخره اصل این بازی در موزه ملی نگهداری می‌شود و این احیای روی یکی از اشیای موزه ملی صورت گرفته‌است.

بازی‌های مکشوفه دوران باستان

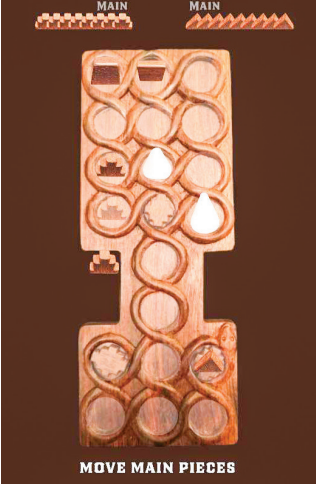
تاکنون بیش از صد مورد نوع بازی‌های فکری باستانی با الگوها، اشکال و مواد مختلف مانند چوب، خشت و سنگ کشف شده است که بر خسی از آنها را معرفی می‌کنیم: بازی «سنت» ۳۱۰۰ سال قبل از میلاد پیش در مصر باستان اشاره کرد که یکی یکی از قدیمی‌ترین بازی‌های تخته‌ای شناخته‌شده در جهان است و جنبه دینی و نمادین داشته و با سفر روح به دنیای پس از مرگ مرتبط بوده است. بازی سلطنتی اور با قدمت ۲۶۰۰ سال پیش از میلاد باقی مانده از تمدن سومر که در بین‌النهرین کشف شد. بازی شهر سوخته با تاریخ ۲۶۰۰ تا ۲۷۰۰ قبل از میلاد شامل ۲۰ خانه و ۳۱ مهره که کامل‌ترین بازی باستانی کشف شده است. بازی گو متعلق به ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد در چین که هنوز هم طرفدار دارد. بازی ماناکلا که نسخه‌های اولیه آن به حدود ۱۴۰۰ قبل از میلاد برمی‌گردد و در شرق آفریقا کشف شده، این بازی و محاسبات ریاضی دارد و با سوراخ‌هایی روی تخته و با دانه یا سنگریزه بازی می‌شده است. بازی ماناکلا که نسخه‌های اولیه آن به حدود ۱۴۰۰ قبل از میلاد بر می‌گردد و در شرق آفریقا کشف شده، این بازی محاسبات ریاضی دارد و با سوراخ‌هایی روی تخته و با دانه یا سنگریزه بازی می‌شده است.

این درست نیست که بگوییم شطرنج از بازی شهر سوخته ساخته شده زیرا بازی شطرنج بازی بدون تاس و کاملاً فکری و بدون دخالت شانس است اما بازی شهر سوخته بازی دونفره رقابتی با تاس است که هم عنصر شانس و هم فکر و راهبرد بازیگران در آن موثر بوده است و در این بازی نشانه‌هایی از شطرنج را می‌توان دید. این به این معناست که مردمانی در فلات ایران بازی پیچیده‌تر و فکری‌تری را در مقایسه با بازی سلطنتی اور بازی می‌کرده‌اند و می‌توان گفت بازی مربع از شرق به غرب رفته است.



مرمت و حشره‌شناسی فرهنگی قرار می‌دهند و فرآیندهای مستندسازی آثار طبق پروتکل‌های ملی و سامانه‌های ثبت اموال فرهنگی به‌صورت منظم انجام می‌شود.

از محفظه‌های لوله‌ای موسوم به کفراژ که با مواد غیر اسیدی، پوششی‌های ضدآفات، کنترل رطوبت و نور و محیط‌ایزوله طراحی شده‌اند، امکان نفوذ هر گونه جانور موذی را عملاً منتفی می‌سازد. همچنین گفته می‌شود که کارشناسان این موزه، فرش‌های موزه، چه در بخش نمایشگاهی و چه در مخازن را به‌صورت مستمر تحت نظارت کارشناسان نساجی،



تا آن را احیا کنیم. برای رمزگشایی از چند ریاضیدان کمک گرفتیم اما راهگشا نبود و تصمیم گرفتیم خودم تلاش بکنم. حدود هشت ماهی وقت گذاشتم تا بالاخره یک‌روز به صورت اتفاقی یکی از مهره‌های اصلی رمزگشایی شد و بعد هم قانون بازی درآمد. تخته بازی شهر سوخته که احیاگرش آن را به بازی ۲۰ می‌ناسد، این شانس را داشت که احیا شود تا مردمان قرن ۲۱ با بازی فکری مردمان ۴۷۰۰ سال پیش آشنا شوند. جلوه می‌گوید: می‌توان عنوان کرد که این مجموعه، تنها بازی باستانی فکری است که در آن هر مهره، معنا و کارکرد خاص خود را داشته به گونه‌ای که چنین عملکردی را نیز در مقاله اطلاعات این بازی تنها روی کاغذ در کتاب‌های علمی باقی مانده بود تا اینکه پس از حدود ۴۰ سال، یک جوان ایرانی متولد انگلیس که از قضا کارشناس کامپیوتر و برنامه‌نویسی است اما علاقه‌مند به تاریخ و هویت ایران، به صورت اتفاقی این مقاله‌ها را خواند و عزم خود را جزم کرد تا این بازی باستانی را که به اعتقاد عده‌ای، جد تخته‌نرد است، احیا کند.

این درست نیست که بگوییم شطرنج از بازی شهر سوخته ساخته شده زیرا بازی شطرنج بازی بدون تاس و کاملاً فکری و بدون دخالت شانس است اما بازی شهر سوخته بازی دونفره رقابتی با تاس است که هم عنصر شانس و هم فکر و راهبرد بازیگران در آن موثر بوده است و در این بازی نشانه‌هایی از شطرنج را می‌توان دید. این به این معناست که مردمانی در فلات ایران بازی پیچیده‌تر و فکری‌تری را در مقایسه با بازی سلطنتی اور بازی می‌کرده‌اند و می‌توان گفت بازی مربع از شرق به غرب رفته است.

معرفی آثار باستانی به زبان ساده یا همکاری کمبریج «سام جلوه مقدم» در این باره به روزنامه هفت صبح می‌گوید: از سال ۲۰۲۲ با همکاری دانشگاه کمبریج، پروژه‌ای به نام شگفتی‌های ایران طراحی کردم که هدف از آن معرفی آثار باستانی به زبان ساده و قابل فهم برای عموم است. از آنجا که مردم عادی کمتر از سمینارهای علمی باستان‌شناسی استقبال می‌کنند، این پروژه راه‌اندازی شد تا همان پژوهشگران، نتایج پژوهشی خود را این بار با زبان ساده بیان کنند. برای برگزاری این نشست‌ها، کاتالوگی طراحی می‌شود که پژوهشگر خودش محتوای آن را تولید کرده است، اگر شگینی وجود دارد بازسازی می‌شود تا مردم از نزدیک آن را ببینند و لمس کنند و همه چیز مهیا می‌شود تا تاریخ ایران معرفی شود. بزرگداشت کوروش کبیر، تاریخ موسیقی ایلام و خاورمیانه، رمزگشایی خط ایلامی و البته تاریخ تخته‌بازی‌ها از برنامه‌هایی بوده که تاکنون اجرا شده است. او توضیح می‌دهد: برای نشست بعدی در حال پژوهش بودم که با مقاله‌های منتشره درباره بازی شهر سوخته آشنا و بسیار علاقمند شدم

گره‌ای که اداره میراث تهران باز نکرد، به دست معاون میراث فرهنگی کشور باز شد

سمپاشی موزه ملی فرش

روز یک گروه متخصص که روی سسم‌ها، مناسب برای مواد آلی پژوهش کرده بودند، راهی موزه ملی فرش شدند و سمپاشی را به مدت سه روز آغاز کردند. وضعیت چهار موزه ملی کشور که با وجود مخالفت کارشناسان زیر نظر اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور اداره می‌شود، مبهم و غیر حرفه‌ای است. موزه‌های رضا عباسی، نقاشی پشت شیشه، فرش و

الکاویرا تیموری | سه سال بود که موزه فرش ایران سمپاشی مخازن و سالن‌ها را در نامه‌های متعدد از اداره کل میراث فرهنگی استان تهران درخواست کرده بود اما همه نامه‌ها بی‌جواب ماند تا اینکه در نشست خبری علی دارابی، معاون میراث فرهنگی کشور یکی از خبرنگاران از او درباره حضور موش‌ها در موزه ملی فرش پرسید، دارابی گرچه موکول کرد به بررسی اما فرادی همان

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی توپسرکان

نظر باینکه هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک توپسرکان به موجب رای شماره ۱۴۰۳/۳۲۴/۰۰۰۰۰۸۱۷۸ مورخه ۱۴۰۲/۱۰/۰۱ تصرفات مالکانه حسن سوری فرزند یحیی متقاضی در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۵۸/۷۶ مترمربع به فاصله ۶ پلاک شماره ۴ اصلی واقع در بخش ۵ توپسرکان روستای مالچیه محرز گردیده است. لذا مقدار رای صادره باسنداد ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون مذکور در نویت به فاصله ۱۵ روز در این روزنامه آگهی می گردد در صورتیکه شخصی یا اشخاص ذینفع به رای صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت توپسرکان تسلیم و رسید عرض حال جهت ارائه به دادگاه صالحه دریافت نمایند ضمنا معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع قضایی دادخواست تقدیم و رسید آن را به ثبت محل ارائه نمایند در غیر اینصورت متقاضی می تواند گواهی عدم دادخواست را از دادگاه دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید که اداره ثبت نیز بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را برابر مقررات ادامه خواهد داد. ضمنا صدور سند مالکیت مانع مراجعه معترض به دادگاه نمی باشد. م الف/۲۲۵

تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵

تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

محمد علی جلیلودن

مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک توپسرکان

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد

هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابری شماره۱۴۰۴/۱۵۲۶مورخه۱۴۰۴/۰۲/۰۱هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرادحثیتی حوزه ثبت ملک اسداباصرفات مالکانه بلامعارض سیروس وفاقلی فرزند خداداد بشماره شناسنامه ۱۳۲۰صادره ۱۵۴۷ازاسداباد درشش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی دارای کاربری تریمال به مساحت ۱۵۰۰مترمربع پلاک شماره ۳۰۱فرعی از ۶۶اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسداباد بالاترازشهرک جانبازان خریداری ازمالک رسمی امیرخان رسول شعبانی فرزند ابراهیم محرز گردیده است.لذا به منظوراطلاع عموم مراتب درنو نویت به فاصله ۱۵روز آگهی می شوددرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشندمی توانندتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم و پس ازاختبرسدیظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. م الف/۲۲۵

محسن حضری

رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد

نویت چاپ اول: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵

نویت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد

هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابری شماره۱۴۰۴/۱۰۸۵مورخه۱۴۰۴/۰۲/۰۱هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرادحثیتی حوزه ثبت ملک اسداباصرفات مالکانه بلامعارض سیروس وفاقلی فرزند خداداد بشماره شناسنامه ۱۳۲۰صادره ۱۵۴۷ازاسداباد درشش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۰۲/۲۲مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۴۴اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسداباد روستای حسام آباد خریداری ازمالک رسمی خداداد وفاقلی فرزند بدالله محرز گردیده است.لذا به منظوراطلاع عموم مراتب درنو نویت به فاصله ۱۵روز آگهی می شوددرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشندمی توانندتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم و پس ازاختبرسدیظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. م الف/۱۸۰

محسن حضری

رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد

نویت چاپ اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

نویت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵

چهارگوشه دنیا



تکثیر ایلان ماسک در دولت آلمان

با ورود کارستن ویلدبرگر به کابینه فریدریش مرس، آلمان وزار تخانه‌ای نو برای نوسازی دیجیتال دولت بنا کرد



با تصمیمی بی سابقه، صدراعظم آلمان، فریدریش مرس، یکی از مدیران برجسته بازار گانی را به قلب دولت فراخواند تا ساختار فرسوده بوروکراسی این کشور را از نو بازسازی کند. کارستن ویلدبرگر ۵۵ساله که تا دو هفته پیش مدیر یک شرکت بزرگ خرده‌فروشی الکترونیک بود، حالا مسئول هدایت وزارت تازه‌تأسیسی است با عنوان «وزارت دیجیتال‌سازی و نوسازی دولت». ویلدبرگر که در زمان انتصاب هنوز عضوی از حزب دموکرات‌مسیحی نبود، هفته گذشته به‌طور رسمی به این حزب پیوست اما حوزه مسئولیت او فراتر از معمول است: پنج وزارت‌خانه و دفتر صدراعظم بخشی از وظایف خود را به این نهاد تازه سپرده‌اند. از این پس، هر آنچه به سامانه‌های رایانه‌ای دولت مربوط می‌شود، زیر نظر وی اداره خواهد شد. تا پیش از این، ویلدبرگر تنها در عرصه مدیریت بازار فروشگاه‌های زنجیره‌ای فعال بود؛ اما اکنون مأموریتی متفاوت برعهده دارد: بازتعریف نقش دولت در دوران دگرگونی‌های دیجیتال.

نسخه آلمانی ایلان ماسک؟

همزمانی مأموریت ویلدبرگر با طرح‌های مشابه در ایالات متحده، زمینه را برای مقایسه او با ایلان ماسک فراهم کرده است، کارآفرینی که ریاست «وزارت بهره‌وری دولت» را در کابینه دوم دونالد ترامپ برعهده دارد. هر دو به دنبال کاهش تشریفات اداری و افزایش سرعت و کارآمدی ساختار دولت هستند. نیکلاس پوترافکه، اقتصاددان و مدیر مرکز اقتصاد عمومی در مونیخ، بر این باور است که نقطه مشترک این دو، قدرت برهم‌زنندگی آنهاست: «یعنی انجام امور به شیوه‌ای نو و از نو فکر کردن؛ حذف روندهایی که سال‌هاست ناکارآمدی آنها روشن شده است.» با این حال، ویلدبرگر به‌مراتب آرام‌تر و میانه‌روتر است. او در نخستین بیانیه رسمی



الماس خلیج فارس در چنگ معامله گر

دونالد ترامپ در سفری پرهیاهو به خلیج فارس با قرار دادهای کلان و همراهی غول‌های فناوری، دیپلماسی منطقه را به میدان معاملات اقتصادی بدل کرد

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در سفری سه‌روزه به عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی، با تمرکز بر جذب سرمایه‌گذاری‌های عظیم، رویکرد معامله‌محور خود را به نمایش گذاشت. این سفر که از ۱۳ می ۲۰۲۵ در ریاض آغاز شد، به دلیل حجم قراردادها، حضور چهره‌های برجسته فناوری و حاشیه‌های دیپلماتیک، در کانون توجه جهانی قرار گرفت.

عربستان: شروعی درخشان با ۶۰۰ میلیارد دلار

ترامپ در ریاض با استقبال گرم محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، روبه‌رو شد. در مجمع سرمایه‌گذاری عربستان-آمریکا، ریاض متعهد به ۶۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در آمریکا شد که شامل ۱۴۲ میلیارد دلار قرارداد تسلیحاتی بود. البته مشخص نیست آیا این قرارداد شامل قرارداد معلق پیشین هم خواهد شد یا خیر. حضور چهره‌هایی چون ایلان ماسک، مدیرعامل تسلا و اسپیس‌ایکس، لری فینک، مدیرعامل بلک‌راک و استفن شوارتزمن، مدیرعامل بلک‌استون وزن اقتصادی این رویداد را نشان می‌داد. ترامپ اعلام کرد این سرمایه‌گذاری‌ها، میلیون‌ها شغل در آمریکا ایجاد می‌کند. شاید ایلان ماسک و شرکت‌های نامدارش به چشم و گوش مخاطبان آشنا باشد اما باید بگوییم بلک راک و بلک استون،

خود گفت: «هدف من این است که آلمان به مرکزی رقابتی و نوآور در زمینه فناوری‌های نوین تبدیل شود. برای رسیدن به این هدف، باید دولتی کارآمد، پاسخگو و دیجیتال داشته باشیم.» همچنین از «احترام، کنجکاوی، اراده و کار گروهی» به عنوان اصول راهبردی خود نام برد و وعده داد با «سرستختی دوستانه» مسیر اصلاح را ادامه دهد.

ویلدبرگر به‌صراحت اعلام کرده است که می‌خواهد ساختار قانون‌گذاری را ساده‌تر کند. در نشست با نمایندگان بخش خصوصی، او پیشنهاد داد: «برای هر قانون تازه، باید دو قانون پیشین لغو شود. آیا این شدنی است؟» او حتی دو قانون مشخص را نیز نام برد: یکی قانون زنجیره تأمین که شرکت‌ها را نسبت به رعایت حقوق بشر در خریدهای بین‌المللی مسئول می‌داند؛ و دیگری قانون جدید گرماشخ ساختمان‌ها با هدف کاهش آلایندگی. وی معتقد است این قوانین بار مضاعف بر دوش تولیدکننده و مصرف‌کننده می‌گذارند. برخی کارشناسان هشدار داده‌اند که ورود مدیران شرکت‌های خصوصی به کابینه ممکن است زمینه‌ساز تضاد منافع شود. پوترافکه می‌گوید: «اگر مسئولان دولتی سابق از موقعیت خود برای تنظیم قوانینی استفاده کنند که بعدها در بخش خصوصی به سودشان باشد، جای نگرانی خواهد بود.» البته ویلدبرگر، برخلاف همتای آمریکایی‌اش، باید پاسخگوی قوانین سخت‌گیرانه اتحادیه اروپا در زمینه حفظ اطلاعات شخصی و هوش مصنوعی باشد.

وتو در سایه دولت فدرال

وزارتخانه تازه ویلدبرگر دارای اختیاری بی‌سابقه در آلمان است. حق وتو نسبت به هزینه‌های رایانه‌ای دیگر وزارتخانه‌ها، این در حالی است که به‌طور معمول و مرسوم، تنها وزارت دارایی چنین حقی بوده است. البته وی تنها می‌تواند با هزینه مخالفت کند، نه اینکه منابع را در مسیر دلخواه خود هدایت کند. از سوی دیگر، ساختار فدرال آلمان

دلار به‌عنوان جایگزین موقت «یوروس وان» جنجال‌آفرین شده و افکار عمومی آمریکا را برسر پذیرفتن یا نپذیرفتن این هدیه گرانبها دوپاره کرده است. این هدیه که به پنتاگون اهدا می‌شود و پس از پایان دوره ریاست‌جمهوری به کتابخانه ترامپ منتقل خواهد شد، انتقادهایی درباره تعارض منافع برانگیخته است. به علاوه این هدیه سبب شده آمریکایی‌ها ماجرای هدیه دادن یک هواپیما از طرف دولت آمریکا به چینگ زمین، رئیس‌جمهور سابق چین را مرور کنند که چینی‌ها در آن ۲۰ دستگاه جاسوسی یافتند. در حوزه اقتصادی، قطر متعهد به خرید ۱۰۰ هواپیمای تجاری بوئینگ و ۲ میلیارد دلار پهباد کمبو ۹ شده است. همچنین، سازمان ترامپ با همکاری شرکت قطری دپار و دار گلوبال سعودی، پروژه‌ای ۵۵ میلیارد دلاری برای ساخت مجموعه گلف و ویلاهای لوکس در سیمابسماضا کرد. این قرارداد که اریک ترامپ آن را نهایی کرد، پیوند عمیق منافع تجاری خانواده ترامپ با سیاست خارجی او را آشکار ساخت. در بعد دیپلماتیک، قطر خواستار حمایت آمریکا برای کاهش تحریم‌های سوریه شد و نقش خود را در میانجی‌گری آتش‌بس غزه برجسته کرد. همچنین دیدار موکش آمبانی، ثروتمندترین مرد آسیا و رئیس ریلاینس ایندیاستریز، با ترامپ در ضیافت شام کاخ لوسیل نیز خبرساز شد. منابع گفتند آمبانی که با گوگل و متاهمکاری دارد، قصد مذاکره تجاری نداشت اما حضور او جذابیت دوحه برای چهره‌ها و نخبگان جهانی را نشان داد.

حواشی و پیامدها

رویکرد اقتصادی جنجالی و باجگیرانه ترامپ که سلطان برکات، استاد دانشگاه حمد بن خلیفه، آن را «گسست از سیاست خارجی ارزش‌محور» خواند، انتقادهایی به دنبال داشت. این سفر، با قراردادهای چندتریلیون دلاری و پیوندهای تجاری خانواده ترامپ، پیروزی اقتصادی برای او رقم زد اما پرسش‌هایی درباره تعارض منافع و آینده دیپلماسی آمریکا برانگیخت. خلیج فارس بار دیگر صحنه‌ای برای نمایش مهارت‌های معامله‌گری ترامپ شد و با کسب‌ای پر از صید الماس به آمریکا باز خواهد گشت اما باید بگوییم سیاست باجگیرانه، جهان را از اصول اخلاقی خود دور خواهد کرد.

ایالات متحده پس از سال‌ها فشار سیاسی و اقتصادی، اعلام کرد که تمام تحریم‌های اعمال شده بر سوریه را به درخواست رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه و محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی لغو می‌کند، اقدامی که می‌تواند نقشه سیاسی خاورمیانه را دگرگون کند. این تصمیم که همزمان با آغاز روند عادی‌سازی روابط واشنگتن و دمشق مطرح شد، در پی یک دیدار بی‌سابقه میان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و احمد الشرع، رئیس‌جمهور موقت سوریه، اتخاذ شده است؛ دیداری که به گفته ناظران، نه‌تنها به معنای شکسته شدن یخ روابط دو کشور است، بلکه می‌تواند به بازسازی وجهه بین‌المللی دمشق پس از بیش از یک دهه جنگ کمک کند.

لغو تحریم‌ها و دیدار الشرع و ترامپ

دونالد ترامپ در نشست سران شورای همکاری خلیج فارس در ریاض، با اشاره به دیدار ۳۳ دقیقه‌ای خود با الشرع، اعلام کرد: «با حمایت رهبران بزرگ حاضر در این اتاق، در حال بررسی عادی‌سازی روابط با دولت

جدید سوریه هستیم. لغو تحریم‌ها به سوریه فرصت شروعی دوباره خواهد داد.» ترامپ تأکید کرد که ایالات متحده «تمام تحریم‌ها» را لغو خواهد کرد تا به پذیرش مسئولیت بازداشتگاه‌های نیروهای داعش در در اختیار مردم سوریه قرار گیرد. از سوی دیگر، کاخ سفید اعلام کرد ترامپ در دیدار خود با الشرع خواستار سه اقدام کلیدی از سوی دولت جدید سوریه شده است: اخراج فلسطینی‌های متهم به اقدامات تروریستی، پیوستن به توافقات ابراهیم با اسرائیل و پذیرش مسئولیت بازداشتگاه‌های نیروهای داعش در شمال شرق سوریه. وزارت خارجه سوریه در بیانیه‌ای رسمی، این تحول را «نقطه عطفی حیاتی برای ملت سوریه» توصیف کرد و افزود: «حذف تحریم‌ها امکان پیگیری ثبات، خودکفایی و بازسازی واقعی به دست خود مردم سوریه را فراهم می‌سازد.»

شادی مردم سوریه و جشن خیابانی

بلافاصله پس از اعلام لغو تحریم‌ها، خیابان‌های دمشق و دیگر شهرهای سوریه صحنه جشن و پایکوبی مردم



دنیرو در کن: ترامپ، دشمن دموکراسی و هنر!

رابرت دنیرو، اسطوره هالیوود، در مراسم دریافت «نخل طلای افتخاری» جشنواره کن ۲۰۲۵، صحنه را به میدان نبرد علیه دونالد ترامپ تبدیل کرد. او که جایزه‌اش را از دستان لئوناردو دی‌کاپریو گرفت، با سخنرانی آتشین خود تماشاگران را میخکوب کرد. دنیرو هشدار داد: «دموکراسی آمریکا با بازگشت احتمالی ترامپ در خطر است. هنر که تنوع و آزادی را جشن می‌گیرد، از سوی فاشیست‌ها تهدید می‌شود.» ستاره «انند تاکسی» با کتابه به سیاست‌های ضدفرهنگی ترامپ گفت: «رئیس‌جمهور بی‌ذوق ما، بودجه‌های فرهنگی و خیریه را نابود کرده و حالا می‌خواهد روی فیلم‌های خارجی ترفه ۱۰۰درصدی ببندد! نمی‌توان خلافت را قیمت‌گذاری کرد اما ظاهراً می‌توان آن را خفه کرد.» او از همه خواست برای دفاع از آزادی

و دموکراسی متحد شوند: «باید حالا اقدام کنیم، نه با خشونت، بلکه با رأی و اشتیاق!» دی‌کاپریو هم پیش از اهدای جایزه، دنیرو را «خود بازیگری» خواند و از همکاری‌اش در «زندگی این پسر» گفت: «در ۱۶سالگی سر دنیرو فریاد زد و او مرا به چالش کشید تا بهترین خودم باشم.» در حاشیه مراسم، ژولیت بینوش با سخنرانی تکان‌دهنده‌اش درباره فاطمه حسونه، عکاس فلسطینی که در بمباران غزه جان باخت، اشک حضار را در آورد: «فاطمه باید امشب کنار ما می‌بود.» همچنین میلن فارمر با اجرای ترانه «اعتراف» به یاد دیوید لینچ، فضای مراسم را عاطفی‌تر کرد. کن ۲۰۲۵ با این لحظات جنجالی و احساسی، بار دیگر ثابت کرد که سینما فقط هنر نیست، بلکه صدای اعتراض و آزادی است.



پس از هشت سال غیبت، دنیل دی‌لویس با «آتمونی» به صحنه سینما بازمی‌گردد. این درام عمیق خانوادگی که ۳ اکتبر به‌صورت محدود و ۱۰ اکتبر (۱۸ مهر ۱۴۰۴) به‌صورت گسترده اکران می‌شود، نخستین تجربه کارگردانی رونان دی‌لویس، پسر اوست. فیلمنامه، محصول مشترک همکاری پدر و پسر و با تهیه‌کنندگی برد پیت شکل گرفته است. «آتمونی» رابطه و پیوند پدران و پسران را با ظرافت روایت می‌کند و علاوه بر دی‌لویس، سامانتا مورتون و شان بین هم در این فیلم حضور دارند. دی‌لویس که پس از «رشته خیال» از سینما کناره گرفته بود، با این اثر بار دیگر هنرش را به پرده نقره‌ای می‌آورد.

چهره روز

قفل کهنه، کلید نو

در پی دیداری سابقه ترامپ با رئیس‌جمهور موقت سوریه، آمریکا اعلام کرد تمامی تحریم‌ها علیه دمشق را لغو می‌کند



شد. در میدان امویین، صدها نفر از زن و مرد و کودک با پرچم‌های سوریه و نوای موسیقی، شادی خود را از این تحول ابراز کردند. هدی قصار، معلم زبان انگلیسی، گفت: «این تصمیم بی‌تردید سراسر کشور را دگرگون خواهد کرد. بازسازی آغاز می‌شود، آوارگان بازمی‌گردند و قیمت‌ها پایین می‌آید.» در استان ادلب، باسل احمد، شهروند ۳۹ساله، اظهار داشت: «پس از ۱۴ سال جنگ و ۵۰سال استبداد، مردم سوریه حق دارند طعم ثبات و امنیت را بچشند.» مزلم عبدی، فرمانده نیروهای دموکراتیک سوریه نیز با احتیاط از این گشایش استقبال و ابراز امیدواری کرد که «فرصت فراهم‌شده در راستای بازسازی و آینده‌ای بهتر برای همه سوری‌ها به کار گرفته شود.» با گذشت بیش از یک دهه از آغاز جنگ داخلی سوریه و فروپاشی زیرساخت‌های کشور، بسیاری این تغییر ناگهانی در موضع واشنگتن را نه‌فقط تحولی ژئوپلیتیکی، بلکه گامی به سوی بازگشت تدریجی سوریه به حیات عادی می‌دانند، آغازی تازه پس از ویرانی دیرپای جنگ.

پس از شروع ناامید کننده در آ.اس. رم علاقه به تنها باز یکن عربستانی در فوتبال اروپا



بر اساس گزارش وب‌سایت فرانسوی فوت‌مرکاتو، چندین باشگاه از لیگ یک فرانسه علاقه زیادی به جذب سعود عبدالحمید، بازیکن بین‌المللی عربستانی و عضو باشگاه آ.اس. رم ایتالیا، در تابستان آینده نشان داده‌اند. سعود عبدالحمید در تابستان گذشته با آرزوهای بزرگ و با هدف به‌جا گذاشتن اثری ماندگار، به عنوان اولین بازیکن سعودی حاضر در پنج لیگ معتبر اروپایی، به باشگاه رم پیوست اما فصل او با رم از نظر میزان دقایق بازی ناامید کننده بود؛ او تاکنون تنها در ۶ بازی رسمی برای رم در تمامی رقابت‌ها به میدان رفته است. با این حال، نام خود را در تاریخ ثبت کرد؛ چراکه موفق شد اولین بازیکن سعودی شود که در یک رقابت اروپایی گلزنی می‌کند. او این گل را در جریان دیدار رم مقابل اسپورتینگ براگا در لیگ اروپا به ثمر رساند. به گفته منابع سایت فوت‌مرکاتو، تمایل سعود عبدالحمید به جدایی از رم به دلیل کمی زمان بازی و فرصت حضور در میدان است. او اکنون به دنبال یافتن تیمی دیگر است تا بتواند توانایی‌های خود را بهتر نشان دهد و فرصت بیشتری برای بازی داشته باشد.

گفت‌وگو با ساعده سیمما، سخنگوی باشگاه استقلال درباره چالش‌هایش در فضای مردانه فوتبال

چالش‌های رسانه‌ای و فوتبالی خانم سخنگو

● ساعده سیمما، سخنگوی باشگاه استقلال در مواجهه با چالش‌های رسانه‌ای و انتقادات به حضور خود در فوتبال از پایداری و اراده برای موفقیت در این فضای مردانه سخن می‌گوید

گروه ورزش | سخنگوی باشگاه استقلال از روزی که به این سمت منصوب شده، بارها تیتیر یک رسانه‌های ورزشی بوده است. روز گذشته برخی رسانه‌ها به غیبت او در مجمع عمومی پشکسوتان پرداختند و انتقادهایی را متوجه ساعده سیمما کردند اما او پاسخ می‌دهد: «قرار نیست در تمام جلسات حضور داشته باشم». و البته شاید هیچ سخنگوی در فوتبال ایران به اندازه او زیر ذره‌بین نبوده است. شاید به این دلیل که او یک زن است و از این نظر متفاوت‌ترین عضو جامعه فوتبال به حساب می‌آید. ساعده سیمما، زنی است که از بطن فضای خشن و مردانه سیاست به دنیای فوتبال پا می‌گذارد. البته که او اولین کسی نیست که از عالم سیاست به فوتبال می‌آید و این خبر خوبی نیست اگر بگوییم، اغلب این تغییر فضا موفقیت‌آمیز نبوده است. او اما زنی سختکوش و مقاوم به نظر می‌رسد و با وجود آنکه از همان اولین روزهای حضورش، با واکنش تند رسانه‌ها و خبرنگاران ورزشی مواجه شد اما با انگیزه و اشتیاق بالا قصد عبور از چالش‌ها را دارد. با این وجود اما به‌نظر می‌رسد او خیلی زودتر از تصور به سختی -و حتی بی‌رحمی- موجود در فضای فوتبال ایران برخورد کرد. هرچند خودش می‌گوید: «ما به زندگی سخت عادت داریم.»

● چرا اسخنگو شدم؟

«اول اینکه کار کردن در باشگاه استقلال برای من افتخار بود. وقتی پیشنهاد همکاری به من داده شد، خیلی خوشایند بود و استقبال کردم.» او در ادامه در پاسخ به این سوال که چرا این پست را قبول کرد، افزود: «به‌واسطه داشتن تجربه در حوزه مدیریت رسانه و روابط عمومی و ارتباط موثر و همچنین به خاطر تجربه‌ای که داشتم، قبول کردم.»

● این پست را نگر فنتد

ساعده سیمما در ادامه می‌گوید: «واقعیتش این است که تیم ما در شرایط خوبی نبود. این پست قبل از من هم به کسی پیشنهاد شد و آن آن‌نظیرفت. فکر کردم هیات مدیره و

باشگاه نیاز به کمک دارد و می‌توانم کمک کنم. در سخت‌ترین شرایط این پست را قبول کردم. اطرافیانم می‌گفتند الان قبول نکن و بگذار بعد از جام حذفی یا فرصت بهتر.... اما فکر کردم اگر می‌خواهم کاری بکنم، الان که تیم نیاز دارد، باید بیایم و تلاشم را بکنم و خودم را ثابت کنم. شاید بتوان گفت یک‌چور از خود گذشتگی بود.»

● سخنگو کیست

اگر بخواهید کار حرفه‌ای بکنید باید بتوانید فضای رسانه‌ای را مدیریت کنید تا بقیه اعضای باشگاه راحت‌تر بتوانند به مسئولیت‌های خودشان برسند. سخنگو باعث می‌شود فضای رسانه‌ای باشگاه مدیریت و همسو شود. شاید در ابتدا این اتفاق نیفتاده باشد اما کم‌کم که نقش سخنگو جا بیفتد، این اتفاق رقم خواهد خورد.

● عکس با لباس ورزشی

قرار نیست تیم را از تنگ و تنگ و قرار نیست مدیریت باشم. مهم این است که سخنگوی مدیرعامل و هیات مدیره و کادر اجرایی باشگاه هستم. باید تمام سوالاتی که در حول و حوش باشگاه وجود دارد را پاسخ بدهم و از پس این کار بر بیایم. سوالات و مسائل فنی تیم را سرمربی جواب می‌دهد.

● اظهار نظرهای جنجالی در اولین کنفرانس

ساعده سیمما در اولین کنفرانس خبری‌اش بعد از انتصاب به‌عنوان سخنگوی باشگاه استقلال با چالش‌هایی روبه‌رو شد. او که غیرمستقیم برای پرسپولیسی‌ها کری می‌خواند گفته بود استقلال شانس قهرمانی در جام حذفی و سوپر جام! است. موضوعی که دستمایه رسانه‌های مختلفی قرار گرفت. او در این رابطه می‌گوید: «من همچنان اعتقاد دارم فضای باشگاه استقلال را از حاشیه دور نگه داریم. فصل هنوز تمام

کریستیانو جونیور زیر نظر باشگاه‌های اروپایی از منچستر تا بایرن مونیخ؛ مشتری‌های پسر رونالدو



گزارش‌های خبری فاش کرده‌اند که چندین باشگاه اروپایی در حال زیر نظر گرفتن کریستیانو جونیور، پسر اسطوره فوتبال پرتغال، کریستیانو رونالدو هستند؛ بازیکنی که به‌تازگی نخستین گام‌های بین‌المللی خود را با تیم ملی زیر ۱۵ سال پرتغال برداشته است. تیم ملی زیر ۱۵ سال پرتغال، کریستیانو جونیور ۱۴ ساله را برای نخستین بار به تیم دعوت کرد و او در جریان برد ۴-۱ مقابل ژاپن که روز سه‌شنبه در قالب یک تورنمنت دوستانه در کرواسی برگزار شد، به میدان رفت. جونیور در حال حاضر در تیم پایه باشگاه النصر عربستان بازی می‌کند و پیش‌تر نیز در تیم‌های پایه منچستریونایتد، زمانی که رونالدو در دومین دوره حضور خود در این باشگاه بود (۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲)، بازی کرده است. به گزارش روزنامه سان، کریستیانو جونیور در نیمه دوم بازی مقابل ژاپن، با چند لمس زیبا و حرکات چشمگیر، مورد توجه قرار گرفت. این گزارش اضافه می‌کند که یکی از استعدادیاب‌های باشگاه منچستریونایتد در ورزشگاه حضور داشت تا عملکرد فرزند رونالدو را زیر نظر بگیرد و گزارش‌های درباره او به روبن آموریس، سرمربی پرتغالی این تیم، ارائه دهد. قرار است جونیور در دیدارهای بعدی مقابل یونان و انگلستان نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. اما تنها منچستریونایتد نبود که ناظرانش را فرستاده بود؛ نمایندگان از باشگاه تاتنهام هاتسپر و ۱۰ باشگاه آلمانی نیز در جایگاه دیده می‌شدند. این باشگاه‌ها شامل بایرن مونیخ، بوروسیا دورتموند، لایپزیگ و هوفنهایم بودند. همچنین نمایندگان از باشگاه‌های یوونتوس، میلان، اینتر و آتالانتا از ایتالیا و باشگاه ردبول زالتسبورگ اتریش نیز حضور داشتند.



چالش با رسانه‌ها

«همه آنچه فکر می‌کردم در رسانه‌ها اتفاق می‌توانیم قهرمان شویم و بعد از آن هم انشاءالله سوپر جام.» او ادامه می‌دهد: «خیلی از مسائلی که باشگاه‌های دیگر درگیرش هستند، مانند نقل و انتقالات یا تمدید قرارداد با بازیکنان الان نباید در موردش صحبت شود. چون جام حذفی را داریم و همه اینها حاشیه ایجاد می‌کند. باید منتظر پایان فصل باشیم. برای خیلی از تیم‌ها فصل پایان پیدا کرده است. در جام حذفی حضور ندارند. در لیگ هم که جای‌شان مشخص است.»

● کلارنس سیدورف

سخنگوی باشگاه استقلال درباره حضور کلارنس سیدورف در این باشگاه می‌گوید: «برای آقای سیدورف نامه‌نگاری‌های اداری را انجام دادیم. به محض اینکه امور اداری کارهایشان انجام شود، برای‌شان ویزا می‌گیریم تا در اسرع وقت در تهران و کنار تیم باشند.»

● آشنایی با یک مدیر سرشناس صنعتی

«من آشنایی هیچ‌کس نیستم»؛ او با بیان این جمله به اخباری که درباره دلیل حضور او در باشگاه استقلال به‌واسطه آشنایی‌اش با محمد شرعتمداری بوده است، می‌گوید: «به هیچ‌وجه صحت ندارد. من به‌واسطه ارتباط با شخص خاصی وارد باشگاه استقلال و این جایگاه نشدم. حضور در باشگاه استقلال مصوب هیات مدیره باشگاه است.»

● سرنوشت استقلال

ساعده سیمما در پایان درباره سرنوشت استقلال در فصل آینده می‌گوید: «امیدوارم یکی از بهترین فصل‌های استقلال در ۸۰ سال تاریخ پرفراختر این باشگاه رقم بخورد.»



اما یکی از مهم‌ترین حواشی این دوره، تساوی ایران برابر ویتنام رقم خورد. تیم ملی ایران برای فرار از برخورد به تیم ژاپن، قصد برد در بازی برابر ویتنام را نداشت و یک نمایش عجیب را رقم زد. آنجا که هر دو تیم پیش از بازی صعودشان قطعی شده بود، محتاطانه بازی کردند و قصد بردن نداشتند. حتی سرمربی پیشین تیم ملی نمایش این تیم را تحقیرآمیز و توهین به شعور تماشاگر دانست. این اظهارات بازتاب گسترده تندی در رسانه‌های ویتنام داشت. اما این تنها حاشیه بازی‌ها نبود. شکست ۳-۱ یک ژاپن برابر تایلند نیز با شائبه تینی هم‌راه شد. اما هر چه بود ایران و ژاپن که از برخورد با هم گریزان بودند، باید در نیمه‌نهایی به مصاف هم بروند.

● خوب با وجود انتقادات

با وجود برخی انتقادات، در مجموع عملکرد تیم زنان ایران (صعود به نیمه‌نهایی برای سومین دوره متوالی) قابل تقدیر است. تیم ملی ایران ساعت ۱۵:۳۰ به وقت تهران به مصاف تیم ملی ژاپن خواهد رفت. در دیگر بازی این مرحله چین و تایلند با یکدیگر دیدار می‌کنند.



لیگ برتر

لیگ برتر در ایستگاه آخر

جنگ پرسپولیس و سپاهان برای لیگ نخبگان

هفته آخر لیگ برتر ایران (هفته سی‌ام) امروز پنج‌شنبه ۲۵ دی‌ماه ۱۴۰۴ در شهرهای مختلف ایران برگزار می‌شود. در این هفته با توجه به قهرمانی تراکتور و تعیین تکلیف برخی از تیم‌ها به‌طور هم‌زمان برگزار نمی‌شود. مهم‌ترین بازی‌های این هفته دیدار پرسپولیس- هوادار و استقلال- سپاهان است که جنگ کسب سهمیه لیگ نخبگان محسوب می‌شود.

برنامه بازی‌های این هفته به این شرح است:

۱	تراکتور	۱۹	۶۵
۲	سپاهان	۱۹	۵۷
۳	پرسپولیس	۱۹	۵۷
۴	فولاد	۱۹	۵۲
۵	گل‌گهرسیجان	۱۹	۴۴
۶	ذوب آهن	۱۹	۳۹
۷	ملوان	۱۹	۳۸
۸	استقلال	۱۹	۳۴
۹	چادرملو اردکان	۱۹	۳۴
۱۰	آلومینیوم اراک	۱۹	۳۲
۱۱	خیبر خرم آباد	۱۹	۳۲
۱۲	استقلال خوزستان	۱۹	۳۱
۱۳	شمس اذر قزوین	۱۹	۲۹
۱۴	مس رفسنجان	۱۹	۲۷
۱۵	ساجی مازندران	۱۹	۲۳
۱۶	هوادر	۱۹	۲۲

ساعت ۱۸:۰۰

پرسپولیس – هوادار

– نساجی مازندران

ذوب آهن

شمس اذر قزوین –

آلومینیوم اراک

ملوان – فولاد

استقلال – سپاهان

ساعت ۱۹:۰۰

گل‌گهر سسیرجان –

چادرملو اردکان

مس رفسنجان – خیبر

خرم‌آباد

ساعت ۲۰:۰۰

استقلال خوزستان –

تراکتور

ویژه

تور جهانی تنیس ارمنستان:

صعود مشکلات الزهرا و شکست ماندگار

رقابت‌های تور جهانی تنیس ارمنستان در شرایطی ادامه یافت که ماندگار فرزامی برابر حریف او کرایینی خود نتیجه را واگذار نکرد اما مشکلات الزهرا صفی دیگر نماینده تنیس با برتری مقابل نماینده روسیه به مرحله بعدی این رقابت‌ها راه یافت. به گزارش هفت‌صبح، در این رقابت‌ها ماندگار فرزامی در راند دوم جدول اصلی با نتایج ۶ بر ۷ و ۳ بر ۶ برابر آریانا تاشنکو از اوکراین بازی را واگذار کرد و مشکلات الزهرا صفی نیز با برتری ۶ بر ۴ و ۳ بر ۲ سد داریا بیلایوا گذشت. او در دیدار بعدی خود باید به مصاف الینا نیلیی دیگر نماینده روسیه برود.

حاشیه

خبر بد برای ستاره برزیلی فوتبال

هفتمین جدایی خواهر نیمار در ۱۰ سال



خواهر نیمار داسیلوا، ستاره سانتوس برزیل، اخیراً با شکو بزرگی روبه‌رو شد، چراکه از همسرش جدا شد؛ خبری غم‌انگیز برای خانواده این بازیکن مستعد. نیمار پس از سال‌ها حضور در فوتبال اروپا، با بازی در تیم‌هایی چون بارسلونا اسپانیا و پاری سن ژرمن فرانسه و در نهایت الهلال عربستان، به کشورش بازگشت. او در ژانویه گذشته قراردادی را با الهلال به‌صورت توافقی فسخ کرد و به تیم سابقش، سانتوس برزیل بازگشت؛ جایی که دوران درخشان فوتبالی‌اش از آن آغاز شده بود. اما در میان این بازگشت، نیمار با خبری ناگوار مواجه شد: خواهر ۲۹ ساله‌اش، رافائلا، از همسرش گابریل باربوسا (ستاره فعلی تیم کروزیرو) جدا شد. این جدایی زمانی علنی شد که باربوسا تصاویر رافائلا را از حساب‌های شبکه‌های اجتماعی خود حذف کرد. رابطه این دوازده ساله ۲۰۱۵ آغاز شد و چندین بار دچار فراز و نشیب شد. جدایی اخیر، هفتمین بار در طول ۱۰ سال است که این زوج از هم جدا می‌شوند؛ اتفاقی ناراحت‌کننده برای نیمار و خواهرش. شایان ذکر است که گابریل باربوسا، معروف به گابی‌گل، سابقه بازی در اینترمیلان ایتالیا، بنفیکا پرتغال، سانتوس و فلامینگو در برزیل را دارد و در ژانویه گذشته به کروزیرو پیوسته است.

دنیای ورزش



خبرنگاران بین‌المللی، یکی از خبرنگاران از پاپ درخواست کرد که در یک مسابقه خبریه تنیس شرکت کند. پاپ پاسخ داد: «حتماً!» و افزود: «با (آندره) آغاسی بازی خواهم کرد.» او سپس با شوخی ادامه داد: «تا زمانی که حریفم سینئر نباشد!» - شوخی‌ای بر پایه هم‌نامی «سینئر» با واژه انگلیسی Sinner به‌معنای گناهکار از نظر مذهبی. در نشست خبری بعد از پیروزی سینئر مقابل پسر دی‌یونگ در دور سوم مسترز رم، خبرنگاران از او درباره نطرش در مورد علاقه پاپ به تنیس پرسیدند. سینئر پاسخ داد: «خیلی عالیه که یک پاپ داریم که تنیس را دنبال می‌کند و خودش هم بازی کرده.» و اوتیکان نیز دارای امکانات مختلفی است؛ از جمله یک زمین خاک رس تنیس در داخل مجموعه و اوتیکان.

اینفانتینو در ریاض فاش کرد:

سود ۵۷۰ میلیون دلاری جام جهانی زنان

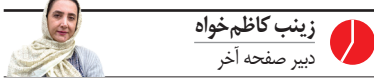
جیانی اینفانتینو، رئیس فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا)، روز سه‌شنبه در فروم سرمایه‌گذاری عربستان- آمریکا ۲۰۲۵ در ریاض اعلام کرد فیفا قصد دارد از طریق جام جهانی فوتبال زنان، به درآمدی یک میلیارد دلاری دست یابد. وی اشاره کرد که جام جهانی زنان ۲۰۲۳ که به میزبانی استرالیا و نیوزیلند برگزار شد، بیش از ۵۷۰ میلیون دلار سودآوری داشته است. اینفانتینو گفت: «فوتبال زنان و مشارکت بانوان در این ورزش از اهمیت بالایی برخوردار است. این بخش از فوتبال در حال رشد چشم‌گیری است و ما هدف‌گذاری کرده‌ایم تا تنها از طریق جام جهانی زنان، به درآمدی معادل یک میلیارد دلار برسیم تا این

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سردبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری و وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذر پور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کللیی

دانشمندان می گویند جهان هستی زودتر از آنچه تصور می کردیم از بین خواهد رفت

انقضای جهان زودتر از موعد



زینب کاظم خواه
دبیر صفحه آخر

جهان هستی سریع تر از چیزی که تصور می کردیم در حال مرگ است این تحقیق جدیدی است که دانشمندان هلندی روی آن کار کرده اند. اما لازم نیست خیلی نگران شوید. ما هنوز ۱۰ به توان ۷۸ سال تا وقوع آن زمان داریم - یعنی یک عدد یک با ۷۸ صفر جلوی آن.

با این حال، مقاله تحقیقاتی دانشگاه رادبود که در مجله کیهان شناسی و فیزیک ذرات نجومی منتشر شده است، خاطر نشان می کند که این یک تجدیدنظر اساسی نسبت به تخمین قبلی ۱۰ به توان ۱۱۰۰ سال است. هینو فالکه، نویسنده اصلی این تحقیق گفت: «پایان نهایی جهان بسیار زودتر از آنچه انتظار می رفت فرامی رسد، اما خوشبختانه هنوز زمان خیلی زیادی طول می کشد.»

سه نفر از دانشمندان دانشگاه رادبود تصمیم گرفتند محاسبه کنند که «پایدار ترین» اجرام آسمانی - ستاره های کوتوله سفید - در نهایت چه زمانی از بین می روند. کوتوله سفید گونه ای از اجرام فضایی است. طی زندگی یک ستاره در دوران پیری برخی از ستارگان که از حد ۱/۴ جرم خورشید پر جرم تر باشند به ستاره نوترونی یا سیاه چاله (۳ برابر جرم خورشید) و اگر از این حد کم جرم تر باشند تبدیل به کوتوله سفید می شوند.

این گروه از دانشمندان محاسبات شان را بر

یادها

ساده زیست ترین رئیس جمهور دنیا درگذشت



خوزه «پیه» موخیکا درگذشت. این بار، در ۸۹ سالگی، همان طور که روز سه شنبه توسط یاماندو اورسی، رئیس جمهور اروگوئه، در رسانه های اجتماعی اعلام شد، او تصمیم گرفت که زمان رفتن فرا رسیده است. موخیکا در ژانویه گفته بود: «تا جایی که می دانم، این نهایت کاری است که می توانم انجام دهم.» اما برای او کنار گذاشتن مردمش آسان نبود. نه پنجاه سال پیش، زمانی که شش بار به او شلیک شد و نه در طول ۱۰ سالی که توسط ارتش در گودالی به مساحت تقریباً یک متر مربع زندانی شد. بار اول، ۱۲ لیتر خون جان او را نجات داد. بار دوم، قورباغه را رام کرد و به موش ها غذا داد تا به جنگ دیوانه شدن نبود. اواز آن سلول عادل تر از پیش بیرون آمد، همان طور که خودش می گفت و به چیزی که بلد بود بازگشت: سیاست. در سال ۱۹۹۴، به عنوان معاون مونتهویدئو انتخاب شده؛ در سال ۱۹۹۹، به عنوان سناتور؛ و در سال ۲۰۱۰، بازدیک به ۵۵درصد آراء به عنوان رئیس جمهور اروگوئه.

موخیکا به عنوان نمادی از ریاضت و سادگی، نوع نادری از رهبری که در نهایت سادگی زیست و جهان را مجذوب خود کرد و هرگز ایمانش را به بشریت از دست نداد. او دو ماه نوامبر، در حالی که از جلسات پرتودرمانی برای درمان سرطانش خسته شده بود، به روزنامه ال پائیس گفت: «من خودم را وقف تغییر جهان کردم و هیچ چیز لعنتی را تغییر ندادم. اما سرگرم شدم و به زندگی ام معنا بخشیدم. من با خوشحالی خواهم مرد. تمام عمرم را با رویاپردازی، جنگیدن و تلاش گذراندم. مرگ کمک زدن و هزاران رنج را بر من تحمیل کردند، اما مهم نیست، من دینی به دنیا ندارم.» موخیکانجات یافته از نبردهای بی شمار در

جنگ با سرطان شکست خورد -اولین بار در مری اش و بعد در کبدش. وقتی مناسب‌است: او تأیید شد تصمیم گرفت که دیگر تسلیم شود. او سالل گذشته در مصاحبه با روزنامه ال پائیس، گفت: «هر روز ساعت هفت صبح ۳۱ شات پرتودرمانی می گرفتم.» و در حالی که با انگشتانش دایره ای به اندازه یک پر تقال را نشان می داد گفت: «آنها سرطان را شکست دادند، اما من را با چنین حفره ای تنها گذاشتند.» عوارض جانبی درمان، خوردن را برایش سخت کرد و او را ضعیف و خسته کرد. سه ماه پیش در مراسم اختتامیه مبارزات انتخاباتی نامزد ریاست جمهوری منتخب خود، یاماندو اورسی آخرین حضور عمومی اش بود. موخیکا تا پایان موضعش را روشن کرد که به دنبال جایی در مجسمه های برنزی تاریخ نیست. او در یکی از آخرین مصاحبه هایش گفت: «مردان تاریخ را نمی سازند - ما کمیک استریپ می سازیم. چرا؟ چون در پهنه کیهان و زمان، ما بیش از حد از خودمان سیر شده ایم. این کار خلق یک خدا در قالب انسان و هر چیزی که با آن همراه است، یک نیاکان گرای قدیمی است.»

موخیکا پیش از مرگش درخواست کرد که برای مصاحبه با او تماس گرفته نشود. او به هفته نامه بوسکودا گفت: «دوره من تمام شده است. راستش را بخواهید، من دارم می میرم و جنگجو لیاقت آرامش خود را دارد.» او تصمیم خود را برای مرگ در خانه، در مزرعه اش و به خاک سپردن «زیر درخت ردوود بزرگ» جایی که سگ سه پایش مانوئلا را در سال ۲۰۱۸ دفن کرده بود، اعلام کرد. او گفت: «و تمام.» و اینگونه بود که تصمیم گرفت این دنیا را ترک کند.

هفت صبح

پازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با
اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت
منعوع وقابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
کد پستی
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم
۱۹۰۲۲ | اذان مغرب: ۱۹:۲۲
۰۴:۵۹ | طلوع آفتاب: ۰۳:۲۱ | اذان ظهر: ۱۲:۰۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۰۲ | اذان مغرب: ۱۹:۲۲

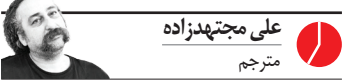


ماموریت اقلیدس ژانوس فضایی اروپا و رصدخانه وراسی- روبین در شیلی، نگاهی به انرژی تاریک دارند و قصد دارند داده های خود را در سال های آینده منتشر کنند. تلسکوپ فضایی ۱.۵ میلیارد دلاری اقلیدس ژانوس فضایی اروپا که در سال ۲۰۲۳ پرتاب شد، مجهز به یک آینه اولیه تقریباً بی نقص با ۹۴ سانتی متر و دو ابزار است: یک دوربین نور مرئی

۶۰۰ مگاپیکسلی و یک طیف سنخ تصویربرداری مادون قرمز ۶۴ مگاپیکسلی. میدان دید این تلسکوپ تقریباً دو برابر اندازه ماه کامل است. پژوهشی از دانشگاه تگزاس در دالاس، گفت: «کنون، این احتمال وجود دارد که همه چیز به پایان برسد. آیا ما این را چیز خوبی می دانیم یا بد؟ نمی دانم.»

یک دقیقه زندگی

چه می شد نمایشگاه کتاب زمستان بود

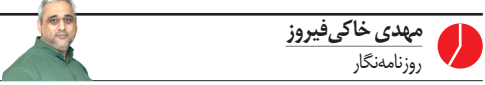


علی مهنجدرزاده
مترجم

دیروز که من توی نمایشگاه کتاب عرق مال بودم و دربه در پیدا کردن دستشویی ها، ستاره بهم زنگ زد که: «بابا کجایی؟» گفتم کجام. گفت: «الان دوستم کزال بهت زنگ می زنه.» گفتم چرا؟ گفت: «ما به برنامه تحقیقات جنایی شروع کردیم. من به اون گفتم که باید اول زنگ بزنه به تو و هویت خودش رو تأیید کنه.» می گویم نمی شد به خود او زنگ بزند و هویتش خود به خود تأیید شود؟ می گوید: «نه اون باید به تو زنگ بزنه. ما باید پنهنون کاری کنیم. تحقیقات ما خیلی مخفیّه.» یکدهفم چشمم از دور تابلوی دستشویی را می بیند و باغ باغ دلم باز می شود. می گویم باشد و خداحافظی نکرده گوشی راقطع می کنم و پر می کشم به سوی تابلو. از مقدماش بگذرم که گفتن نندارد و می آیم جایی که سرم را گرفته بودم زیر شیر آب سرد. چه حسسی داشتم خالی کردن چند ساعت و چوماخوردگی با رسه های آب که می گذاشتم از یقه و تیره پشتم راه بکشدن پایین. شنیدم گوشی

داستان زمانه ما

روزنامه ای که دوست دارم



مهدی خاکی فیروز
روزنامه نگار

چقدر دلم می خواست دفترر روزنامه مان، بخشی از یک واگن قطار بود؛ واگنی با صندلی و دیواره چوبی و دلنشین که با صدای ریتمیک چرخ هایش، سایه هایی از قصه ها و شعرها می افتاد. قطاری که هیچگاه نمی ایستاد، جز در ایستگاه های زندگی. از دشت های بی انتها گرفته تا کوهستان های مه آلود، از کنار دریاچه های آرام تا دهکده هایی که هنوز نام شان روی نقشه ها حک نشده اند. دوست داشتم ما خبرنگاران روزنامه به جای آنکه از پشت میزهای تحریر و شیک و مانیتورهای بزرگ به دنیای بزرگ نگاه کنیم، سر نشین قطار و جویندگان و شنوندگان قصه های نانوشته بودیم؛ با قلم هایی که فقط برای نوشتن دلتنگی ها و شادی های ساده ساخته شده اند. در هر ایستگاه، با دلی باز به خانه هایی وارد می شدیم که در آنها جریان زندگی، گرمای دلنشینی داشت. آدم هایی که در دل کوجهای پاریک، در کنار درختان کهن، در پشت درهای چوبی و دیوارهای گلی، داستان هایی داشتند که به صفحات روزنامه های بزرگ نمی رسید.

در یکی از ایستگاه ها، پیرزنی با داستانی لرزان برای مان کیک توت فرنگی بیاورد که بویش، همچون نسیمی ملایم در واگن پخش شود و ما طعمم دستپختش را همچون شمری عاشقانه در دهان بچشیم. در ایستگاه های دیگر، پسرری با گلی عجبب در گلدانی کوچک به سراغ ما بیاید. گل بنفش رنگی که در کوهستان های دور دست به سختی می روید و تنها سه روز از سال شکوفه می دهد، مثل چیزی که در افسانه ها یافت می شود. در برخی ایستگاه ها، گروه های موسیقی کوچک به استقبال مان می آمدند. با دفه ای لرزان و نی هایی که نغمه هایی از دل کوهستان ها می آوردند. همانطور که قطار به آرامی حرکت می کرد، ریتم دلنشینی در فضا پخش می شد. ما در کنار پنجره ها می نشستیم، چای در دست و به این نغمه ها گوش می دادیم. قصه هایی از گذشته های دور و آینده های نزدیک. مردانی از جنس برگشته، زنان که با سبختی های زندگی مبارزه کرده، کودکانی که در سایه درختان بازی می کردند، همه و همه در صفحات روزنامه مان چاپ می شدند.

ای کاش ما راوی این زندگی ها می شدیم، اما نه برای تیترا اول یا تبلیغ یک سیاستمدار. صدای کسانی بودیم که در گوشه های دنیای فراموش شده، به دنبال پناهی بودند. داستان آن پیر مردی که هنوز در دل شب برای همسر



از دست رفته اش شعر می خواند، یا آن زنی که با دستان پینه بسته اش، نان گرم را برای کودکانش می پزد. ای کاش ما با هر کلمه روزنامه زندگی می کردیم و در دل هر جمله، درد و خوشبختی مان را جا می گذاشتیم. دوست داشتم رنگ های روزنامه را از لباس های رنگارنگ مردمان مسیر، عاریه می گرفتیم. شب ها زمانی که قطار در میان سکوت ریل های بی انتها پیش می رفت، صدای چرخ ها همچون اشعاری کلامی در دل شب می پیچید. در آن لحظات، ما قلم به دست، در دنیایی از کلمات می قصیدیم. هیچ سیاسی بهویژه جنگی در کار نبود، فقط زندگی بود، سرشار از شور و اشک، از لبخند و یادآوری که در کنار کوچه ها و درخت ها به جا مانده بود. شاید روزی واقعا چنین قطاری راه بیفتد. واگنی که در مسیرش فقط به انسان ها نگاه کند؛ نه از بالا، بلکه از کنار. روزی که هر ایستگاهش یک قصه باشد، هر ریلش یک یادگاری. اگر روزی این قطار را ببینیم، من اولین مسافرش خواهم بود؛ با کوله ای پر از قلم، کاغذ و گوش هایی باز برای شنیدن. تا نویسم از زندگی هایی که در دل جاده ها و ایستگاه ها به خواب رفته اند؛ از انسان هایی که هنوز با دستان شان دنیای پیرامون خود را گرم می کنند؛ از گل ها و کیک های توت فرنگی و موسیقی های دلنشین که در هر ایستگاه، رنگ و بوی متفاوتی دارند.

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم
۱۹۰۲۲ | اذان مغرب: ۱۹:۲۲
۰۴:۵۹ | طلوع آفتاب: ۰۳:۲۱ | اذان ظهر: ۱۲:۰۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۰۲ | اذان مغرب: ۱۹:۲۲

یادداشت

خیانت در امانت؛ نقض اعتماد

جرم علیه وجدان اجتماعی



مریم رسولی
وکیل پایه یک دادگستری

اعتماد، یکی از بنیادی ترین ارکان روابط انسانی و اجتماعی است. هرگاه فردی مال یا سندی را به دیگری می سپارد، فرض بر این است که سپردن همراه با اطمینان و با هدف حفظ و بازگرداندن آن است. اما اگر ایسن اعتماد مورد سوءاستفاده قرار گیرد و مال مورد امانت، برخلاف توافق، تصاحب یا تلف شود، پای جرمی به میان می آید که در عرف و قانون با عنوان خیانت در امانت شناخته می شود. مطابق ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، «هرگاه اموال منقول یا اسنادی مانند چک و سفته و قبض و ... به عنوان اجاره، امانت، وکالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شود و شخصا یا توسط دیگری مورد استفاده غیرمجاز قرار گیرد، خیانت در امانت محسوب شده و مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد.»

در این جرم، برخلاف سرقت یا کلاهبرداری که اغلب با فریب یا دزدیدن انجام می گیرد، مال با رضایت و آگاهانه به شخص سپرده می شود، اما رفتار بعدی او برخلاف تعهد و توافق انجام می گیرد.

برای تحقق جرم خیانت در امانت، وجود چهار عنصر اساسی ضروری است:

- سپرده شدن مال توسط مالک یا متصرف قانونی به دیگری.
- سپرده شدن با توافق مشخص (مانند امانت، اجاره، وکالت و ...)
- تصرف یا استفاده برخلاف توافق.
- عدم رد ارتکاب رفتار خائنانه.

باید توجه داشت که صرف ادعای خیانت کافی نیست، شساکي باید ثابت کند که مالی با توافقی مشخص سپرده شده و سپرده گیر از چار چوب توافق خارج شده و موجب ضرر شده است.

در عمل، این جرم در روابط خانوادگی، شرکات های تجاری، روابط کاری و حتی معاملات روزمره رخ می دهد. مثال رایج آن، نگهداری چک یا سند نزد فردی به عنوان امانت است که بعدا برخلاف قول، آن را به اجرا گذاشته یا سوءاستفاده می کند.

تمايز مهم خیانت در امانت با کلاهبرداری این است که در کلاهبرداری، مال با فریب اولیه اخذ می شود؛ اما در خیانت، مال ابتدا با اعتماد داده شده و سپس سوءاستفاده صورت می گیرد.

در جامعه ای که بدون اعتماد، پیوندها گسسته می شود، قانون گذاری در زمینه خیانت در امانت، اقدامی پیشگیرانه برای حفظ سرمایه های اجتماعی و اقتصادی است. اما آنچه مهم تر از مجازات است، توسعه فرهنگ درست کاری و احترام به اعتماد میان مردم است.

از گوشه و کنار دنیا

حمله دنیرو به ترامپ در جشنواره کن



رابرت دنیرو، بازیگر سینما - پس از یک دوره کوتاه خودداری - به انتقاد علنی و شدید خود از دونالد ترامپ بازگشته و از سخنرانی پذیرش جایزه نخل طلا در جشنواره فیلم کن برای حمله جدید به رئیس جمهور آمریکا استفاده کرده است.

دنیرو در مراسم افتتاحیه هفتاد و هشتمین جشنواره فیلم در فرانسه گفت که فرمانده کل قوا که دوباره انتخاب شده است، تهدیدی جهانی محسوب می شود. او گفت: «در کشور من، ما برای دموکراسی که زمانی بدیهی می دانستیم، به شدت می جنگیم. این موضوع همه ما را در اینجا تحت تاثیر قرار می دهد، زیرا هنر، مانند امشب، کوره ای است که مردم را گرد هم می آورد. هنر به دنبال حقیقت است. هنر تنوع را در بر می گیرد. به همین دلیل است که هنر یک تهدید است.»

در حالی که تشویق حضار در گراند لومیر، بزرگترین سینمای کن، آغاز شد، دنیرو ادامه داد: «به همین دلیل است که ما تهدیدی برای خودکامگان و فاشیست ها هستیم. رئیس جمهور بی فرهنگ آمریکا، خودش را به عنوان رئیس کن از نهادهای فرهنگی برتر مسا (مرکز کندی) منصوب کرده است. او بودجه و حمایت از هنر، علوم انسانی و آموزش را کاهش داده است.»

دنیرو سپس به اعلامیه غافلگیرکننده ترامپ در ۱۰ روز پیش مبنی بر این که قصد دارد تعرفه ۱۰۰ درصدی بر فیلم های ساخته شده در خارج از ایالات متحده اعمال کند، اشاره کرد.

دنیرو گفت: «شما نمی توانید روی خلاقیت قیمت بگذارید، اما ظاهرا می توانید روی آن تعرفه بگذارید. البته، این غیرقابل قبول است. همه این حملات غیرقابل قبول هستند. و این فقط یک مشکل آمریکایی نیست، بلکه یک مشکل جهانی است. مانند یک فیلم، نمی توانیم فقط بنشینیم و تماشا کنیم. ما باید عمل کنیم و باید همین حالا اقدام کنیم.»

دنیرو سخنرانی خود را با فراخوان مردم برای اقدام «بدون خشونت، اما با شور و اشتیاق و عزم راسخ» به پایان رساند. او گفت: «وقت آن رسیده که هر کسی که به آزادی اهمیت می دهد، سازماندهی کند، اعتراض کند و وقتی انتخابات برگزار می شود، رأی دهد. رأی دهید. امشب و در ۱۱ روز آینده، ما با تجلیل از هنر در این جشنواره باشکوه، قدرت و تعهد خود را نشان می دهیم. آزادی، برابری، برادری.»

قطعی گسترده برق باعث اختلال گسترده در بخش هایی از اسپانیا و پر تغال شده و فرودگاه ها، قطارها و پمپ بنزین ها را تحت تاثیر قرار داده است. این هرج و مرج همچنین به فروشگاه ها نیز آسیب رسانده است، به طوری که برخی از سوپر مارکت ها تعطیل شده اند و فروشگاه های مواد غذایی محلی به دلیل از کار افتادن پرداخت های کارت بی به پول نقد روی آورده اند.